



گزارش جامعه‌شناسی

در سال‌های اخیر با توجه به رشد قابل توجه انتشار کتاب‌های جامعه‌شناسی در حوزه ترجمه اگرچه توانسته‌ایم تا حدودی به منابع دست اول این علم به زبان فارسی دست یابیم و اگرچه توانسته‌ایم یافته‌های جدید صاحبان این علم را در کشورهای دیگر به زبان فارسی در دسترس دوستداران جامعه‌شناسی قرار دهیم ولی باید اذعان کرد روند تولید توسط مؤلف ایرانی بسیار ضعیف بوده است. این مسأله می‌تواند آسیب‌هایی جدی به بدنه رشته جامعه‌شناسی در ایران وارد و آن را با چالش‌های قابل تأملی روبه‌رو کند. اما عوامل مختلفی حوزه تألیف را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از آن جمله می‌توان به نحوه بومی شدن هر علم برای یافتن پاسخ‌ها در دست‌های وطنی، نقش باتیان اولیه این رشته و نحوه ورود علوم به جامعه و نقش متخصصان هر علم اشاره کرد. در این راستا نقش سیاست‌گذاری علمی دولت‌ها، حمایت‌کننده‌ها و چگونگی کاربری آنها تعیین‌کننده به نظر می‌رسد. به هر حال ما در این مجال سعی کردیم از زوایای مختلف به جریان تألیف و نقاط قوت و ضعف در عرصه جامعه‌شناسی آن پیرامون که در دو بخش از نظرات می‌گذرد.

۱۰

گفت و گو با مهندس پایدار: مدیرعامل شرکت پکا

شرکت پکا (پخش و توسعه کتاب ایران) فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۷۷ آغاز کرد و توزیع و پخش کتاب را در اولویت فعالیت کاری خود قرار داد. این شرکت پس از فراز و فرودهایی، چندی است که با تغییر مدیریتی، درصدهای انجام حرکت‌های جدید و مؤثر در این حوزه و سایر فعالیت‌های فرهنگی در زمینه ارتقای سطح کتابخوانی است. در همین ارتباط با مهندس مسعود پایدار مدیرعامل این شرکت به گفت‌وگو نشستیم.

فکر نو باید داشت

گفت و گو با دکتر احمد تمیم داری

ادبیات، سبک‌ها و مکتب‌ها



احمد تمیم داری با نوشتن رساله‌ای تحت عنوان شرح فقیهه کلامی صاحب بن عباده فوق لیسانس ادبیات فارسی گرفت که در سال ۵۸ به صورت کتاب منتشر شد. دوران ادب در عصر صوفی و رساله دکترای وی در دو حیطه از سوی انتشارات حکمت به بازار آمد. دکتر تمیم داری هم‌اکنون در دانشگاه علامه طباطبائی تدریس می‌کند و ترجمه کتاب «ادبیات ایران در انگلیس و آمریکا» اثر یوحنا را برای چاپ تدارک می‌بیند.

۲۰

نشست

بیجمی مهدوی و فلسفه در ایران از زبان دکتر حداد عادل



۳

محل جدید نمایشگاه‌های کتاب چگونه باید باشد؟
یادداشت نصرالله حدادی
۱۳

گفت و گو

دیدگاه‌های علی موحیدیان عطار

مطالعات ادیبان و امکانات فرهنگی

بررسی و مطالعه در باب ادیبان اگرچه از دیرباز مورد اهتمام دانشمندان و پژوهشگران بوده است اما در دوران اخیر به دلایل مختلفی این عفتش افزون شده و هر روز نیز پررنگ‌تر می‌شود. از پدیده‌های مبارک و امیدوارکننده، آقبال به مطالعات ادیبان نوحدی و مکتاب و آیین‌های شرقی در میان هم‌زیان است. این رویکرد، تأسیس و ایجاد مراکز تخصصی پژوهش‌های ادیبان و در نتیجه تربیت صاحب‌نظران را در حوزه علمیه در پی داشته است. علی موحیدیان عطار، مؤلف ۲۲۰ در زمینه‌های دانش آموخته حوزه علمیه و دانش پژوه منطقه، دکتر، عضو هیأت علمی مرکز مطالعات و تحقیقات ادیبان و مذاهب، از جمله این صاحب‌نظران است.

در باره کتاب‌های الکترونیک

کتاب الکترونیک علاوه بر مزایای خود را در بازار کتاب بازمی‌کند. این نوع کتاب‌ها در بازار جهانی کتاب تا حدودی رنج شتابان اما اینجا در ایران کامل‌تر فریبند. کتاب‌های الکترونیک چه نوع کتاب‌هایی هستند؟ چه جمانس دارند؟ انواع آنها از چه قرار است؟ آیا جای کتاب‌های کاغذی را خواهند گرفت؟ اصلاً چطور باید آنها را خواند؟ این مقاله می‌کوشد برای این پرسش‌ها تا حدودی پاسخ‌های ملموس نزدیک شود.

طراحی لباس از روی کتاب

لادن خرمی
۱۶

گنجینه‌های یک شهر

از کتابفروشی‌های زنجان چیزهایی مهم‌تر از کتابخوانی

روایت اول شخص

خبرهای تازه از میرآفاق پایبوردی آیدین آغداشلو رقیه بهزادی
۳۴

بارضا کیانیان: بازیگر از همه ژانرها کتاب می‌خوانم

انتشار علمی و فرهنگی

نمایشگاه بین‌المللی کتاب

دنیای گمشده عیلام
واقت هینتس / ایوود فیروزنیا
۹۲۰۰۰ ریال

فلسفه تاریخ ابن خلدون
محمسن مهدوی / مجید مسعودی
۹۲۰۰۰ ریال

روانشناسی ضمیر ناخودآگاه
کارل گوستاو یونگ / محمد علی امیری
۱۵۰۰۰ ریال

مرفق توزیع انحصاری: شرکت بازرگانی کتاب‌گستر، دفتر: ۰۲۱-۲۲۶۴۰۰۰۰-۵، مرفق فروش: فروشگاه شماره ۱، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، تلفن: ۰۲۱-۸۶۶۰۰۰۰۰، نمایندگان علمی کتاب‌گستر: خیابان آریه، چهارراه جهان کودک، کوچه گلران، شماره ۴، تلفن: ۸۷۳۲۸۹۱

www.ketabgostaro.com - a.mail.info@ketabgostaro.com



احمد مسجدجامعی: بزرگداشت الگوهای فرهنگی باید به جریان فرهنگی تبدیل شود



از زبان دکتر حداد عادل

گروه خبر کتاب هفته، یکصد سی و سومین

نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با عنوان بیجی مهدوی و فلسفه در ایران با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس مجلس شورای اسلامی و جمعی از استادان در خانه کتاب برگزار شد.

احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ابتدای این مراسم گفت: بی شک چنین برنامه‌هایی تأثیر مثبتی در شناختن الگوهای فرهنگی به جامعه علمی دارد و مسیر تلاش، نوآوری و خلاقیت فرهنگی را پیش از پیش هموار می‌کند.

شورای اسلامی در این برنامه علمی رقم سبزه‌ها را به‌عنوان محوریت خود قرار داد. حداد عادل در چنین برنامه‌هایی با وجود مشکلات جدید قابل تحسین است و نشان می‌دهد که تعلقات فرهنگی ایشان همچنان منبأ فعالیتش است و تلاش‌های اجرایی مانع این امر نشده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار امیدواری کرد که حضور دکتر حداد عادل در سمت جدید، راه‌های جدیدی را برای بسط و توسعه معارف در کشور آماده سازد.

وی به بالاترین سطح اعتماد اجتماع نسبت به طیف معلم و استاد اشاره و خاطرنشان کرد: رویکرد تجلیل از دکتر بیجی مهدوی که جنبه‌های مختلفی داشت و یکی از آن جنبه‌ها ستاد و تدریس بود، قابل ستایش و نوعی حق شناسی به کسانی است که پیشینه دانش را در این کشور می‌شناختند و بر علم و دانش و فرهنگ کشور افزوده‌اند و این ویژگی خاندان دکتر مهدوی است.

مسجدجامعی با اشاره به آثار مرحوم مهدوی گفت: دکتر مهدوی علاوه بر ترجمه، آثار ارزشمندی را پدید آورده که از بین ۲ اثری که بعد از انقلاب ارائه کرده، دو اثر، برگزیده کتاب سال شد. وی در ادامه به سایر خدمات فرهنگی مهدوی اشاره و اظهار کرد: دکتر مهدوی گنجینه‌های ارزشمندی را حفظ و در اختیار مراکز مختلف قرار داد. ایشان در تربیت استادان جایگاه مهمی داشت و می‌توان او را استادان استادان نام برد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان سخنانش اظهار امیدواری کرد که بزرگداشت‌های الگوهای علمی و فرهنگی در جامعه به یک جریان فرهنگی بدل شود.

پایه‌گذاری گروه فلسفه دانشگاه تهران

دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه درباره شخصیت دکتر

مهدوی گفت: دکتر بیجی مهدوی صاحب فضایل و خصوصیات مثبت گوناگون بود. او یک ایمان‌زاده و اشراف‌زاده بود، اما دکتر بیجی مهدوی و برادرش همه محاسن ایمان‌زادگی را داشتند و معایب آن را نداشتند. محاسن ایمان‌زادگی، آنها را بزرگ منش بار آورده بود، اهل بذل و بخشش بودند و علم را به خاطر علم و فرهنگ را به خاطر فرهنگ دوست داشتند و علم را از حرص مال نیاموخته بودند.

حداد عادل افزود: دکتر بیجی مهدوی سی سال در دانشگاه تهران خدمت کرد و همه حقوق خود را صرف چاپ کتاب در دانشگاه کرد که آن کتاب‌ها با عبادت هدیه دکتر مهدوی به دانشگاه مزین شده است. افراد بسیاری هم از کمک مالی و معنوی ایشان در زندگی برخوردار شده‌اند. مهدوی عاشق دانشگاه تهران بود و به گروه فلسفه و ادبیات عشق می‌ورزید.

رئیس مجلس شورای اسلامی از دکتر مهدوی به عنوان مردی فرهیخته، فرهنگ دوست و

نویسنده‌ای توانا بود که شایسته است در یک وقت مناسب خصوصیات زبانی و ادبی نثرش شرح شود. مهدوی بر ادبیات کهن مسلط بود اما آشنایی‌اش با این ادبیات به هیچ وجه به نثر فارسی او رنگ کهنگی ندهاده است.

حیات معنوی پایدار

سپس دکتر خوانساری از شاگردان و همکاران دکتر بیجی مهدوی با بیان خاطراتی از وی گفت: دکتر مهدوی از شخصیت‌های والا و متعالی است که حیات معنوی و روحی او همچنان جریان دارد و تا سال‌های متمادی زنده و پایدار خواهد ماند. دکتر خوانساری افزود: آثار دکتر مهدوی مانند نهری است که هنوز جاری است و وجود او در شاگردانش و کسانی که از آثارش بهره می‌گیرند، جریان دارد. وی با اشاره به فضایل اخلاقی دکتر مهدوی اظهار کرد: محور و سرچشمه فضایل دکتر مهدوی، وجدان اخلاقی دقیق و سخت‌گیر او بود و



فرهنگ پرور یاد کرد و گفت: برای او ایران قلب عالم بود و برای بزرگداشت ایران و دانشمندان ایران و تربیت دانشمندان در ایران از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

وی در ادامه به خدمات دکتر مهدوی به فلسفه اشاره و اظهار کرد: او در فلسفه خوانی، فلسفه دینی و آموزش فلسفه با الفیاض و مدبر بود، گروه فلسفه دانشگاه تهران به همت او با گرفت و قدر و اعتبار امروزی فلسفه دانشگاه تهران ناشی از استقامت و مدیریت و بزرگواری دکتر مهدوی است که پایه‌های گروه فلسفه را صحیح و استوار بنا نهاد. حداد عادل خاطرنشان کرد: دکتر مهدوی دوستدار زبان و ادبیات فارسی و عاشق فرهنگ و هنر ایرانی بود و با فرهنگ زندگی می‌کرد.



دکتر مجتهدی با اشاره به انبساط و دقت دکتر مهدوی در زندگی و آثارش افزود: اگر تفکر عمیق پیدا کند، علوم، سطحی می‌ماند و این عمق دو تفکر وقتی پدید می‌آید که انگیزه تحقیق باشد که این ویژگی را دکتر مهدوی داشت.

وی در ادامه به نثر مهدوی اشاره و اظهار کرد: مسکن است نثر او مورد پسند روزنامه‌ها و جوانان نباشد اما اصالت و مناسبت نثر او کمتر در نوشته‌ها مشاهده می‌شود.

در ادامه دکتر نصرالله پورجوادی با اشاره به نقش دکتر مهدوی در تأسیس اداره دانشگاه تهران گفت: دکتر مهدوی یکی از ارکان مدیریت دانشگاه تهران بود و دغدغه اهتمام او این بود که علم، تفکر و فلسفه چه جایگاهی دارد؟

دکتر پورجوادی در ادامه افزود: تمام مهر و موم دکتر مهدوی این بود که علم، فکر و فرهنگ در جامعه توسعه یابد و دانشگاه جایگاه خودش را در کشور پیدا کند. سپس دکتر مهدوی محقق خاطراتی را درباره همکاری با دکتر مهدوی بیان کرد و گفت: برجسته و قوی دانشگاه تهران در خاروسانه نمونه باشد و وجود او باعث عظمت دانشگاه، ادبیات دانشگاه تهران شد.

در پایان مراسم دکتر احسان نراقی خاطراتی را درباره دکتر بیجی مهدوی بیان کرد.

روحانیه

دکتر حداد عادل دلیل حضورش را در این مراسم با وجود مشغله‌هایی که در مجلس دارد، انجام وظیفه دانشجویی و شاکردی و ادای احترام به دکتر مهدوی عنوان کرد. دکتر حداد عادل در پایان سخنانش شعری را که در رثای دکتر بیجی مهدوی سروده بود، قرائت کرد. دکتر فتح الله مجتبابی که قرار بود در این مراسم سخنرانی کند، به علت کسالت حضور پیدا نکرد.





فرهنگسراها

چهار فرهنگسرای نایبستانی در غرب مسهری، منطقه غرب سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران در راستای نهضت فرهنگی نایبستان ۸۳پایتحد و ۸۰هزار جوان فرهنگی، تربیتی، هنری، مذهبی، قرآنی اجتماعی و ورزشی در سطح منطقه اجرا می‌کند. مدیر نهضت فرهنگی نایبستان ۸۳ منطقه غرب، بهنام خادم با اعلام این خبر افزود: علاوه بر فرهنگسرای نایبستانی، خشتزاره یادباغچه‌ها، جشن سیز نایبستان، بررسی آثار معاصر ادب فارسی در فرهنگسرای سایه به نام‌های قائم،مهر،مکدکه و محصل در سطح این منطقه برپا می‌شود.

وی در ادامه افزود: این منطقه در راستای غنی‌سازی روایات فراغت شهروندان، برنامه اجرا نایبستانی نمودار در سطح وسیعی به مرحله اجرا درآورده که از جمله می‌توان به اجرای تئاتر خیابانی، شب‌های شعر، جلسه نقد و بررسی فیلم و… اشاره کرد.

فرهنگسرای انقلاب

فرهنگسرای انقلاب نیز در راستای نهضت نایبستانی ۸۳برنامه‌های متنوعی در حوزه کتاب جلسات حافظ شش‌سای با حضور عبادالله رادفرو استاد دانشگاه روزهایی شده از ساعت ۲۰ تا ۲۱ در این فرهنگسرا برگزار می‌شود. همچنین نشست‌های ادبیات دینی و تأثیر آن بر روند شکل‌گیری ادبیات متعهد، و بررسی ادبیات کودک پس از انقلاب، به ۱۵ شهرومراه نیکوگام می‌شود. علاوه بر این شب شعر نایبستانه با عنوان «مهر، خزه» از ۱۹ تا ۲۹ مردادماه در این فرهنگسرا برگزار است.

یاداستان‌های ۸۰کلمه ای

گروه غیر کتاب هفته دومین دوره مسابقات داستان‌های ۸۰ کلمه‌ای آموزش کرانه‌نویسی از سوی خانه فرهنگ شیخ هادی برگزار می‌شود.

این مسابقه که در اولین دوره خود در سال گذشته با استقبال فراوانی از جوانان و جوانان تهران و شهروستانی روبه‌رو شده بود، امسال نیز با برگزاری کارگاه داستان‌نویسی مکاتبه‌ای با حضور کارشناسان ارگاز می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را در پنج حوزه اجتماعی، فرهنگی، هنری، ورزشی و مذهبی تا هفتم شهریورماه به خانه فرهنگ شیخ هادی ارسال کنند.
گفتنی است در سال گذشته از حدود ۲۰۰ اثر ارسالی به سه نفر اول جایزه لوح تقدیر داده شد.

صور بنیانی حیات دینی

گروه غیر کتاب هفته

کتاب «صور بنیانی حیات دینی» نوشته امین دورکیم با ترجمه باقر زویهار توسط نشر مرکز منتشر شد. دکتر یوسف آبادی، استاد جامعه‌شناسی، این کتاب را یکی از بهترین کتاب‌های جامعه‌شناسی دینی دانست و درباره اهمیت این کتاب گفت: اهمیت کتاب در این است که طریقه دستنگاه معرفی دوکیم، از آن انتقاد شده و مباحث آن فقط درباره دین نیست. آبادی درباره افزود: کانت گفت مفهوم زمان و مکان را از دستگاه‌های معرفی نشر انتقاد کرده ولی دوکیم به زمان مقدس و نامقدس و زمان ناسوی و لاهوتی اشاره دارد و بحث کانت، پیشینه‌های ذهن نشر است. در حالی که دورکیم همه چیز را از کلیت جامعه انتقاد کرده است.

وی درباره ترجمه کتاب گفت: این کتاب به نظر زبان‌های دنیا ترجمه شده است و ترجمه پرهم بسیار درخشان است.

گروه غیر کتاب هفته

کتاب «اشطباحات لبی نوشته زیگموند فروید

توسط دکتر حسین آرزومندی ترجمه شد.

«اشطباحات لبی» جزو اولین کتاب‌های است که فروید درباره ارتباط زویاهای اشباحات کوچکی که در زندگی روزمره انجام می‌دهیم، نوشته شده است.

حسین آرزومندی، پزشکی که به ترجمه کتاب‌های روانشناسی علاقه دارد و دو کتاب «تسخیر طبیعت درون» و «مصاحبه بالینی در روان‌پزشکی» را نیز در کارنامه خود دارد، درباره فروید گفت: فروید سرزمین‌هایی را کشف کرد که بیروانش هر کدام شامه‌ای از آن را تحلیل گرفتند و قرن پسیم، رجعتی دوباره به فروید و اندیشه‌های او دارد. مخصوصاً در اثر آثار او مورد توجه قرار گرفته است. در کشور ما مدت‌ها کتاب‌های فروید اجازه چاپ نداشتند که در حال حاضر اینطور نیست.

آرزومندی در ادامه افزود: می‌توان فروید را از تاریخ روانشناسی حذف کرد کسی که اسنشد در کنار افرادی چون ایشین در جنگ جهانی دوم مطرح بوده است.

وی با اشاره به اینکه موضوع اشباحات لبی (پیرانشی) از ما بیرون به فراتر است، درباره طیف خوندگان کتاب اعلام کرد: کتاب به گونه‌ای ترجمه شده است که علاوه‌مندان به مطالعات روانشناسی و محصلان این رشته می‌توانند از آن قلم و… اشاره کرد.

اشطباحات لبی

بهره بگیرند، مباحث کتاب به خودشناسی و دید واقع‌گرایانه به مسائل توجه دارد.

دکتر آرزومندی یکی از ویژگی‌های کتاب را معادل‌سازی فارسی کلمات پرشمار و اظهار کرد: معادل‌سازی این کتاب‌ها به گونه‌ای است که به چرند کلمه، مابقی معادل‌های جدیدی هستند که از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب شده است.



وی درباره عنوان کتاب که با املاهی نامرست نوشته شده است گفت: عنوان کتاب ارتباطی مستقیم با مباحث درونی کتاب دارد. اشباحات لبی به مانند املاهی غلط

همین کلمه شامل بسیاری از لغزش‌های است که روزانه دچار می‌شویم.

هر کدام از اشباحاتی مانند فراموشی نام‌ها، کم کردن اشیاء، لغزش‌های زبانی و… ما را بر آن می‌دارد که برای شناخت بیشتر از خودمان و دیگران دریدمان مطالعه کنیم. «اشطباحات لبی» که سخنرانی‌های زیگموند فروید درباره اشباحات لبی و زویاهای ارتباطی نامورگاکه این دو است توسط انتشارات بهجت با شمارگان ۳۰۰۰ جلد منتشر شده است.

اعتراض نویسنده کتاب سروش مردم

گروه غیر کتاب هفته، نویسنده کتاب سروش مردم، به طور رسمی و مجدداً تکلیف خود را علیه نشر دادار (کتاب نشر) به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه کرد.

عرفان قائمی، مترجم و نویسنده اعلام کرد: نشر دادار به چاپ غیرقانونی و مستمر امروش مردم

مجموعه گفتارها و اندیشه‌های محمدرضا خیرنیا، اقدام کرده است.

قائمی فرد در این باره گفت: قرار بود کتاب در سال ۸۲ پس از اصلاح و بازبینی شجریان در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، همزمان با نسخه انگلیسی آن منتشر شود، اما در زمان عدم حضور من در ایران این کتاب با شمارگان ۴ هزار نسخه و بدون رعایت حقوق مادی و معنوی آن وارد بازار شد.

وی در ادامه افزود: به دلیل استقبال از چاپ اول آن، ناشر هزار نسخه دیگر منتشر کرد که با اعتراض استاد شجریان روبه‌رو شد. با اینکه نشر دادار نظر خود را اصلاح نکرد، دریافت کرده است هنوز به چاپ غیرقانونی این اثر در شمارگان ۱۰ هزار نسخه می‌پردازد. قائمی فریادش را، به سلفه نشر دادار در انتشار کتاب بدون اجازه و دریافت، وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی را مستقر دانست که اجازه رشد چنین مراکز را در حوزه نشر کشور داده‌اند.

داستان‌های دوشنبه منتشر می‌شود

گروه غیر کتاب هفته، داستان‌های دوشنبه چهارمین کتاب از سری کتاب‌های کارگاه داستان‌نویسی جمال میرصادقی بزودی منتشر می‌شود. در این کتاب که توسط نشر اناره چاپ می‌شود، داستان‌ها گونه‌ای از ۳۰ نویسنده این کارگاه گردآوری شده است.

جمال میرصادقی درباره این کتاب گفت: کتاب داستان‌های دوشنبه نسبت به داستان‌های پیشینه، یکجکته و چهارشبه نمی‌تر است.

از جمال میرصادقی کتاب شناخت داستان‌ها چاپ دوم (افلاخ و آدم‌ها) و «جهان داستان غرب» در مراحل مختلف انتشار به سر می‌برد. همچنین وی در حال نگارش جلد دوم کتاب «جهان داستان ایران» است که به ۱۶ نویسنده از سال ۳۲ بعد اختصاص دارد.

چهار رمان و یک نمایشنامه از صمدی مقدم

گروه غیر کتاب هفته، پنج اثر از پرویز صمدی مقدم توسط انتشارات فرهنگ و سینما در ماه جاری منتشر می‌شوند.

رمان‌های «مرگ سردیور»، «خواب‌بند»، «فنجان چای برای یک غریبه» و «اشوند» برای اولین بار و فیلمنامه «ده دنیا برای دویزبان پارچاپ می‌شوند. پرواز الفصحی بر اساس فیلمنامه «ده دنیا» که برای اولین بار در ۱۹۸۶ چاپ رسید، در حال ساختن فیلمی در فرانسه است. نقش شخصیت‌های اصلی این فیلم را بهرام رادان و «مشایمل» بازیگر سرشناس فیلم‌های زان لوک گذار، بازی می‌کنند.

اشباحان الملل

صدسالگی نرودا

فرانسیس پابلو نرودا، شاعر شیلیایی و برنده سالگی ۱۹۷۱ دوازدهم جوای مساله صلح شد. نرودا که مارکزی به او لقب بهترین شاعر قرن بیستم… در هر زبان زاده بود. بیشتر به خاطر اشعار عاشقانه‌اش شهرت داشت…

نرودا پسر یک کارگر خط آهن بود و از چهارده سالگی به شعر گفتن پرداخت تا مدیر مدرسه‌اش، گابریلا میسترال شاعر معروف شیلیایی قریحه شعری او را کشف کرد. نرودا سه بار از وادج کرد، بارها عاشق شد و در ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۳ در اثر سرطان خون درگذشت.

معروف‌ترین آثار نرودا «اوران شعر عاشقانه و یک آواز غمگین» و «آژیرال کاتره» هستند که شعرهای عاشقانه او با عنوان «هوا را از من بگیر، خنده‌ات را نه» در ایران توسط نشر چشمه با ترجمه احمد پوری چاپ شده و تاکنون ۱۸ بار تجدید چاپ شده است.

در دوازدهم ژوئیه، سالروز تولد صدسالگی نرودا تمام دست‌نشانان او در ایستگاه راه‌آهن پارال محل تولد نرودا گردهم آمدند تا ضمن استقبال از تریه که ۳۰۰ نفر از ادیبان و دست‌نشانان ورئیس جمهور شیلی گذرانده یادکنند. سپس جوانان شیلیایی هر کدام به نشانه علاقه به نرودا سیی را کنار هم گذاشتند و قلب بزرگی ساختند که رویش نوشته شده بود «پابلو نرودا».

همچنین یک طومار دوکی‌موتری به یاد او در خیابان‌های زادگاه وی پهن کرده بودند. که هر کس عطشلی روی آن می‌نوشت، در این مراسم یکبارندل حوس، رئیس جمهور شیلی نیز سخنرانی کرد.

برنده گران ترین جایزه ادبی

پایگاه اینترنتی اسکاتلن من، «هفت بن جلونه» نویسنده مراکش، برنده جایزه Impac ۲۰۰۵ گران قیمت‌ترین جایزه ادبی به ارزش صد هزار یورو شد.

این جایزه به خاطر رمان «بن ساختمان» نقدان روحشالی است». که به زبان انگلیسی چاپ شده است. به او اعطا شد. این رمان از هفده رمان کتابخوانی دریافت این جایزه انتخاب شد که در میان آنها کتاب‌های نویسندگان جهانی چون اولیام بویلد و لیلی آرتزوندی می‌شد. نرودنگان پیشین این جایزه دیوید هابسون، نویسنده استرالیایی به خاطر رمان یادآوری شهر باابل» نویسنده اسپانیایی به نام «مخبر مرا بیا» و خاطر خاطر رمان اقلی به این سفیدی» و نویسنده «معمایی» هرتا مولر» به خاطر خاطر رمان «سرزمین گوجه‌های سبز» هستند. برنده سال گذشته نیز «الوهان پاسوک» به خاطر رمان «نام من فرمز است» بود. «هفت جلونه» در سال ۱۹۹۱ از مراکش به فرانسه مهاجرت کرد و رمان‌هایش عبارتند از: بازی یک نفره، بچه‌های شب و شب روحانی.

پرفروش‌ترین‌ها

پروایس ای تودی، کتاب زندگنی من نوشته امیل کالینتو، هفت گلدسته در شمار جدول پرفروش‌ترین کتاب‌های آمریکا بود. کتاب زندگنی من؛ کتابی غیر داستانی به قیمت ۲۵ دلار است که توسط انتشارات Knopf منتشر شد. و جزوایست پرفروش‌ترین کتابتو روز از دوران کودکی، از وادج بریاست جمهوری و رسوایی او بی‌پای می‌کند. «نامه‌های مسامه به جینفر» نوشته جینفر پاترسون نیز جزو کتاب‌های پرفروش‌ترین هفته گذشته بود که نشر لول پوند آن را منتشر کرده است. این کتاب سرشناس خانمی است که برای پیداکردن یک سری نامه که زندگی‌اش را تغییر داده است، به شهرش بازمی‌گردد. دو کتاب فرشتگان و شیاطین» و «دکتر داینیچی» نوشته دین برون نیز کتابکار در لیست پرفروش‌ترین‌های آمریکا به چشم می‌خورد. قیمت کتاب فرشتگان و شیاطین ۸۱ دلار و قیمت کتاب «دک داونیچی» ۲۵ دلار است.

مرحله اول داوری آثار جایزه گلشیری

گروه کوش - علی خندابی، مرزده ذوقی، فریده رازی، محمدعلی سیانلو، فرزاد سجودی، علینات مسعودی، حسین ستود، سیمده شاملو، محمد حسن شهسوارزی، علی اصغر شیرزادی، صمد طاهری، محمد نایب‌شایمالی، طاهر علوی، مهدی غبرایی، شهریار مدنی پور، محمد محمدعلی مهسا محب علی، جواد مجابی، عباس مخیر، فریوا فرقی، پیمان هوشمندزاد، یعقوب بازرغلی، حمید باوری، پویا رفوئی، علی اشرف دوریشیاد، محمود دولت‌آبادی، قاسم روبین، فرشته ساری، احمد غلامی، محمد قاسم زاده، فرزانه کریم پور، لیلی گلستان، شمس لنگرودی و مهدی بزادنی خرم.

فهرست اولیه شامل ۲۲ رمان و ۳۰ مجموعه داستان نهمه برای داروان جهت نظرخواهی ارسال شده است. پس از آن، در طی نمایشگاه کتاب این فهرست با اضافه شدن ۱۹ رمان و ۲۵ مجموعه داستان تکمیل شده است که فهرست تکمیلی نیز تا میانه تابستان برای داروان ارسال خواهد شد.

کتاب‌ها

شماره ۱۸۶، شنبه ۱۷ تیر ۱۳۸۳



گشت و گذار

قبل از حرکت به سمت زنجان دوستی می گوید حتی‌الیه دیدار پدر حسین مزوی هم برود، پدری که شهرت پسر سایه می‌اندازد، پیرام او پدر مزوی معلم است و مثل او شاعر، در مسیر پیران تاز زنجان از شوگران و شکره را ورق می‌زند و به عسکی که از مزوی در کتاب هفته چاپ شده نگاه می‌کند. چه‌راهی بسیار باشکوه با آن موهایی بر دوش ریخته‌ای که به خاکستری می‌زند و با آن لیختنی که در صورتش پیداست و تاباید.

هم من مثل خیلی‌های دیگر با شم‌های او آشنا بودم اما هیچ وقت ندیده بودمش. وقتی هم که رفت فرصت نشد تا در مراسم تدفین او شرکت کنم و از زوی دیدارش در دل ماند. حتی فرصت دیدار برای اولین بار و آخرین بار آنگونه که برای او و فرخ ایجاد شد دست نداد و نظنم شد که بغض در گلو ماند. جایی از دیدارش با فرخ آنگونه که بغض در آن روزی که می‌خواستند فرخ را به خاک بسپارند. همین روزی اولین و آخرین دیدارم با فرخ بوده است. گاشم من حد حلقی به مراسم تدفین او می‌رسیدم.

از زنجان غزل‌هایش را از بزمه می‌کنم و فکر می‌کنم اگر پدرش را دیدم با چه سوزایی باید شروع کرد. فکر می‌کنم اصلاً باید حرف بزنم و فقط باید نگاهش کنم. فکر می‌کنم بی آنکه چیزی پرسم او خودش همه چیز را خواهد گفت. همه چیز را از حسین. از او که از سرما آغاز کرد و به گرما رسید. از تاریکی آغاز کرد و به روشنی رسید و سرانجام اینکه از شکوه آغاز کرد و به شکر رسید.

لیکنه ابتدا سراغ حسین مزوی بروم یا سراغ پدرش تصمیم گیری اش بر من سخت بود تا اینکه یکی از دوستان در زنجان گفت هر دو را با هم خواهی دید.

محمد مزوی یک مام فلز که از فوت حسین به دیدار حسن مزوی دیگر پسرش رفته بود. آن را زوی قبر او نوشته بودند و بالای آسمش هم جمله گناهکارترین بنده خداوند. حسین را هم کنار پدر دفن کرده بودند و بالای اعضای او روی قبرش کتده بودند نام من عشق است آیا می‌شناسدم.

به‌شایخ شراق

کتابخانه سه‌روزدی زنجان قدیمی‌ترین کتابخانه شهر است که تأسیس آن به سال ۱۳۲۷ بازمی‌گردد که آن سال‌ها فقط در کتابخانه‌ای پیش نبوده است، آن محل اجاره‌ای که شایخ جوان زنجان شیوه‌های او آجانداشته باشند. تبدیل به پاساژ صدف شده است. فراترخانه بعد از مدتی تبدیل به کتابخانه‌ای می‌شود با نام کتابخانه عمومی فرهنگ و هنر که از سال ۱۳۵۶ به کتابخانه عمومی سه‌روزدی تغییر نام می‌یابد.



یادداشت

مرحله قدیمی

کتابخانه سه‌روزدی که اوایل انقلاب در آتش‌سوزی همه کتاب‌هایش را از دست می‌دهد، دوباره آن را بازسازی می‌کنند تا به شکلی جدید درآید.

این کتابخانه ۳ طبقه که تا سال ۱۳۶۷ تنها کتابخانه زنجان بود، هم‌اکنون پیش از ۲۷ هزار جلد کتاب دارد. معازن امور کتابخانه‌های اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان محمدریغ احمدخانی که در این سال‌ها بسیار فعال بوده است تلاش می‌کند تا این کتابخانه را تبدیل به یک کتابخانه مرجع و تخصصی نماید و در عوض یک کتابخانه بسیار بزرگ در مرکز شهر افتتاح کند. احمد خانی می‌گوید: چند سالی است که پیگیر راه‌اندازی یک کتابخانه مرکزی هستیم که با مشکل زمین مواجهیم. وی می‌گوید این طرح در اقلیمه برنامه‌ریزی استان‌ها تصویب شده و سازمان مسکن و رفاه‌سازی هم قول یک هکتار زمین داده است ولی هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. وی که ساخت چنین کتابخانه‌ای را بسیار ضروری می‌داند می‌گوید: اکثر کتابخانه‌های زنجان مخزن‌هایشان پر شده و اگر بتوانیم یک کتابخانه مرکزی راه‌اندازی کنیم می‌توانیم کتابخانه

طبقه سوم کتابخانه سه‌روزدی آغلی کاتری دارد که به نوعی مجهزترین سالن از نظر نور و صدا در سطح شهر زنجان است. طبقه دوم مخزن و سالن مطالعه کتابخانه است که فراوانی قفسه‌های کتاب باعث شده تا فضای کوچکی به سالن مطالعه اختصاص یابد. صداکتر ۸۰ نفر بتوانند از این سالن استفاده کنند. کتابخانه سه‌روزدی که در حال حاضر پیش از ۳ هزار عضو فعال دارد صبح‌های روزهای زوج و بعدازظهرهای روزهای فرد در خدمت خانم‌هاست و برعکس آن به آقایان اختصاص دارد.

طبقه اول این کتابخانه هم به معرفی تازه‌های کتاب و بخش خدمات فنی و اطلاع‌رسانی اختصاص دارد. در بخش تازه‌های کتاب کلیه کتاب‌های جدیدی که از طرف خانه کتاب و وزارت‌تعالیه ارسال می‌شوند در این محل در معرض دید قرار می‌گیرند.

عدم ارسال این کتاب‌ها به کتابخانه از سیاست‌های معاونت کتابخانه‌های زنجان است. احمد خانی می‌گوید: خود سوزولان کتابخانه‌های زنجان می‌آیند و از کتاب‌ها بر اساس نیازمندی کتابخانه آن منطقه کتاب‌هایی را انتخاب



می‌کنند و بعد از آن برایشان ارسال می‌شود. البته اعضای کتابخانه سه‌روزدی تا زمانی که کتاب‌ها در معرض دید هستند می‌توانند از آنها استفاده کنند. بخش اطلاع‌رسانی این کتابخانه نیز چون دیگر قسمت‌ها بسیار فعال است هر چند که شاید خیلی از مراجعین به کتابخانه‌های زنجان از وجود چنین مکانی بی‌اطلاع باشند.

این بخش از کتابخانه سه‌روزدی فعالیت‌های متنوعی دارد. از جمله اعانت دادن CD های آموزشی و فیلم‌های سندهای معرفی مقالاتی که از طریق ترانزفر نمایه به این مرکز ارسال می‌شود. امکان رزنت گرفتن از مقالاتی که بر اساس موضوع نام‌نویسند، نام مترجم و نام مقاله قابل جست‌وجو هستند.

این بخش همچنین مسؤرت بخش یکسان‌سازی خدمات فنی در کتابخانه‌های سطح استان را نیز، به‌عهده دارد.

اطلاع‌رسانی در مورد مخزن سایر کتابخانه‌های سطح استان زنجان از دیگر توانمندی‌های این بخش است به این صورت که بارها همه به این بخش می‌تواند از وجود فلان کتاب در کتابخانه‌های سطح استان آگاه‌شد. وجود

پیش از ۱۱ عنوان روزنامه در بخش نشریات کتابخانه سه‌روزدی نیز بسیار قابل توجه است که این اتفاق را در اکثر کتابخانه‌های زنجان می‌توان شاهد بود. راه‌اندازی کتاب‌فنی در مرکز اطلاع‌رسانی کتابخانه سه‌روزدی برنامه‌های دیگر این مجموعه است که بزودی شاهد افتتاح آن خواهیم بود.

شاید راه‌اندازی کتاب‌فنی تبلیغات بیشتر در مورد این بخش بتواند معطیان بیشتری را جذب کند. هر چند که

زنجان

بروش‌روهای در همین راستامشتر شده است و البته نوشته‌های نیز در کنار در ورودی این کتابخانه نصب شده تا این محل را معرفی کند. لوح‌فشرده نمایه کتابخانه‌ای است که هر ماه منتشر می‌شود. متن مقالات، نقد آثار، گفت‌وگوهای مطرح در

روزنامه‌ها و نشریات علمی و فرهنگی با قابلیت جست‌وجو در اقالم و مقاله‌شناسی موضوع، پدیدآورنده، عنوان مقاله، عنوان روزنامه یا نشریه این گرایش معلول می‌چون و پیرامی فن آوری جدید به روش‌های چاپی است که در چندسال‌انداز و همکاری رسانه‌ها، مسان‌دهی، نظرسنجشی و میداده اطلاعات؛ تصویری.

و داده‌ها را با چشم‌اندازی وسیع ممکن ساخته است. لوح فشرده نمایه بر پایه فناوری فایبر اپتیک است.

کتابخانه‌ای در حیس

کتابخانه مسجد حسینیی در مرکزی‌ترین نقطه شهر در طبقه دوم مسجد قرار دارد. کتابخانه‌ای که از سال ۱۳۶۹ به‌صورت استیجاری در اختیار اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان قرار می‌گیرد و تا قبل از آن توسط متولی مسجد اداره می‌شد.

این کتابخانه که تا ساعت ۱۲ شب فعال است به ۳ شیفت کاری تقسیم‌بندی شده است که دو شیفت اول آن بین خانم‌ها و آقایان پرخششی است و شیفت سوم که از ساعت ۱۸ تا ۲۳ شب به آقایان اختصاص دارد. مخزن این کتابخانه ۱۷ هزار جلد کتاب دارد که ۴ هزار جلد آن کتاب‌هایی هستند که به مسجد اعهدا شده‌اند.

موضوعی که در این کتابخانه درجه یک برای زنجان بسیار قابل توجه است. وجود پیش از ۳ هزار کتاب خطی است که گنجینه‌ای بسیار باارزش را تشکیل داده است. اما بسیار جایی تأسف است که این کتاب‌ها در انباری مسجد شده‌اند و به مرور در حال تخریب هستند. متولی مسجد اجازه نمی‌دهد کتاب‌ها از کتابخانه ا همان‌انبار خارج شوند چراکه وقف مسجد هستند و از طرف دیگر به علت نبود جایمان مناسب برای نگهداری شباسته در آنها وجود ندارد. البته اخیراً تصمیماتی در مورد گسترش و توسعه فضای مسجد گرفته شده و کارهای اجرایی آن نیز شروع شده که همین اتفاق موجب گسترش فضای کتابخانه نیز می‌شود که اختصاص محلی مناسب برای کتاب‌های خطی این مسجد نیز از برنامه‌های این کتابخانه و این مسجد است.

البته ساختن این قسمت از مسجد و کتابخانه پیش از چندین ماه به طول خواهد انجامید و از آنجایی که کتاب‌های خطی پارزش این مسجد در موقعیتی نسبتاً نامطلوب واقع هستند شاید توجه بیشتر به آنها بتواند از ضایع شدن و تخریب آنها جلوگیری کند. این کتاب‌ها که هنوز فهرست‌نویسی نشده‌اند، باقر اختیار پژوهشگران و محققان قرار می‌گرفت که از مجموعه می‌این چند هزار کتاب فقط تعدادی از آنها در دو قفسه در سالن فراترخانه قرار گرفته و بایقی کتاب‌ها کپی هم در انباری انتظار می‌کشند تا شایدر روزی روزگاری…

یاداستاد

استاد رضا روزبه نام شخصیت است که بسیاری از زنجانی‌ها آن افتخار می‌کنند. شاید خیلی از کسانی که بعد از ۴۰ دیرستان علوی تهران فرای تحصیل شده باشند و راه‌خاطر نوشته‌اند، معلمی که شهیدمطهری درباره او می‌گوید: من از زمان حیاتش به ایشان ارادت داشتم و این مطلب را حتی در سخنرانی‌ها، چندین بار اظهار کرده‌ام، روزبه به‌که فراغ‌تشمیصل فزینک بود برای تخریب به دانشگاه نمی‌رود و خود راوقف تعلیم

گنجینه های یک شهر

تریت در دیرستان‌های ایران و زنجان می‌کند.کتر حداد عادل درباره روزی می‌گوید:دانش روزیو رشته تحصیلی او-که فیزیک بود-محدودنمی‌شد.او باطرم قرآنی و فقه و لغت و ادبیات عرب آشنایی کافی داشت با فلسفه نیز کاملاً آشنا بود.

نوشتن از روزیو در این فرست گوناه کار سختی است و فقط شب بیدار گفت آنان که استاد روزیو را از نزدیک دیده‌وشناخته‌اندبیش از هر چیزشفته جلوه معنوی او شده‌اند.زدنگی ورفق او کواروش راستی گفتارش بود.انرموده والای مبلغ عملی پیام بود،جنبه علمی شخصیت استاد روزیو نیز ویژه بود.دقت علمی او در تحقیقات فیزیک و ریاضی تجلی و تداوم میراث گرانیز مادع‌های علمی دقیق‌النظر حوزه‌های علوم اسلامی بود...

این چندسطر تلاش بی‌سری‌بودی‌رای‌انیکه‌یابی‌از او راباشدو مقدمه‌ای برای معرفی کتابخانه‌ای که با نام ویاد او در شهر زنجان وجود دارد. کتابخانه‌روزیه که اخیراًزناسازی شده است دارای ۲ سالن مجزای برای خلیج‌ها و آقایان است.این کتابخانه که در کنار پارک شهید رجایی و فرهنگسرای جوان زنجان واقع است بیش از ۵هزار نفر عضو فعال دارد.کتابخانه‌روزیه نیز چون دیگر کتابخانه‌های زنجان مجبور به سیستم‌های کامپیوتری است و اعضا می‌توانند به‌صورت دستی و کامپیوتری به جست‌وجو حساب‌های مورد نظر خود بپردازند.بخش تازه راه‌اندازی شده دیداری و شنیداری این کتابخانه نیز وجود چندصد CD صوتی و تصویری به‌همدست است که به اعضاامانت داده می‌شود.

مخزن کتابخانه‌روزیه در حال حاضر ۱۱هزار جلد کتاب دارد که این مخزن گنجینه‌ی ۲۰هزار کتاب را دارد. این کتابخانه خودش نماز در کنار فرهنگسرای جوان‌بعومی وترین‌خیابان‌مجاور به نظر می‌رسد.زمن ده‌هزار ستری این کتابخانه‌اشهراداری متعلقه یک زنجان‌اهدا کرده است که قسمت جلوه آن فضای بسیار باری وجود دارد که در آینده از آن قسمت به منظور گسترش سالن‌های مطالعه استفاده خواهد شد.

کتابدراخوش‌نوق

دیوارهای کتابخانه بر از قاش‌ها و کاردهستی‌های کوه‌کاله است که فضایی بسیار دوست‌داشتنی ومصمیم را به‌وجود آورده است. این کتابخانه ولعصر وروستای اینگی کنداز سیلر است که ترجمه‌اش می‌شود وروستای جدیدسات.

نعمتی مسؤل‌ن این کتابخانه است و به تهیه‌این کتابخانه را اداره می‌کند و به قول خودش همه‌کاره کتابخانه است.

این کتابخانه وروستای ۷۰نفر عضو دارد و بیش از ۶ هزار جلد کتاب کتابخانه ولعصر با آن سالن بسیار بزرگی که دارد اصلاً به نظر نمی‌آید این کتابخانه‌ای روستایی باشد. کتابخانه ولعصر تنها کتابخانه شهر زنجان است که هنوز کامپیوتر ندارد هرچند که تا آخر اسال قرار است همه کتابخانه‌های زنجان صاحب دو کامپیوتر و یک چاپگر شوند.

کتابخانه ولعصر از ۷۲۰صباح ۲ بعدازظهر یکسره فعال است. سالن مطالعه خالی است. نعمتی می‌گوید: باتمام‌مامعوملاً اعضامشغول کشورزی هستند و اگر هم بخواهند به کتابخانه بیایند بعدازظهر ه‌این فرصت برایشان فراهم می‌شود.

رنگ و بوی طبیعت

سعدی‌آباد در دل طبیعت قرار دارد و زردی و سبزی کند-مزایا و بوی‌ها را به‌خوشی بیان توصیف کرد. همه‌چیز اپر از رنگ است و از ماشین‌که پیاده می‌شوم بوی علف تازه هم اضافه می‌شود. منظر زیبای از طبیعت بکر و دست نخورده سعدی‌آباد را از همه‌چیز مهم‌ای کتابخانه می‌توان دید. کتابخانه‌ای که سالن آن با گل و گیاه تزئین شده است. این کتابخانه که افتتاح آن دو سال می‌گذرد بسیار مورد توجه اهالی واقع شده و بیش از ۳۰۰نفر هم عضو دارد. با آنکه تعداد کتاب‌های این کتابخانه به ۴هزار جلد هم نمی‌رسد اما عنوان کتاب‌ها اقتدرتوی دارد که بتواند نظر اعضا را جلب کند.

علاقه مندیبه کامپیوتر

کتابخانه گولری زمین آباد به لحاظ برگزار کردن کلاس‌های مختلف آموزشی بسیار مورد توجه اعضا است. این کتابخانه که بیش از ۴۰۰عضو دارد نیز توسط یک نفر اداره می‌شود و کمبود نیرو در این کتابخانه چون کتابخانه‌های دیگر محسوس است آنقدر که گاهی چند وقتی طول می‌کشد تا کتاب‌های ارسال شده آماده شوند. طرح اوقات فراغت در این کتابخانه نیز اسال لیست‌ان راه‌اندازی شده است اما از آنجایی‌که سال گذشته اکثر اعضا در کلاس‌های مختلفی چون گلورزی، خطاطی، تقاضی، خیاطی و...شرکت کرده‌اند همه اعضا علاقه‌مند به کلاس‌های کامپیوتر هستند. این کتابخانه در طبقه دوم دروازه داره که کلاس‌های جانبی کتابخانه در آنجا برگزار می‌شوند.

کتابخانه‌های نغاهمی

زنجان در کنار کتابخانه‌هایی که از آنها یاد شد دارای ۳کتابخانه نغاهمی است که یک طرف آنها اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان است. اولین آنها کتابخانه بنیاد شهید است و دو کتابخانه دیگر که به ابتکار ویشنهاد خود اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان راه‌اندازی شده است که در زنجان مرکزی زنجان و مرکز باقری‌ری قرار دارد. این دو کتابخانه که بیش از یازده هزار جلد کتاب دارند بسیار مورد استقبال زنجانیان واقع شده‌اند. راه‌اندازی دو کتابخانه نغاهمی در کلان‌اصالح و تربیت‌نشدنیان از برنامه‌های زنجان است.

هر چقدر زنجان کتابخانه‌های قابل

توجهی دارد و هر چقدر علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی بیشتر باشند. اما متأسفانه این شهر که دارای چند دانشگاه مطرح در سطح کشور است از داشتن کتابفروشی‌های پرکار و پررونق محروم است. گرچه عده‌ای تلاش‌های کرده‌اند و کتابفروشی‌هایی راه‌اندازی کرده‌اند اما به نظر می‌آید خود ایشان رابطه‌ای کم‌رنگ

از کتابفروشی‌های شهر



با کتابخوانی دارند و اینطور می‌شود هر کتابی را که ناشران و بخش می‌فرستند، در اولین می‌گذارند که البته از روی خوش شناسی ظاهرآ ناشران و بخش‌های خوبی در ارتباط هستند که می‌توان در بهترین این کتابفروشی‌ها تعدادی از کتاب‌های روز تهران و پرفروش و بارزترین را هم دید. دسته دیگر کتابفروشی‌های زنجان هم فقط به کتاب‌های دانشگاهی پرداخته‌اند که آنها هم بر اساس معرفی کتاب و اطلاع‌اسنادی‌مرد جدید دانشگاهها به ناشران تهران سفارش می‌دهند. نهایتاً اینگونه می‌شود که کتابخوان‌های زنجان از دیدن و شنیدن نام بسیاری از کتاب‌های ارزشمندی که در سراسر کشور منتشر و بخش می‌شود محروم می‌مانند. هرچند که به نظر این شهر علاقه‌مندان زیادی به کتاب و کتابخوانی دارد و به همین سبب است جای یک کتابفروشی پرکار، پررونق و پررنگ در خیابان سعیدی زنجان و یا هر جای دیگر آن خالی است، چراکه کتابخوان کتابفروشی را خواهد یافت و کتابفروشی موفق نیز خود را چه‌ر خواهد نمود.

شاید پرکار اما

کتابخانه‌های جدید معروفترین کتابفروشی زنجان باشد که کمتر به کتاب‌های دانشگاهی پرداخته است و به نوعی توجهی خاص به کتاب‌های حوزه ادبیات، علوم اجتماعی، رمان و داستان، علوم سیاسی، روانشناسی و... داشته است.



ملااحمر

در کنار همه کتابخانه‌های موجود در شهر زنجان کتابخانه ملااحمر جایگاه ویژه و متفاوتی حتی در سطح استان دارد. این کتابخانه بسیار بزرگ که دوسال

کاملاً مجزا دارد ظرفیت ۵۰۰نفر برای سخنران و ۲۲۰ نفر برای برادران را دارد. مخزن کتابخانه که نزدیک به ۷۰هزار جلد کتاب دارد در وسط این دو سالن قرار دارد و اعضا به راحتی می‌توانند با کتابداران در ارتباط باشند.

کتابخانه ملااحمر که از سال ۱۳۷۰راه‌اندازی شده است روزانه بیش از ۲۰۰۰نفر مراجعه کننده دارد. اختصاص ۱۳میلیون تومان بودجه برای خرید کتاب از طرف مدیریت ملااحمر باعث شده تا این کتابخانه مخزن بسیار قابل توجهی داشته باشد.

رسانان تعداد کتاب‌های مخزن به ۱۰۰هزار جلد از مهم‌ترین برنام‌های مسؤلان این کتابخانه است. تهیه کتاب برای این کتابخانه اساس نیازمندی‌های دانشجویان، محققان و پژوهشگران است و البته تهیه کتاب‌های عمومی و پر مخاطب نیز جایگاه ویژه‌ای دارد.

این کتابخانه که هم‌ا روز عضو فعال دارد بخش سعی و بسیاری ویژه‌ای نیز دارد. به‌علاوه راه‌اندازی اینترنت از برنامه‌های آینده کتابخانه ملااحمر است.

این کتابخانه مجبور را ۳۰ کتابدار اداره می‌کنند. ۱۰ نفر شیفت صبح و ۱۰نفر شیفت بعدازظهر بخش نشریات این کتابخانه نیز بسیار مورد توجه اعضا است. چراکه فقط ۱۴۰ عنوان مجله به این کتابخانه ارسال می‌شود و ۳۳ عنوان روزنامه سراسری و محلی در این کتابخانه آرشیو می‌شود.

از کتابفروشی‌های شهر



این کتابفروشی نسبتاً بزرگ با دو اولین که در یکی کتاب‌های جامعه‌شناسی و دو دیگری کتاب‌های روانشناسی و ادبی دیده شده است. در کوه‌ای جنوب مسجد رسول(ص) زنجان واقع است. کتابفروشی با کتابخانه فرهنگ که متعلق به محمدرضا تقفمی است سابقه‌ای بیش از ده سال دارد. قدیمی که سابقاً به فروش لوازم خانگی مشغول بوده، هر از چندگاهی کتاب هم مطالعه می‌کرده است. علاقه‌مندی او به کتاب و حسنگی از شغل قبلی‌اش باعث می‌شود این کتابفروشی نسبتاً پربار را راه‌اندازی کند.

کسی تااندکی مثل چا

کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی زنجان در خیابان امام خمینی برای خریداران کتاب‌های دینی و مذهبی قابل توجه است. این کتابفروشی همچون دیگر کتابفروشی‌های

سازمان تبلیغات در سایر شهرها کتاب‌های کاملاً مشخص را برای فروش عرضه می‌کند. گرچه این روزها در فروش سی‌دی‌های مختلف و نیز نوارهای کاست قرآنی و مذهبی موفق‌تر بوده است تا فروش کتاب.

کتابفروشی‌های بازار و رفقای منزوی

بازار قیصریه از مکان‌های دیدنی شهر زنجان است که فرصت خرید اجناس مختلف در کنار

نمایش‌های بازار قدیمی فراهم است. بازار ۲ کتابفروشی دارد. علویون، مکی، زعفری و حسنگل کتابفروشی‌های بازار هستند که نام خودشان را نیز بر کتابفروشی‌هایشان گذاشته‌اند. کریم زعفری که چندسال است فوت کرده و پسرانش کتابفروشی را اداره می‌کنند. سید جعفر علویون هم مدتی است بیمار است و به این کتابفروشی نیز

فرزندانش رسیدگی می‌کنند. حسن حسنگل دیگر کتابفروش بازار ۲۰سال است که در این شغل فعال است. حسنگلو که شغل‌های متفاوتی چون خرازی و کام‌افروشی را تجربه کرده در نهایت تصمیم می‌گیرد کتابفروشی شود.

او می‌گوید دورانی که کام‌افروشی بودم کتاب هم می‌خواندم و شغل خسته‌کننده‌ای بود و بعد

دیده‌ام و به کتاب علاقه دارم تصمیم گرفتم هم کتاب بخوانم و هم بفروشم.

با حسنگلو صحبت از حسین منزوی می‌شود که می‌گوید: ما هم وقتی بودیم و فراران می‌آمدینجا

می‌گوید: حالا که مرده همه دنبال کتابهایش هستند. و بعد کلی دستخط منزوی را داشتیم می‌دهد و هم‌راه با چند وصیت‌نامه می‌گوید: کلی نخرم. هم می‌شود از منزوی داشتیم که دامد به کسی چاپ کند.

دو سال کتابداری و ۱۰سال کتابفروشی

سید داور موسوی دو سال کتابدار کتابخانه شهروندی زنجان بوده و همین دو سال زمینه‌ای می‌شود تا او را کتاب ارتباط نزدیکتری پیدا کند. از آنجایی‌که قراردادی بوده است تصمیم می‌گیرد یک کتابفروشی راه‌اندازی کند و حالا ده‌سالی می‌شود که به کتابفروشی مشغول است و به پادهمان

دو سال و نزدیک کتابفروشی‌اش به کتابخانه شهروندی نام کتابفروشی‌اش را نیز شهروندی گذاشته است.

موسوی چند سالی درشغل سیاسی خوانده. خودش به کتاب‌های ادبی علاقه‌مند است اما در کتابفروشی‌اش به کتاب‌های زبان و کامپیوتر پرداخته است. موسوی معتقد است به دلیل فراوانی

عناوین مختلف نمی‌توان به همه حوزه‌ها پرداخت و شاید به صورت تخصصی عمل کردن برای

فروشنده و مخاطب بهتر باشد.

کتابخانه‌ها
شماره ۱۸۶
شنبه ۲۷ تیر ۱۳۸۳
۷

در صنعت کتاب‌های الکترونیک یک بحث بزرگ فرایده وجود دارد و آن بحث این است که به چه چیزی می‌توان کتاب الکترونیک گفت. در این زمینه چند دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول کسانی که از یک دستگاه باتری‌دار هم قد اندازده و کتاب‌های الکترونیک استفاده می‌کنند، بر این باورند که کتاب‌های الکترونیک هستند که توسط این دستگاه خوانده می‌شوند و بقیه کتاب‌ها را نمی‌توان کتاب الکترونیک خوانند. البته عده دیگری هم هستند که با این گروه مخالفند. آنها هم دلایل دیگری دارند و کتاب‌های دیگری را الکترونیک می‌دانند. به نظرات آنها هم می‌توانیم پرداخت. ولی ابتدا باید گفت که این یک واقعت است که انسان از هزارها سنی از موفقی که زبان را آموخت، شروع به رسم‌گذاری بودی آضا و ممانیم کرد. مثلا در کشورها تلاش می‌کنند تا با استفاده از لغات تخصصی، واکنش‌های عاطفی پیمانانشان را کنترل کنند. آنها هم مانند که پیمانانشان از این که برای ترس پیماناش اسمی وجود دارد، احساس آرامش می‌کنند. یا در نظر بگیریم حقوق‌دانان و وکلا را که اصطلاحات آنها می‌تواند پرواضح حق وکالت واری موکل را آسان‌تر کند یا در نظر بگیریم سیاستمداران را که به‌طور برای اتفاقات روزمره زندگی مردم با نگاه کردن از نحوه سسته اتان خودا به بیرونه اسم‌ها و اصطلاحات دولت دست می‌کنند. بنابراین به‌طور فزاین کتاب‌های الکترونیک هم حق به‌دهد که در این که نظر داشته باشند.

به هر حال نظر گروه اول دربارہ این که کتاب الکترونیک چیست، این است. کتابی الکترونیک است که بتوان آن را توسط دستگاه کتابخوان مطالعه کرد؛ دستگاهی که بعداً با اندازهٔ یک کتاب معمولی است. این دستگاه‌ها هر بار شارژ حدود ۲۰ تا ۳۰ ساعت کار می‌کند. بنابراین این توان یک کتاب الکترونیک را با دستگاه کتابخوان بدون اینکه در حین مطالعه احتیاج به شارژ دستگاه باشند. مطالعه کرد باید اضافه کنیم این دستگاهها قابل اتصال به کامپیوتر هستند و بنابراین صرفاً برای خواندن کتاب‌های الکترونیک به کار نمی‌آیند. در واقع اندازهٔ یک کتاب با قطع واقعی است. از نظر حجم و وزن هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند و حتی حمل آن راحت‌تر از کامپیوترهای موسوم به نت‌بوک است.
پروژهٔ *Kindle* آمازون، پیشرفت کتاب‌هایی که توسط این دستگاه‌ها خوانده می‌شوند، کاملاً شبیه کتاب دیده می‌شوند و حتی حروف این کتاب‌ها به گونه‌ای است که انگار با مرکب چاپ شده‌اند. یکی از شرکت‌هایی که در زمینه تولید دستگاههای کتابخوان بسیار فعال است، سیم استار (Gemstar) نام دارد. این شرکت اخیراً دو پیشاز دیگر این‌عرضه یعنی مراکت ای برک (Rocket ebook) و اسافت بوک (Soft book) را جذب کرده و محصولات تازه‌ای را به‌نام‌های *REB 1۱۰۰* و *REB ۱۱۰۰* به‌ بازار عرضه کرده است. آیا مهم‌استه می‌تواند مانند کتاب‌هایی را که پنج قرن است با انسان‌ها هم‌راه شده تغییر مسیر پاسخ سوالات این شرکت این است که ما نظر بدین‌ترین افراد به‌کتاب‌های الکترونیک و خوش‌بین‌ترین افراد نیست

مقاله هفته

مکتور یونس شکرخواه

کتاب‌های الکترونیک آنچه‌ان که هست

کتاب الکترونیک (E-book) حالا داره جای خود را در بازار کتاب بازی می‌کند. این نوع کتاب‌ها در بازار جهانی کتاب تا حدودی رایج شده‌اند، اما اینجا، در ایران خیلی‌اند. کتاب‌های الکترونیک چه نوع کتاب‌هایی هستند؟ چه محاسنی دارند؟(البته آنها از چه فرار است؟ آیا جای کتاب‌های کاغذی را خواهند گرفت؟ اصلاً چطور باید خوانند آنها؟ و…

این مقاله می‌کوشد برای این پرسش‌ها تا حدودی به‌پاسخ‌های ملموسی نزدیک شود. اینکه می‌گویم تا حدودی، دلیل دارد. حتی متون اینترنتی موجود در این زمینه هم توافق‌گسترده‌ای در قبال مفهوم کتاب الکترونیک ندارند. به‌خصوص، این تصویری است که جهان امروز از کتاب الکترونیک عرضه می‌کند: کتاب‌های الکترونیک کتاب‌هایی هستند که با فرمت دیجیتال (Digital Format) عرضه می‌شوند، به‌عبارت دیگر، جنس این کتاب‌ها از کاغذ و مرکب نیست. این تعریف می‌تواند یک نقطه شروع تلقی شود، اما درحین حال یک نقطه بحث‌برانگیز است!

از طرفداران دستگاه کتابخوان که بگذریم، نوبت به‌جمع‌بندی می‌رسد که کتاب‌های الکترونیک را به‌شکل دیگری تعریف می‌کنند. آنها با گروه اول اختلاف نظر دارند. از نظر آنها کتاب‌هایی الکترونیک هستند که توسط نرم‌افزارهای ویژه خوانده می‌شود؛ نه توسط دستگاه.

به عبارت بهتر، در نگاه گروه دوم کتاب الکترونیک با نرم‌افزار معنا می‌یابد، نه با سخت‌افزار. در این گروه دوم دو گزارش وجود دارد: یک گزارش از نرم‌افزار میکروسافت (Microsoft Reader) و گزارش دوم از نرم‌افزار ادوبی (Adobe Reader). حیات می‌کنند، اگرچه این دو نوع نرم‌افزار باهم تفاوت‌هایی دارند. اما هر دو گزارش در یک مورد هم‌نظر هستند و کاملاً سر آن اتفاق نظر دارند: کتاب الکترونیک واقعی یعنی کتابی که بتوان آن را با نرم‌افزار خواند. اجازه بدهید به ویژگی‌های هر دو نرم‌افزار نگاه داشته باشیم.

کتابخوان میکروسافت

کتابخوان میکروسافت (رایگان) از فرمتی استفاده می‌کند که کلرایپ (type) نام دارد. این فرمت بسیار شبیه حروف چاپی است. ویژگی دیگر این فرمت این است که از نظر ابعاد قابل تغییر و تنظیم است. معنی این ویژگی علاوه بر افزایش قابلیت وضوح در هنگام خواندن، این است که می‌توان کتاب‌های کوچک را در قطع‌های بزرگ‌تر چاپ کرد. کتاب‌های الکترونیک که خود شرکت میکروسافت آنها را طراحی می‌کند و با کتابخوان میکروسافت خوانده می‌شوند فقط حدود ۲۰۰ تا ۵۰۰ کیلوبایت حجم دارند و این یعنی این که شما می‌توانید صدها کتاب الکترونیک از این دست را Download کنید. کتاب‌ها در این دستگاه کتابخوان به‌صورت تک‌صفحه‌ای دیده می‌شوند و از حاشیه سفید کافی هم برخوردارند تا حروف در حاشیه صفحه به‌صورت ناقص ظاهر نشود.

شما می‌توانید این که صفحه نمایش این کتابخوان شروع بزنند و خواننده فقط معترض کتاب مواجه باشد، امکانی بر آن وجود دارد که براساس آن صفحه کوچک‌تر (menu) به‌صورت پنهان باقی می‌ماند و هرگاه خواننده به آن احتیاج داشته باشد، ظاهر می‌شود. ویژگی دیگر کتابخوان میکروسافت این است که یک‌ایک کلمات بهتر شما می‌توانید به‌سرعت تعداد و محل‌هایی را که یک واژه خاص در کتاب به‌کار رفته است، پیدا کنید. قابلیت دیگر این کتابخوان این است که می‌توان با افزودن فرهنگ‌گشت نکارتا (Glossary) به آن (مصحح‌ها رایگان دیگری از میکروسافت)–سپاری از دشواری‌ها را به‌ویژه، برای آنان که بر زبان انگلیسی تسلط کافی

ندارند. حل کرد، با چنین امکانی، هرگاه معنی واژه‌ای را در یک کتاب ندانید، فقط کافی است بروی آن واژه کلیک کنید و بسرعت به معنی آن دست یابید. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، امکان استفاده از مازیک رنگی برای مشخص کردن یک پاراگراف یا جمله خاص در کتاب است (Book marking) یعنی همان کاری که آن را با استفاده از مازیک‌های قفسری در کتاب‌های چاپی انجام می‌دهیم. این نرم‌افزار رنگ‌های متعددی را برای این کار در اختیار قرار می‌دهد (من خودم این را ترجیح می‌دهم شما چطور؟)

کتابخوان ادوبی

کتابخوان ادوبی (رایگان) هم تقریباً شبیه کتابخوان میکروسافت است. درای امکانات کتابخوان هم درست‌جو و استفاده از رنگ است و هم قابلیت کوچک و بزرگ شدن صفحات (Zoom) را به‌شما می‌دهد. علاوه بر این شما می‌توانید اگر مایل بودید، در کتاب‌تان حاشیه‌نویسی هم بکنید. شما می‌توانید کتابخوان این قدرت را هم دارد که دو صفحه از کتاب را همزمان در برابر شما باز کند. البته استفاده از امکانات این نرم‌افزار متوسط به کسب اجازه از ناشر است.

امکان اولی این که کتابخوان با صدای خودش شروع به خواندن کتاب برای شما بکند؛ امکانی که به‌ویژه برای نابینایان جذاب است و برای مواقعی که خواندن حوصله‌خواندن ندارد.

امکان دوم، پرینت گرفتن از کتاب.

علاوه بر اینها، کتابخوان ادوبی قادر است تصاویر رنگی را هم با کیفیت بالا، اگر در کتابی این نوع تصاویر باشد، نمایش دهد.

دیدگاه سوم دیدگاه سوم به حرف و حدیث‌های دو دیدگاهی که مطرح شد کاری ندارد. دیدگاه سوم می‌گوید هرچه را که می‌توان با مرورگر (browser) خواند، کتاب الکترونیک است. پس از دیدگاه سوم هر صفحه‌ای که داده‌های آن سفر و یک باشد، صفحه‌ای از یک کتاب الکترونیک است. از نظر این گروه، مرورگرها مادران کتاب‌های الکترونیک هستند.

دیدگاه چهارم

دیدگاه چهارم هم به حرف و حدیث‌های سه دیدگاه دیگر هیچ کاری ندارد. طبق این دیدگاه، کتابی که سود نیاورد الکترونیک نیست!

از شوخی‌کننده، حرف اصلی این گروه این است که قابل سرتقت برای تکثیر نیست. آنها می‌گویند چرا

باید کتابی را تولید کرد که هیچ سودی نداشته باشد و هر که حوصله آن را تکثیر کند؟

این دیدگاه در واقع نگاه تکثیر نداشتن کامپیوتری (hackers) است؛ دستگاهی که قبل برنامه‌ها و نرم‌افزارها و هر فلز دیگر دیجیتال را می‌کنند، تا حق مالکیت معنوی پدیدآورندگان را نگیرد. بکنند.

از این دیدگاه، امنیت (security) باید جزو ویژگی‌های هر کتاب الکترونیک باشد.

تجدیدی علیه کتاب‌های چاپی!

آیا واقعاً کتاب‌های الکترونیک تهدیدی علیه کتاب‌های چاپی به‌شمار می‌آیند؟ یک تحقیق در سال ۲۰۰۰ در آمریکا که تحت عنوان «مطالعه خرید کتاب» صورت گرفت، نگاری‌های



نرسان و کتاب‌فروشان را موقتاً کاهش داد.

به عنوان نمونه، نوروا رابلسون (Nora Rawlinson) سربره هفته‌نامه معروف نتین پابلیشرز (Publishers weekly) به نتیجه‌نگاران این تحقیق چنین پاسخ داد: امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری کتاب‌های الکترونیک هنوز در برابر تکنولوژی بافصدساله چاپ کتاب، بی‌رنگ هستند. اما من فکر می‌کنم که این صنعت نوپا به‌زودی رشد خواهد کرد. نکته دیگری این که از ۱۱۴ نفری که در این پژوهش مورد پرسش قرار گرفتند، ۶۰ درصد با کتاب‌های الکترونیک آشنا بودند و ۷۰ درصد به پاسخ به یکی از پرسش‌ها گفته بودند حداقل تا ۶ ماه آینده قصد دارند کتاب الکترونیک بخرند.

اما کسی دوتر از این نظرات، یک تگرانی هم به‌چشم می‌خورد. کلوب‌های کتاب (book clubs) بزگان آینده خود شده‌اند. حتماً اطلاع دارید که کلوب‌های کتاب، چندین کتاب از برای شما به‌فوت یک دلار می‌فرستند (شما هزینه پست را هم خودشان می‌دهند) و دو عوضی شما باید چند کتاب از آنها بخرید. ریشه تگرانی آنها در اینجاست که مابداً ناشران به کتاب‌های الکترونیک بدونید و دیگر کتاب‌ها به کلوب‌ها برای توزیع ندهند. تگرانی این کلوب‌ها هنگامی واقعی به‌نظر می‌رسد که به یاد پیاوریم وقتی «استفن کینگز» (Stephen Kings) کتاب «۶۶ صفحه‌ای الکترونیک» خود به نام «سوار بر گزله» (Riding the Bullet) را در اینترنت قرار داد.

طرف ۱۴ ساعت چهارصد هزار نسخه فروش رفت. حالا شما چه نظری دارید؟ سخت‌افزاری الکترونیک دربارهٔ سخت‌افزاری حسید؟ یا نرم‌افزاری یا هیچ‌کدام؟ راستی شما اصلاً فکر می‌کردید شاهد روزی باشید که اینترنت صاحب دهنها کتابفروشی الکترونیک باشد؟ کتابفروشی‌های الکترونیک که کتاب‌های چاپی می‌فرستند. مثل کتابفروشی آمازون (Amazon.com) یا «میل کتابفروشی» بارزاند. نویل (Barnesandnoble.com)

این کتاب‌فروشی‌های الکترونیک عادت‌ها را در خرید کتاب تغییر دادند. آیا کتاب‌های الکترونیک عادت‌ها را در مطالعه کتاب تغییر می‌دهند؟



- CNN.com- Books - survey: Few believe e-books will replace paper versions. September 21, 2000 http://www.CNN.com/2000/books/electronicbooks
- Barnes & Noble.com ebooks: Adobe ebook reader features/microsoft reader features http://www.ebooks.barnesandnoble.com
- "E-book" or "content"-what's in a name? http://www.fonebooks.com/naming.htm
- Tech News-CNN.com: E-publishing posing threat to traditional book clubs. http://www.ennet.com
- Anti-Afiasing:creating graphics for the web http://www.widearea.co. uk/designer/anti.html

۱ نام کتاب: بوئینبروک، زوال یک خاندان، نویسنده: توماس مان، مترجم: علی اصغر حداد، نشر مامی، تعداد صفحات: ۸۸، زمان اصدال: انتشار اواخر مرداد ۸۳ یادداشت زیر را آقای علی اصغر حداد در اختیارمان قرار داده اند:

توماس مان در ششم ژوئن ۱۸۷۵ در لوبک به دنیا آمد. پدرش، ستاگر هایلیش مان، به تجارت غله اشتغال داشت. مادرش، یولیا دانیسلا، خود پدری آلمانی و مادرِ برقیلی داشت.

تعلق خاطر پدر و مادر به دو دنیای متفاوت در شکل گیری شخصیت توماس مان تأثیر ماندگاری به جا گذاشت.

توماس مان در سن ۲۲ سالگی نگارش **بوئینبروک‌ها**، این نخستین و مشهورترین رمان خود را آغاز کرد. بوئینبروک‌ها در سال ۹۸۱ برای نخستین بار منتشر شد. پرویدی نویسنده شهرتی به بار آورد که نظیرش، عصبی هیچ‌کس از نویسندگان آلمانی نرند. سیتم شدت، است. تراج این شهرت و افتخار زمانی بود که در سال ۱۹۲۹ به پاریس نگارش این اثر جایزه نوبل را به او اهدا کردند و نه این تزیین نام و آوازه او در سراسر جهان پراکنده شد.

بوئینبروک‌ها، متون فرعی زوال یک خاندان، را بر خود وارد و مضمون آن با تفکر ناتورالیستی و آفاق فرید، بوئینبروک‌ها در سال ۲۳۰۰ برای نخستین در این اثر، تمامی عاکی از محبت به قهرمانان خود چگونگی این زوال را درم گشود. ای به درازای زندگی چهارپنل شرح می دهد. نسل اول پوهان بوئینبروک، کالن پارزگونی ترومند که بازندگی است و زندگی به مرادش می گردد و نسل چهارم، هانو، پسر چچای شفته موسیقی بیزار از قیل لاف زندگی پادشاهی زنجور و پدیرای هرگ، بوئینبروک‌ها، تقابل انسان معمولی، سالم و سرزنده، است با انسان هنرمنده، ستاوتوماس بوئینبروک، قهرمان اصلی اثر، سدای اوج گرفتن بزرگ شدن و رسیدن به قله های موفقیت در سر باره. اما سرجام در اوج شکست و تکانی به دلفکی در لایس



یادداشت

علی الله سلیمی

«انتظار»، هاجین، ترجمه نفیسه سلطانی، انتشارات روزگار، چاپ اول: ۱۳۸۳، شمارگان: ۳۵۰۰ نسخه، تعداد صفحات: ۲۷۷ صفحه، ۲۰۰۰ تومان.

به نازگی رمان «انتظار» نوشته هاجین نویسنده معاصر آمریکایی با ترجمه نفیسه سلطانی، مترجم پرکار در سال‌های اخیر، توسط نشر روزگار در تهران چاپ و در بازار کتاب ایران ترویج شده است.
نفیسه سلطانی در سال حاضر در ومان دیگر را نیز در زیر چاپ دارد که با عناوین «بستری در آتش» نوشته امکن ناللی، فیته و «آوازهای نلی» اثر هویکتور پم برن» در انتشارات روزگار مراحل و چاپ را می گذراند.

دلایل متعددی به روی انتخاب کتاب هاجین به وسیله نفیسه سلطانی وجود دارد که یکی از آنها کسب جایزه ادبی پن همینگوی با همین رمان است.

«انتظار» داستانی است به قلم یک نویسنده غربی (آمریکایی) که بشرط حوادث آن، سرزمین چین در مشرق زمین است.

ماجراهای محوری رمان پیرامون زندگی «الین» و «مانا» دو شخصیت درگیر در حوادث داستانی برمی گردد. هر دوی آنها در آتش چین خدمت

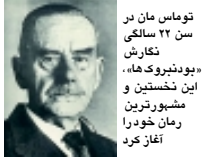
فاخر بدل می شود. روزگاری قهرمانان شکست خورده مضمون اصلی مجموعه آثار توماس مان را تشکیل می دهد. توماس مان بیست و دو ساله با قلمی نیرخ آسنا شده این مضمون را در بوئینبروک‌ها، پایدیزی می کند.

کریستیان لوده و مقلد، هوشنره شاعر و هانو این پسر بچه زنجور و خسته جان، از جمله قهرمانان «بوئینبروک‌ها» هستند.

این قهرمانان وارد دیگر رمان‌های توماس مان در «کوه جانانو»، «دکتر فاستوس» و «مرگ در ونیز» ملاقات می کنند.

بوئینبروک‌ها، را علی اصغر حداد به فارسی

ترجمه کرده است و این تیربندی از سوی نشر مامی به بازار عرضه می شود.



توماس مان در

سن ۲۲ سالگی

نگارش

«بوئینبروک‌ها»

این نخستین و

مشهورترین

رمان خود را

آغاز کرد

... و با نشر مامی تا پایان مرداد

۲. جمشید بهام در ۱۱۶ صفحه درباره تحولات خانواده نوشته است. کتاب، ۲۳۰۰ تومانی تحولات خانواده را آقای ترجمه مرحوم محمد جعفر یونیده ترجمه کرده است.

۳. تا این لحظه ۲۲ کتاب از مجموعه نویسندهگان بزرگ قرن بیستم به سرپرستی خشایار دیهیمی، به بازار عرضه شده است. اعلمش می داند این مجموعه به نوعی ادامه سلسله نسل قلم محسوب می شود. برخی از این کتاب‌ها بیشتر با سر و شکلی متفاوت در آن سلسله کم‌یاب به چاپ رسیده است.

۴. کتاب بعدی نویسندهگان بزرگ از این فراراسته: اول، کتاب ۸۸ صفحه‌ای که آقای پرویز سیاروشی

از متن اتفاق

توماس مان، آگروپری، یونسکو و...

در تور نشر ماهی

از جناب ولف ناریکا ترجمه نموده‌اند. درباره خلدان زلی است که روزی از روزها برای یکی چه‌اوتشت که بزرگسالان بسیاری را اهل کرده آقای سنت آگروپری که قصه‌نارده چوپولی ایشان است کم ۷ بار به فارسی برگردانده شده است و هر چند هنوز بسیاری ترجمه مرحوم قاضی را معتبرترین می‌دانند اما از آن‌جا که آن‌که به همت احمد شاملو فراهم آمده است، نوربانی خوبی هاست.

دوم، کتابی ۲۰۰ صفحه‌ای درباره نویسنده آرواژه آقای اوزن بوشکو که آن را می‌توانج، ری‌کالدو توتته و کایو میرعیاسی به فارسی برگردانده است. این یکی حکماً جزو مجموعه نسل قلم است که قرار است تجدید چاپ شود.

سوم، کتابی است ۹۶ صفحه‌ای که خلدان لیلای نصرعی زحمت ترجمه آن را نقل نموده‌اند. کتاب درباره مردی است که روزهای نتوانی تکاپوی مورچگان را می‌پایید، سر سه روزنه‌های می‌گذشت، درباره عالم پس از مرگ و جهان ماوراءالطبیعه می‌اندیشید و اوقات بی‌کاری اش در حال نوشتن نمایشنامه سمبولیکی بوده به نام پرده ای وایشان کسی نیست، جز آقای موریس ژرژیک.

و کتاب چهارم این مجموعه درباره سمیون وی است. به ترجمه هومن پاکدنده و در ۸۹ صفحه.

۷. از این مجموعه که گذریم خود جناب دهیمی مشغول ترجمه مجموعه سه جلدی یادداشت‌های گامو هستند. براساس قول صادق ایشان منتهی بر نوشتن یادداشتی درباره یادداشت‌های کایو برای کتاب هفته ترویج بیشتر از حواله می‌کنیم به آینده‌ای نزدیک و از قول خشایار دیهیمی:

در پایان فرصت گفتن است. برای ذکر دو نکته:
بانوجه به شمارگان دو هزار جلدی کتاب درگذرود ۷۰ میلیون مان، به نظر می‌رسد باید از برخی ترسها و اامه‌های کوه‌کانه دست برداریم. ترویج می‌دهیم، که برای یافتن شماره تماس اهل قلم‌چاپ‌نمونه‌ها جزئیات به‌نثر آن این افراد سراغ گرفتن از جایی به نام روزنیل عمومی. ه خود هیچ کسب نمی‌داند جعفری می‌توان از شماره نقلی اهل قلم، سو، استفاده و در این نظریه به یازار بزرگ فرهنگی، باید از کسی که (گیریم خبرنگار هیچ نشری‌ای



علی اصغر حداد

هم نباشد. دنبال شماره تلفن خلااً استاد سیاحتی می‌گردد. نظیر کردایی‌سازی از مواقع و پراساس هجان هم می‌باید. به روابط عمومی محترم آزارانه شماره تماس اشخاص معلولان است.

چنین ارتباطاتی استقبال نموده‌جی اگر فرصت برای مصاحبه و... نداشته باشند، هیچ‌گاه نمی‌گویند. شماره‌وام را از کجا آرزوی؟ یا دیگر مراسم نشو‌ای بارو گمشو‌ای از این قیل.

چندای پیش به یمن انتشار مجموعه قصه‌ای از یک نویسنده سرشناس آمریکایی سراغ مترجم جوانش را از روابط عمومی انتشارات میروا گرفت. این روابط عمومی که همچنان از دادن اطلاعات خصوصی! معذور بود از من خواست شماره‌ام را بدهم. ایشان با مترجم جوان تماس گرفته شماره من را به او بدهد. منتظر تماس به‌ام. این عملیات همان‌گونه که حداس می‌زد می‌پن نتیجه ماند.

معمول اخبار اختیارات این بخش است. جایگاه برخی روابط عمومی‌ها در انتشارات، حال تقبیحی تزل پیدا کرده است. یک بار کتاب دلبذری توسط نشری معرفی کتاب را داشتند اما ترونج آن خاندان سهل‌الکارانه که کار و نه چندان گردید. کار به چاپ رسیدا، نقد مرفعی کتاب را داشتند اما ترونج آن خاندان سهل‌الکارانه را به جایی نبرد. دست آخر به خودنظارت متزل شدم و از روابط عمومی آن خواست‌نمونه‌ای از آثار مهمت مرفعی به آدرس هفته نامه، بفرستند. ایشان هم از من فرصت خواستند. نادیده‌ای مهم باپسین نشر مشورت کنند. این ضرور روابط عمومی مامعمولاً از ایجاد هرگونه رابطه عمومی معزولند!

لازم به توضیح نیست آنچه ذکرش رفت نه وصف همگان بود که بدبست ستایشی داشته باشند. بر مسئولان روابط عمومی انتشاراتی چون، این طرح نومه‌ای، چشمه‌افق و چند نشر حرفه‌ای دیگر که به خوبی با مشخصات حرفه خود شناختند و با ندادن پاسخ و چنین و هراس به ریکورده وجوده دامن بزنند.

یادداشتی بررمان «انتظار» نوشته هاجین . ترجمه نفیسه سلطانی

قصه عشق در سرزمین افسانه‌ها



طراحی مدت هستند تا روند حوادث صورت مسأله را تغییر دهد...

واژه «انتظار» عنصر کلیدی رمان فوق است. از طرفی اشتیاق آن دوری را رسدین به همدیگر علاقه مخاطب را برمی‌انگیزد و از طرفی دیگر سایه سنگین قوانین حاکم بر کشور چین که ریشه در گذشته‌های دور دارد، یافت اجتماعی کهن این سرزمین پرازدحام را بر رخ می‌کشد. «هاجین» توانسته با مهارت به کنکاش در رفتارهای شهروندان چینی در این رمان بپردازد. «الین» طبق مقررات حاکم بر دستگاه قضایی چین از رفتارهای

شماره ۱۸۶، شنبه ۱۳۸۳، ۹



فلسفه‌شناسی

فلسفه‌شناسی

در سال‌های اخیر با توجه به رشد قابل توجه انتشار کتاب‌های جامعه‌شناسی در حوزه ترجمه اگرچه نوانسته‌ایم تا حدودی به منابع دست اول این علم به زبان فارسی دست یابیم و اگرچه نوانسته‌ایم یافته‌های جدید صاحبان این علم را در کشورهای دیگر به زبان فارسی در دسترس دستارداران جامعه‌شناسی قرار دهیم ولی باید اذعان کرد روند تولید، توسط مؤلف ایرانی بسیار ضعیف بوده است. این مسأله می‌تواند آسیب‌های جدی به بدنه رشته جامعه‌شناسی در ایران وارد و آن را با چالش‌های قابل تأملی روبه‌رو کند.

اما عوامل مختلفی حوزه تألیف را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از آن جمله می‌توان به نحوه بومی شدن هر علم برای یافتن پاسخ‌ها در سبزه‌ای وطنی، نقش بایجان اولیه این رشته و نحوه ورود علوم به جامعه و نقش متخصصان هر علم اشاره کرد. در این راستا نقش سیاستگذاری علمی دولت‌ها، صحت‌گفته‌ها و چگونگی کاربری آنها تعیین‌کننده به نظر می‌رسد. به هر حال ما در این مجال سعی کردیم از زوایای مختلف به جریان تألیف و نقاط قوت و ضعف در عرصه جامعه‌شناسی آن پرداخته‌ایم که در بخش از نظرات من ارائه شده‌اند. با دکتر حسین کجویان، فارغ‌التحصیل مقطع دکتری از دانشگاه منچستر و مدرس دانشگاه تهران، دکتر عتی آزاد امرکی، فارغ‌التحصیل از دانشگاه بریتند آمریکا و رئیس دانشگاه علوم اجتماعی و استاد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، دکتر علی میرسیاسی استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه نیویورک و همچنین روحیه شاعلی و فرهاد گوشیز از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، که به دلیل حضور در فضای دانشجویی این رشته و ارتباط مستقیم با وضعیت کنونی نشر در این حوزه ارزیابی پویا و زنده‌ای از شرایط فعلی دارند، مطرح کرده‌ایم.

گزارش جامعه‌شناسی

انجام نداده‌اند.»

وی در ادامه با طرح اینکه کسانی هم بوده‌اند که به کار جدی تألیف پرداخته‌اند؛ از کتاب «موانع رشد سرمایه‌داری در ایران»؛ تألیف آقای اشرف نام برد که کار بسیار ارزشمندی است. در این رابطه از دکتر پروم وراسخ و چند نفر دیگر نیز می‌توان نام برد که به نوعی ترجمه و اقتباس داشته‌اند ولی کارهای تحقیقی و تألیفی نسبتاً مهمی هم داشته‌اند. دکتر میرسیاسی درباره فضای کنونی تألیف جامعه‌شناسی ایران می‌گوید: «امروز بر اساس استثنا کسانی هستند که کارهای تألیفی انجام می‌دهند. انسان‌های استثنایی در شرایط استثنایی کارهای خوبی کرده‌اند اما به طور کلی، متن‌سفته باید گفت که در ۲۵ تا ۳۰ سال گذشته ما مایادین تألیفی نسبتاً جدی جامعه‌شناسانه روبه‌رو نبوده‌ایم و انرژی استادان و دانشجویان و علاقه‌مندان جامعه‌شناسی عمدتاً صرف ترجمه، خلاصه‌نویسی و اقتباس و نوشتن مقدمه و مباحث میانی شده است.»

دکتر میرسیاسی مشکل اساسی را که در رابطه با تألیف جامعه‌شناسی مقطع جامعه‌شناسان قرار گرفته است، نه تخصص علوم انسانی و علوم اجتماعی در ایران می‌داند و نه تخصص جامعه‌شناسی، حتی مشکل را مشکل استادان و دانشجویان هم نمی‌داند؛ بلکه مشکل اساسی را ضعف شدید نهادهای دانشگاهی در ایران ارزیابی می‌کند و در این باره می‌گوید: «از زمان سلطنت رضاشاه که دانشگاه تهران بنیان گذاشته شد؛ شاید از زمانی که دارالفنون تأسیس شد گزارش نخبگان و مملکت به دانش جدید معطوف به علوم دقیق و تکنولوژی بوده است و عمدتاً در دانشگاه‌ها و دانشکده‌های فنی، پزشکی و علوم خلاصه شده است. منابع مالی نیز بیشتر به این دانشکده‌ها تخصیص داده شده است.»

از طرف دیگر مشکل از سیستم کنکور است که بر اساس ارزش‌های غلط اجتماعی دانشجویان موفقتر را به رشته‌های پزشکی و حرفه‌ای سوق می‌دهند و خیلی از دانشجویان رابه رشته‌های علوم انسانی می‌فرستند و متعاقب آن استادان علوم فنی و پزشکی از پستی‌تر اجتماعی و امکانات اقتصادی بیشتری برخوردار می‌شوند. به این ترتیب همه چیز بطوری تنظیم می‌شود که دانشکده‌های علوم انسانی خیلی موفق نشوند؛ البته این دانشکده‌ها دستاوردهایی در زمینه آموزش دارند ولی کاری که تحقیقی جدی انجام داده‌اند؛ اینگونه می‌شود که سنت تحقیق و تألیف هم شکل نمی‌گیرد و در اینجاست که ترجمه سهیل ترین راهی است که می‌توان با آن دست به تألیف زد؛»

دکتر میرسیاسی که سال‌ها در اروپا و آمریکا در حوزه علوم انسانی فعالیت کرده است می‌گوید: «مراکز دانشگاهی خصوصاً در اروپا چه در گذشته و چه در زمان فعلی همیشه تخصص به رشته‌های علوم انسانی بوده است و بهترین دانشجویان هم در این دانشکده‌ها درس می‌خوانند و تا قبل از دهه

عوامل گوناگونی در به وجود آمدن شرایط فعلی نشر و تألیف کتاب در حوزه جامعه‌شناسی نقش دارند که با بررسی آنها می‌توانیم به طور دقیقتری این وضعیت را مورد بررسی قرار دهیم. این عوامل که در درون فضای جامعه‌شناسی ایجاد شده‌اند؛ بر روند وضعیت تألیف تأثیر گذاشته‌اند و این بیعت را با دکتر حسین میرمنند آمریکا و رئیس دانشگاه علوم اجتماعی و استاد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، دکتر علی میرسیاسی استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه نیویورک و همچنین روحیه شاعلی و فرهاد گوشیز از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، که به دلیل حضور در فضای دانشجویی این رشته و ارتباط مستقیم با وضعیت کنونی نشر در این حوزه ارزیابی پویا و زنده‌ای از شرایط فعلی دارند، مطرح کرده‌ایم.

عوامل گوناگونی در به وجود آمدن شرایط فعلی نشر و تألیف کتاب در حوزه جامعه‌شناسی نقش دارند که با بررسی آنها می‌توانیم به طور دقیقتری این وضعیت را مورد بررسی قرار دهیم. این عوامل که در درون فضای جامعه‌شناسی ایجاد شده‌اند؛ بر روند وضعیت تألیف تأثیر گذاشته‌اند و این بیعت را با دکتر حسین میرمنند آمریکا و رئیس دانشگاه علوم اجتماعی و استاد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، دکتر علی میرسیاسی استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه نیویورک و همچنین روحیه شاعلی و فرهاد گوشیز از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، که به دلیل حضور در فضای دانشجویی این رشته و ارتباط مستقیم با وضعیت کنونی نشر در این حوزه ارزیابی پویا و زنده‌ای از شرایط فعلی دارند، مطرح کرده‌ایم.

جامعه‌شناسی غیررسمی

موفق‌ترین جامعه‌شناسی رسمی است

دکتر میرسیاسی، دکترای جامعه‌شناسی از آمریکا که در حال حاضر در خارج از کشور به تدریس این رشته مشغول است، در رابطه با شرایط کنونی تألیف در حوزه جامعه‌شناسی با اذعان بر اینکه نمی‌تواند ادعایی داشته باشد که در تمام زمینه‌های جامعه‌شناسی با تألیفات که در ایران می‌شود آشناست؛ در رابطه با حوزه‌های مورد مطالعه‌اش از جمله؛ جامعه‌شناسی دین، نظریه‌ها و جامعه‌شناسی فرهنگ می‌گوید: «عمده کارها در حوزه ترجمه است و البته آنگونه که همکاران می‌گویند؛ اکثر ترجمه‌ها کیفیت خوبی ندارند، هرچند که ترجمه‌های خوب هم در این میان یافت می‌شود. در سال‌های اخیر ترجمه‌های از متون اصلی جامعه‌شناسی در زمینه‌های نظریه‌ها و جامعه‌شناسی فرهنگی صورت گرفته است که در ارزیابی نهایی بسیار مفید هستند. دسته دیگر کتاب‌هایی هستند که به جمع آوری عقاید و نظرات جامعه‌شناسان اولیه و مدرنتر می‌پردازند.» دکتر میرسیاسی اینگونه کتاب‌ها را هم در جایگاه اثر تألیفی خلاق نمی‌داند و می‌گوید: «این نوع هم از نظر من تألیف محسوب نمی‌شوند؛ چراکه بر اساس تحقیق نیستند و از ایده‌های ذهنی نویسنده بهره‌ای ندارند و به نوعی ترجمه آزاد از تألیفات هستند که توسط دیگران در خارج از کشور انجام شده است.»

نویسنده کتاب «حقیقت و دموکراسی» در ادامه می‌گوید: «این کار اگرچه ممکن است در ادبیات و فلسفه لازم و واجب باشد اما در جامعه‌شناسی چندان مفید نیست به‌ویژه که اینگونه تألیفات، دانشجویان را تبیل می‌کند و باعث می‌شود دانشجویی که هنوز ذهنش نظم لازم و اندازدهی دهد؛ با مطالعه یک کتاب که تعدادی جامعه‌شناس آمرعقی کرده خود را خود را درباره آنها کسب کند و کتاب‌های اصلی این نویسنده‌گان خوانده نشود؛ چیزی که نباید فراموش کرد این است که مطالعه این نوشته‌ها کمکی به شناخت جامعه‌شناسی ایران نمی‌کند؛ چراکه معمولاً متفکران درباره ایران حرفی نمی‌زنند.»

و اما دست سوم کتاب‌ها که در ایران از قدیم مرسوم بوده و اساتید جامعه‌شناسی هم در آن زمینه‌ها فعالیت دارند، کتاب‌های بسیار زیاد و بدون کیفیتی است که به اسم مبانی و مقدمه وجود دارند.

وی نحوه عملکرد این افراد را اینگونه ارزیابی می‌کند: «اگرچه دکتر صدیقی نقش مهمی در به وجود آمدن جامعه‌شناسی به صورت یک نهاد در ایران داشتند؛ لیکن تألیف مهم‌یاش توسطی هم دارند. آنچه ما از ایشان می‌دانیم کلاس‌های درسیان بوده و حرف‌هایی که می‌زدند و کسان دیگری مانند آقای آریابویر هم از مدل ترجمه و اقتباس استفاده می‌کردند (نمونه آن هم کتاب زمینه‌های جامعه‌شناسی است که از ایشان باقی مانده و سه نوع تألیف ناصحی که بر شردیم در این کتاب هست؛ از یک سو ترجمه یک کتاب آمریکایی است و از سوی دیگر مبانی است و از سوی دیگر این کتاب دقیقاً ترجمه هم نیست و نوعی اقتباس است.) آقای ترافی نیز در دسته همان جامعه‌شناسان شفاهی است و اغلب نوشته‌های وی، انشائولوسی و شفاهی‌گویی‌های مکتوب شده است، حتی کتاب ایشان در مورد روش هم نوعی خلاصه‌نویسی است. ایشان بجز شرح خاطرات و معاصبه و یکسری نکات شفاهی هیچ کار جدی

دولت‌های ما دولت‌هایی نیستند که روی هم رفته از خلاقیت محققان و استادانش حمایت کند، به اشاره دارد و آن را در مقایسه با جامعه‌شناسی رسمی موفق‌تر می‌داند؛ «چه قبل و چه بعد از انقلاب برخی کارهای مهم جامعه‌شناسانه، تحقیق و روشنفکری در ایران در خارج از محیط دانشگاه انجام شد و این در حالی است که محیط خارج از دانشگاه هم چندان محیط باثباتی از محیط دانشگاه نبوده است.» و به طور مثال وی از تألیفات آن احمد و ساعدی در سال ۲۰۰۳ می‌درد که کارهای نسبتاً خوب جامعه‌شناختی محسوب می‌شوند.

نکته مهم دیگری که توسط دکتر میرسیاسی مطرح شد این بود که؛ «به دلیل ضعف محیط دانشگاهی ما، محیط‌های غیر رسمی روشنفکری ایران تأثیرگذاری زیادی بر محیط دانشگاهی دارند و در این میان فلسفه و ادبیات به مراتب نقش تعیین‌کننده‌ای روی جامعه‌شناسی در ایران داشته است به گونه‌ای که اساتید ما به جای آنکه بیشتر تحت تأثیر تحولات جامعه‌شناسی باشند، متأثر از فلسفه



و ادبیات هستند و این بحث تنها معطوف است به ضعف دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی.»

ترجمه سبیل‌ترین راهی است که می‌توان بیان تألیف کرد

دکتر حسن کچوییان، استاد دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران آید گامی نقادانه به جریان شکل‌گیری جامعه‌شناسی، بررسی وضع تألیف در این حوزه را منوط به این می‌داند که مایخوام این ساله وادر چه سطحی بررسی کنیم. وی می‌گوید: «در قیاس با نقل از انقلاب معرفتی اسلام از هر جهت، مقایسه ونگاه کنیم این حوزه علم نظیر سایر حوزه‌ها با یک چنین فرقی‌نهادهای مواجه بوده‌است. در آن زمان کل متون ترجمه‌ای این حوزه از تعداد انگشتان دست نیز تجاوز نمی‌کرد چه برسد به تألیفات اما اگر بخواهیم سطح فعالیت‌هایمان را در این رابطه با کشورهای غربی مقایسه کنیم، باید بگوییم کتاب‌هایی که امروز منتشر می‌شوند چه در سطح ترجمه و چه در سطح تألیف - که آن هم نوعی ترجمه‌است بسیار ضعیف‌است.»

وی این ضعف را می‌دلیل نمی‌داند و با توجه به منطقی که برای بررسی این موضوع اتخاذ می‌کند، توجه به پیش‌زمینه‌های معرفتی زایش را در مقایسه با سایر عوامل مؤثر داشته واز این دیدگاه موضوع را تحلیلی می‌کند. با توجه به اینکه جامعه‌شناسی در اروپا از درون سنت و فلسفه برخاسته‌است و در واقع پس‌زمینه‌های معرفتی شکل‌گیری جامعه‌شناسی در اروپا نقش مهمی در شکل‌گیری این علم داشته‌است.این استاد دانشگاه می‌گوید: «جامعه‌شناسی در جامعه ما خلاف جامعه اروپا از درون تجدیدخواهی برخاسته‌است، تجدیدخواهی که از سنت هیچ شناختی نداشته، به همین خاطر نباید به طور طبیعی انتظار داشته باشیم به راحتی توانیم به مرحله تألیف که من آن را «زایش» می‌نامم وارد شویم. یعنی انتظار نیست که جذب و درک و رسیدن به مرحله خلاقیت، یک فرآیند مکانیکی باشد. شرایط پیچیده‌ای برای رسیدن به آن وجود دارد که یکی از این شرایط توجه به پیش‌زمینه‌های موجود در هر جاست.»

اماد در این باره نقش بیان‌بان این رشته در شناخت و ایجاد بستری برای مورد نیاز برای شکل‌گیری جامعه‌شناسی که علمی وارداتی در ایران بوده

است، غیر قابل چشم‌پوشی است.

دکتر کچویان با تأکید بر این موضوع می‌گوید: «در بدو ورود این رشته ما با نقص‌های جدی روبه‌رو بودیم؛ مگر ما چند کتاب داشتیم، هکل شناس و دکارت‌شناسی داشتیم و یا داریم؟ باید توجه داشت که فلسفه مطرح شده توسط همین دانشمندان بود که باعث شکل‌گیری جامعه‌شناسی شده‌است، اگرچه هکل جامعه‌شناس نبود ولی اندیشه‌اش در شناختن‌ای از جامعه‌شناسی وارد شده‌است و همین اندیشه‌ها پیش‌زمینه‌ای بوده‌اند که زمینه اصلی تحول ساختار ذهن و بینادهای فکری آنها را در آن دوره فراهم کرده بودند. مشکل از اینجا آغاز می‌شود که شما این اندیشه‌ها را نشناسید و فکر کنید به این حوزه (جامعه‌شناسی) مربوط نمی‌شود؛ درست مانند شرایط ایران در بدو ورود جامعه‌شناسی.»

نویسنده کتاب «افکو و دیرینه‌شناسی دانش»، معتقد است: «ایاتان این رشته در ایران نسبت به مبانی فلسفی جامعه‌شناسی غفلت داشته و بر این غفلت اصرار ورزیده‌اند. البته دیدگاه‌های اولیه جامعه‌شناسی هم بر جدایی جامعه‌شناسی از فلسفه باور داشته‌است، اما هیچ‌گاه به این مسأله توجه نشده که فلسفه مورد نظر جامعه‌شناسان در واقع فلسفه سنت بوده‌است و نه فلسفه جدید. همین امر جریان زایش را در این علم در ایران دچار اختلال جدی کرده‌است که به‌راحتی قابل تأمل جریان نیست.» وی تنها نقطه روشن و قابل تأمل در روند زایش در این رشته را که می‌تواند آغاز خوبی برای علوم اجتماعی در ایران شود از کتاب «جامعه» و تاریخ مرحوم دکتر مطهری می‌داند و آن را در ریف کتاب قواعد و روش دورگیم ارزیابی می‌کند.



دکتر کچوییان: بررسی وضع تألیف در این حوزه را منوط به این می‌داند که ما بخواهیم این مسأله را در چه سطحی بررسی کنیم

وی در رابطه با راهکار پیشنهادی که بتواند جریان زایش را در ایران مورد بازسازی قرار دهد می‌گوید: «هیچ راهی برای ما وجود ندارد، مگر اینکه باید در سنت داشته باشیم و از درون سنت به سوی بازسازی حرکت کنیم و این مستلزم کار معرفتی و فلسفی و زمینه‌سازی است و آنهایی که اولین بار این علم را وارد کردند هرگز به این مسأله توجه نداشتند. به همین دلیل است که ما تا همین اواخر هم هیچ فردی را که شناخت درستی از جریان‌های غربی داشته باشد نداشته‌ای ولی در این اواخر کم‌کم افرادی پیدا شده‌اند که در حوزه فلسفی آگاهی‌های بهتری دارند و می‌تواند با با عنق بیشتری درک می‌کنند.»

وی در ادامه می‌گوید: «من فکر می‌کنم ما دیگر نمی‌توانیم مدرن باشیم و در ضمن، برای سنتی شدن به طور کامل هم، مشکلات عدیده‌ای وجود دارد؛ اما آنگذر که به علم امکان مدرن شدن یقین دارم به علم امکان سنتی بودن یقین ندارم و بر اساس این منطق به این نتیجه می‌رسیم که اگر می‌خواهیم متحول بشویم و اندیشه خلاق بیرون‌تیم باید در ابتدا چیزی باشیم و آن چیز- همان هویت- متحول شود و آن هویت برای ما چیزی نیست جز سنت، پس تا زمانی که به فکر حاشیه زدن و ضمیمه کردن هستیم، این هویت و خود را حذف کرده‌ایم و امکان تحول نداریم.»

وی با توجه به تجربه‌های صد سال اخیر، حرکت‌های تجدیدطلبانه در آن سال‌ها را فاقد دستاورد مناسب می‌داند و تأکید می‌کند: «اگر قرار بود با آن روش به نتیجه برسیم، می‌رسیدیم و حال می‌بینیم که نرسیده‌ایم چراکه این مسیر، مسیر اشتباهی بوده‌است. تمام اینها به خاطر یک اشتباه تاریخی بوده‌است که ما را در این جریان رکود انداخته‌است و نتها امکان برای راهی از این رکود، بازگشت به سنت و بقای آن است.»

نویسنده کتاب «کندو کاو در ماهیت معمایی ایران» در پاسخ به این پرسش که شرایط کنونی جامعه ایرانی را برای پذیرش راهکار پیشنهادی چقدر آماده می‌بینید و چقدر به پذیرش این راهکار خوشبین هستید، می‌گوید: «من به طور قطع نمی‌گویم که همه چیز تعیین شده و کاملاً خوشبین هستم، ولی به نظر می‌آید شرایط فعلی جامعه ما این بازگشت را می‌پذیرد. اساساً انقلاب اسلامی، انقلابی برای بازگشت به هویت و سنت واقعی مان بوده‌است البته اگر در معنای درشتن فهمیده شود و نه این نظریه‌پردازی‌هایی که تلاش می‌کنند، انقلاب اسلامی را در روند تجدیدخواهی این ملت باقالتد و با آن را امر واکنشی به تجدید تحلیل کنند و با انقلاب بازمی‌می‌داند که حقیقت سنتی نداشته و یک ظاهر و پوششی از سنت بوده‌است- به هر حال؛ اگرچه تحولات یک دعه اخیر کمی مایوس‌کننده به نظر می‌رسد ولی اینها نتها ضد حمله‌های تجدخواهی در ایران بوده که چندان هم قدرت نداشته‌اند. سنت در

ایران دارای ریشه‌های قوی و محکمی است و علاوه بر شرایط فعلی جامعه، شرایط جهانی هم با توجه به طرح نظریات جدید از حوزه پست‌مدرن که بازگشت به سنت را مطرح می‌کند ما کمک‌کده‌است تا نیروهای سنت در ایران تقویت شوند.»

استادان جامعه‌شناسی و پژوهش‌های تحقیقی سازمان‌های دولتی

فرهاد گویش، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی در رابطه با شرایط فعلی کشور تألیف در حوزه جامعه‌شناسی می‌گوید: «کلیت علوم اجتماعی بعد از انقلاب دچار جایش‌هایی بوده‌است؛ از جمله اینکه نگاه به این علم نگاه درستی نبوده و در ضمن کسانی که در این حوزه فعالیت می‌کردند اغلب مهاجرت کرده‌اند و سپس کسانی که وارد این حوزه شده‌اند توان تولید علمی را نداشته‌اند.»

وی در رابطه با کتاب‌های تألیفی موجود در بازار می‌گوید: «علاوه بر وجود کتاب‌های ارزنده و برایی که در بازار کتاب‌های جامعه‌شناسی وجود دارد و بسیار گویا و علمی هستند، کتاب‌هایی نیز دیده می‌شوند که دچار ضعف تألیف هستند. دستور زبان فارسی در آنها رعایت نشده و ساده و اشتباه هستند و یا پیچیده و مبهم، نه دانشجوی و نه مردم عادی نمی‌توانند با این کتاب‌ها ارتباط برقرار کنند.

در حوزه‌های تخصصی جامعه‌شناسی؛ مثلاً در جامعه‌شناسی شهری ۳ تا ۴ عنوان کتاب تألیفی وجود دارد، اما اگر یکی از این عناوین مطالعه شود کفایت می‌کند؛ چراکه عناوین دیگر فاقد تنوع و جذابیت هستند و اغلب مطالب تکرار شده‌اند و حرف جدیدی وجود ندارد.»

اما وی سه عامل را در به وجود آمدن شرایط فعلی مؤثر می‌داند که عبارتند از: «عوامل بیرونی جامعه‌شناسی، عوامل درونی آن و سیستم آموزشی این رشته.»



گویش: سه عامل را در به وجود آمدن شرایط فعلی مؤثر می‌داند که عبارتند از: «عوامل بیرونی جامعه‌شناسی، عوامل درونی آن و سیستم آموزشی این رشته»

در بررسی عوامل درونی وضعیت تألیف در جامعه‌شناسی، مشکلات مالی و اقتصادی و پایین بودن حق تألیف یکی از مواردی است که باعث می‌شود استادان و صاحبان این جامعه‌شناسی کمتر به سوی تألیف روی آورند و بیشتر به پروژه‌های تحقیقاتی سازمان‌ها و موسسات دولتی روی خوش نشان دهند.

او در این مورد می‌گوید: «موضوعی که گریبانگیر اساتید و دانشجویان این رشته شده‌است، این است که افراد از نظر مالی تأمین نیستند و نمی‌توانند وقتشان را صرف کار تألیف کنند که در آخر پانصد هزار تومان دریافت کنند. در اینجاست که به انجام کار پژوهشی روی می‌آوردند که درآمد قابل توجهی برای آنها ایجاد می‌کند و اغلب به همین ترتیب می‌بینیم که اغلب جامعه‌شناسان به خاطر شرایط اقتصادی و اجتماعی،

سطح فعالیتشان را تغییر داده‌اند و به پژوهشگری روزی آورده‌اند؛ در واقع پارادایم جامعه‌شناسی ایران تبدیل به جامعه‌شناسی پژوهش‌پویستی شده‌است، همین سنت و سوی، جامعه‌شناسی ایران را به سوی سون داده‌است که امروز شاهد همین منابع وکتب تألیفی ایرانی قوی در این حوزه وجود ندارد.

وی در این رابطه به این موضوع نیز اشاره دارد که: «اگرچه انجام کارهای پژوهشی یک ضرورت است اما جامعه‌شناسی است اما مشکل از آنجایی آغاز می‌شود که به دلیل اینکه پروژه‌ها اغلب توسط سازمان‌ها و مراکز دولتی انجام می‌گیرد الزاماً به کار تألیفی نمی‌انجامد. محقق بدون هماهنگی با سازمان مربوطه حق چاپ کار تحقیقی خود را ندارد.

اما در بررسی عوامل بیرونی‌ایع نگاه سیستم اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بر جامعه‌شناسی تأثیرگذار مهم‌است. گویش در این مورد می‌گوید: «وضعیت جامعه‌شناسی در ایران در سال‌های گذشته مانند اوایل رشد جامعه‌شناسی در اروپاست؛ که اعتقاد به جامعه‌شناسی به عنوان علمی که جامعه انسانی را بررسی می‌کند، وجود نداشت. این موضوع در سال‌های اخیر در ایران تصحیح شده و کم‌کم نگاه به جامعه‌شناسی در سال‌های اخیر تغییر کرده‌است.»

عوامل سومی که به آن اشاره می‌کند، سیستم آموزشی جامعه‌شناسی ایران است. وی انتقاد از نوع پذیرش دانشجویان و روش آموزش دانشگها، ارتباط این دو را با پیشرفت علم و انجام کارهای تألیفی اینگونه ارزیابی می‌کند: «زمانی که در این سیستم آموزشی، دانشجوی پذیرش می‌شود و آموزش می‌بیند، جامعه‌شناسی نمی‌تواند از بین سنت کنونی راهی یابد. دانشجویی که وارد جامعه‌شناسی می‌شود اگرچه از نظر نظری رو د داشته باشد و یا بخواهد که به دست آورد، جامعه‌شناسی فیزیک و ریاضی نیست؛ دانشجو باید جامعه‌شناسی معطلمن که دانشجویان هنر متفاوتند، باید متفاوت باشند تا بتوانند درون جامعه‌شناسی ایجاد خلاقیت کنند و در زمینه‌های تألیفی کار خلاق انجام دهند و نتها از طریق انجام گزینش‌های درست توسط دانشگاه‌های توان به این مهم دست یابند.»

به جز عوامل ذکر شده، هر نوع عاملی که بتواند باعث تحرک فضای علمی- دانشجویی شود نیز در این راستا نقش مهم دارد. اما در ایجاد تحرک محیط علمی، نقش دانشجویان اساتید در هر رشته بسیار قابل توجه است؛ تألیف دانشجویی می‌تواند فضای پرتحرکی برای فعالیت‌های علمی ایجاد کند و روابط مناسب را برای انجام کارهای تألیفی فراهم کند. فرهاد گویش در این باره می‌گوید: «در این زمینه نقدی به اساتید جامعه‌شناسی سنت و آن این است که، پروژه مشارکتی که خودشان از آن دفاع می‌کنند، عضو نیستند؛ یعنی وقتی دانشجویی بخواهد کار تألیفی و یا تحقیقی انجام دهد چندان نمی‌تواند به همراهی اساتیدشان اعتماد کند. در جامعه‌شناسی ایران اگر بخواهید مقاله یا کتابی را کار کنید و انتشار دهید، استاد یا شما همراهی نمی‌کنند؛ چون وقت این کار را ندارد؛ آن استاد پروژه‌های متفاوتی را کار می‌کند، اهم وقتش به تدریس می‌گذرد و دیگر وقتی برای به روژ شدن ندارد.

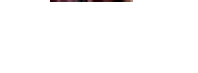
این در حالی است که در بررسی زندگی همه جامعه‌شناسان بزرگ غربی می‌بینیم که آنها کتاب یا شاگرد داشتند؛ مگر آن به صراحت می‌گوید که شاگرد پژوهس‌تر است و راه اندامش را می‌دود؛ البته استاد هم به او روش می‌دهد.»

وی در آخر با تأکید بر اینکه جامعه‌شناسی غیررسمی بسیار متفاوت تر و پربارتر از جامعه‌شناسی رسمی است و عمدتاً غیر آکادمیک و خارج از دانشگاه شکل گرفته‌است، تألیف را در این حوزه قوی‌تر ارزیابی می‌کند و سیستم دانشگاهی را ملزم به بازبینی خود می‌داند.



سیستم طراحی

دکوت وگو



شرکت پکا (پخش و توسعه کتاب ایران) فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۷۷ آغاز کرد و توزیع و پخش کتاب را در اولویت فعالیت کاری خود قرار داد. این شرکت پس از فراز و فرودهایی، چندی است که با تغییر مدیریتی، درصدهٔ انجام حرکت‌هایی جدید و مؤثر در این حوزه و سایر فعالیت‌های فرهنگی در زمینه ارتقای سطح کتابخوانی است. در همین ارتباط با مهندس مسعود پایدار مدیرعامل این

بنگما فریادید چه ضرورت‌هایی موجب تشکیل پکا شد و هدف از تشکیل آن چه بود؟
توزیع کتاب به عنوان مشکلی از حلقهٔ معضلات بسیاری از ناشران ایران، در گذشته با تلاش‌های فردی قرین موفقیت‌های محدود و کوچک بوده است، در پکی، در دهه اخیر، همجای تحولات اجتماعی و فرهنگی، نیاز ناشران به هم‌الذنبی در زمینه مسائل حوزه تا موضوعات کلان روزبه روز ضروری تر شده است.

فکر سرمایه‌گذاری و تأسیس شرکتهی بازرگانهی برای توزیع سراسری و جست‌وجوی راه‌های گسترش بازار کتاب در سال ۷۶، منجر به تأسیس شرکت پخش و توسعه کتاب ایران پکا شد. پکا با مشارکت قریب به شصت ناشر مطرح پخش خصوصی کشور، اهداف خود را توسعه کتاب و فرهنگ کتابخوانی، پخش سراسری کتاب و اطلاع‌رسانی اعلام کرد. قرار داد با هدف پیگیری اقداماتی انجام داده است؟

پکا یکی از بزرگترین کنفرنوشی‌ها و نمایشگاه‌های دائمی کتاب و تأسیس و نشست‌های فرهنگی و برنامه‌های عمومی، اهل‌قلم و هنر برگزار کرده است. اطلاع‌رسانی‌ها، جوایز سالانهٔ «مواکانه» به کتابهای برگزیده، ایجاد پایگاه‌ها و دفتری با اهداف اطلاع‌رسانی برای انجمن‌ها، حقوقی، راه‌اندازی طرح ملی «کتابت» محیط زیست، صرفه‌جویی از طریق اهداف بین‌کتاب در برابر دریافت کافهٔ پایلمه و سایر طرح‌هایی که به مرور اجرا شده و هم‌اینک در مرحله گسترش قرار دارد. از اهداف این شرکت بوده است.

همچنین این مؤسسه ممکن است در مسیر خود راه‌های جدیدی برای رسیدن به هدف‌ها تعریف کند. مثلاً اطلاع‌رسانی عمیق علمی و ادبی مهربان در حوزه توسعه کتاب با هدف ترغیب نویسندگان و ناشران برای خلق آثار بهتر صورت گرفته است. اما بسترسازی‌های مدای و معنوی در این زمینه باید صورت گیرد. لذا تشکیل نظام و نهاد آموزشی و پژوهشی در کنارش می‌تواند یکی از هدف‌های مهم باشد که نهایتاً در خدمت اهداف بلندمدت توسعه کتاب قرار دارد.

از طرفی در سال جاری، شرکت در هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب و اداره نمایشگاه بازار جهانی کتابهای ایرانی بخش بزرگسالان، او مشارکت فعال در برگزاری همایش‌ها و سمینارهای جانبی و دعوت از صاحبان نظر برای گفت‌وگو دربارهٔ کی‌بی‌رایت، صادرات و واردات کتاب و ظرفیت‌های صنعت نشر ایران باعث گشوده شدن افق‌های جدیدی در برنامه‌ها و اهداف پکا شده است. این فعالیت‌ها علاوه بر آنکه موجب آشنایی با ناشران و آژانس‌های امن بین‌المللی و پایه‌ریزی برای ادامه همکاری‌ها شد، لوح تقدیر غرقه نمونه بازار جهانی کتاب ایران در نمایشگاه مقدمه را نیز نصیب پکا کرد.

هسته پکا چگونه شکل گرفت و به چه ترتیب گسترش پیدا کرد؟

برای تأسیس پکا، فراخوانی داده نشد. گروهی چند نفره از ناشران شناخته شده با گفت‌وگو و رایزنی با ناشران دیگر، عده‌ای از آنها را به همکاری دعوت کردند. ناشران مؤسس عهده‌آورد حوزه‌های عمومی

نشر فعالیت دارند، برخی نیز ناشر آثار کودک و نوجوان و بعضی در حوزه نشر آثار دانشگاهی فعال هستند. سال گذشته گروهی از ناشران آموزشی نیز به مجموعه پیوستند که در حال حاضر شمار سهامداران پکا به ۸۰ عضو بالغ می‌شود. تعداد اندکی نیز از شرکت خارج شدند و سهام خود را به سایر اعضا واگذار کردند.

چرا از شرکت خارج شدند؟

حرکت شرکت را در مسیر اهدافی که تعریف کرده بود، موفق ارزیابی نکردند. آنها معتقدند بودند که کار اصلی پکا باید توزیع کتاب باشد. در حالی که سرگرم کارهای دیگر شده است. راه نپفاندن توزیع کتاب، متفقدان زیادی در مجموعه پکا داشت. به هر صورت، در ادامه، متفقدان وزن بیشتری در سطح مدیریتی پکا پیدا کردند. مانند و آرای خود را به کرسی نشاندند.

ارزیابی نان از فعالیت‌های گذشته پکا چیست؟
این کار به سادگی میسر نیست. حضور گروه بزرگی از ناشران در یک تشکیل، به‌خودی‌خود پدیده

کمیته توزیع کتاب به تدوین طرح بسترسازی و تعیین نحوه اعطای نمایندگی، به بخش‌های تخصصی در حوزه عمومی، کودک و نوجوان، دانشگاهی و آموزشی تقسیم می‌شود

سارگی است که در ۷ سال گذشته پایر جامانده است، این گروه از یک سو تأثیر متقابل هم‌افزاد در جهت پیشبرد امور می‌تواند داشته باشند. در صورتی که واگرایی سهامداران ایجاد منجر می‌کند.

به طرر کلی پکا در حوزه‌هایی از توسعه فرهنگی فعالیت‌های تمرینخشی داشته است. در سال‌های نخست به کارشناسی علمی آثار ناشران عضو توسط صاحبانظر دراخته که قبل آن موجود است. گزینش آثار برتر و همچنین طرح ملی کتابت» محیط زیست» صرفه‌جویی نیز ایده ارزشمندی بوده است. همین فعالیت‌ها باعث شده امروز پکائلی آشنا میان اهل فرهنگ باشد.

مشکلاتی که تا به حال این مؤسسه در زمینه پخش کتاب با آنها مواجهه نامی از چه عواملی بوده است؟
ابتدا باید بگویم، برای حرکت‌های بزرگ و تأثیرگذار در صنعت نشر ایجاد و گسترش تشکیل‌هایی نظیر پکا در حوزه کتاب، غیر قابل تردید است. تشکیل‌هایی که هر دووجه فرهنگی و بازرگانی را توانم دارند. فرهنگی هستند و از جهاتی به NGOها مشابهت دارند و به سبب کار توزیع، فروش و گسترش و مدیونیت بازار کتاب وجه بازرگانی دارند. ما معتقدیم در حوزه بازرگانی و تولید کتاب، وجود بخش خصوصی قدرتمند امری ضروری است. کاهش تصدیگری دولت و انتقال امور به بخش خصوصی

گفت‌وگو با مهندس پایدار: مدیرعامل شرکت پکا

فکر نو باید داشت

شرکت پکا (پخش و توسعه کتاب ایران) فعالیت رسمی خود را از سال ۱۳۷۷ آغاز کرد و توزیع و پخش کتاب را در اولویت فعالیت کاری خود قرار داد. این شرکت پس از فراز و فرودهایی، چندی است که با تغییر مدیریتی، درصدهٔ انجام حرکت‌هایی جدید و مؤثر در این حوزه و سایر فعالیت‌های فرهنگی در زمینه ارتقای سطح کتابخوانی است. در همین ارتباط با مهندس مسعود پایدار مدیرعامل این شرکت به گفت‌وگو نشستیم.

به‌خودی‌خود صورت نمی‌گیرد. نهاد‌های واسط این انتقال را آسانتر صورت می‌دهد. اما هر حال پکا نیز مانند بسیاری از تشکیل‌های مدنی، هم با مشکلات درونی مواجه است. هم با مشکلات بیرونی و البته سامان گرفتن کار گروهی در حوزه نشر هم حوصله فراوانی می‌طلبد. در کار جمعی مشکلاتی وجود دارد که پکائیز از آنها مررا نیوده است. باید تلاش کرد و آموخت و از وجود مشترک نظریات اعضا استفاده بیشتری کرد. البته علاوه بر مشکلات عمومی تشکیل‌ها، ممکن است کم‌تجربگی‌ها و کم‌تجملی‌ها و شاید اختلاف منافع این آن، سرعت پیشرفت امور را کند کرده باشد. پیش از این حرکت مجموعه منتهی بر اقتصاد پویا و توسعه درونزا بوده است. اما در عوض پتانسیل‌های فراوانی در این مجموعه وجود دارد که در صورت برنامه‌ریزی و استفاده صحیح از عرد جمعی، موجب هم‌افزایی خواهد شد و در این صورت واگرایی کمتر و میل به همکاری بیشتر می‌شود.

به هر حال، در یکی دو سال اول فعالیت، اندکی به توزیع پرداخته شد. اما به دلایلی توزیع متوقف شد. مسیر دشوار است. اما خواست عمومی سهامداران برای حل معضل پخش متغی نیست. دلایل توقف کار توزیع چه بوده؟
ای طرح خاصی برای توزیع کتاب وجود داشته؟
متأسفانه خیر، یکی از دلایلی متمرکز نشدن بر توزیع سراسری کتاب، همین تدوین نشدن طرحی قابل قبول و عدم بسترسازی بوده است. اسوسی دیگر کرداری‌های مالی ناشی از نگهداری ملک ارزشمند و نماند تجاری پکا فرصت برنامه‌ریزی را از مدیران گذشته ما می‌گرفت. در حال حاضر ایده جدید در سطح مدیریتی کما غبارت است از رشد و توسعه درونزا و بر پایه آن، جلب حمایت عمومی صنعت نشر و متولیان دولتی.

برای کارهای بزرگ باید فکر نو داشت و بر این پایه بنیان‌ها را بخش خصوصی باید ایجاد کند. نه آنکه خود را به چنین امکاناتی وابسته کند.
فروحال حاضر چه برنامه‌ای برای توزیع کتاب دارید؟
در کوتاه‌مدت، کار توزیع از شهرپروژه مهم‌سال آغاز می‌شود. امیدواریم تعدادی جدید نمایشگاهی پکا و توسعه آن بازنامه‌های قبلی و جذب مخاطبان به رونق فعالیت‌های جاری کمک‌آماسی کند. از طرفی ارتباط متقابل و تمرینخشی با ناشران، مؤثرمان، نویسندگان و هنرمندان نیز در دستور کار هایت مدیمر، جدید قرار دارد. همچنین در دوره اخیر فعالیت پکا کمیته‌هایی تخصصی هم در زمینه‌های مختلف از جمله در این حوزه شکل گرفته و سهامداران در برنامه‌ریزی و پیشبرد امور مشارکت فعالی پیدا کرده‌اند.

کمیته توزیع کتاب به تدوین طرح بسترسازی و تعیین نحوه اعطای نمایندگی، به بخش‌های تخصصی در حوزه عمومی، کودک و نوجوان، دانشگاهی و آموزشی تقسیم می‌شود. کارت اختیاری پکا و ساینی که در حال راه‌اندازی است. از دیگر ایزدهای فروش و توزیع آثار خواهد بود.

طرح فروشگاه و نمایشگاه کتاب پکا در فضای کنونی که دارای حدود ۷۵۰۰ متر فضای تجاری است و همچنین ایجاد شعبه مختلف در تهران و شهرستان‌ها و سایر کشورها، برگزاری نمایشگاه‌های



داخلی و ارتباط با بازار جهانی کتاب نیز در این کمیته در حال بررسی و تدوین است.
طراحی فضای فروشگاه پکا اخیراً تغییرات عمده‌ای داشته است، این تغییرات با چه هدفی صورت گرفته؟

هدف، بزرگتر کردن این فضا بوده که از عمده‌ترین نتایج آن در مرحله نخست، انتقال بخش فروش آثار کودک و نوجوان از سالن چینی به بهترین بخش از فضای سالن اصلی بوده است. لازم به ذکر است که برخی از مشتریان فروتنگاه، حتی آنهایی که سالن‌ها به پکا رفت و آمد داشتند، از وجود سالن کودک و نوجوان در محیط پکا بی‌اطلاع بودند که با این اقدام کتاب‌های این گروه سنی در معرض دید کلیه مراجعان قرار گرفته است. بدینست به این نکته مشایره کنیم که به کار گرفتن کارشناسان متخصص حوزه اسباب‌کودک و نوجوان برای این بخش اقدام جدید دیگری بوده که صورت گرفته است.
آیا کمیته‌های تخصصی در سایر زمینه‌ها هم فعال هستند؟

در این صورت چه مأموریت‌هایی بر عهده دارند؟

بله، کمیته طرح ملی «کتاب، محیط زیست، صرفه‌جویی، که گسترش کار طرح را از ابتدا با پروژه کوتاه مدت نهیج کتابپرها، سه‌ل‌ها، تفکیک و بسته‌بندی و تولید سبد کافه و سپس در درآمدت با ایجاد کارخانه بازیافت کاغذ سامان خواهد داد.

کمیته مهم‌ان نیز که برای اسال جاوه نقدی و غیر نقدی را افزایش داده، با تدوین برنامه کمیته اجرایی، هیأت‌داوران و تبلیغات در آینده نزدیک، دامنه گزینش آثار را به حوزه‌های متنوعی گسترش خواهد داد. در همین چارچوب مذکر می‌توم که در حال حاضر فراخوانی از سوی این کمیته به مطبوعات کنیر اطلاع‌رشار شده و اگرچه مهلت برای ارسال آثار تا ۱۶ تیر تعیین شده بود، اما اگر هنوز هستند کسانی که در این زمینه اقدام نکرده‌اند، در صورت تمایل می‌توانند آثارش را برایمان ارسال کنند.

همچنین فعلاً گزینش آثار منحصربه‌فرد حوزه ادبیات داستانی و به دلیل قیوت غیرمطمع نمایشمان به گسترش موضوعات به حوزه‌های دیگر این امکان برای اسال فراهم شد. اما تحقق آن برای اسال‌های آتی در دستور کارمان قرار دارد.

لطفاً در مورد برنامه‌های آتی پکا توضیح دهید.

محرواصلی این برنامه، طرح بازار کافهٔ کتابت» است که پیش‌نویس آن با توجه قبلی، اقتصادی و مالی تنظیم شده است. این طرح در واقع طرح جامع و سراسری توزیع کتاب و جمیع آوری و بازیافت کاغذ باطله در سطح کشور است. هم اکنون بسترسازی برای عملیاتی کردن طرح مذکور، که طرحی درازمدت است در کمیته‌های تخصصی پکا در حال شکل‌گیری است.

به‌عنوان آخرین سؤال، آیا سایر ناشران می‌توانند به جمع پکا بپیوندند؟

پکا، شرکت سهامی خاص است. برای پوستن سهامدار جدید، شرایط و ضوابط خاصی وجود دارد. اکنون در مرحله فروش سهام به افراد غیر عضو نسیم، اما احتمالاً به زودی شرایطی فراهم می‌شود که ناشران معزین دیگری نیز به‌عنوان سهامدار به این مجموعه بپیوندند.



یادداشت

سروش روحبخش

آره، می دونم چی می گی!...

درباره خداحافظ کاری کوپراش رومن کاری



فحشهای جاثانه، آرام آرام خود را جمع و جور می کند و طرح و توپلمه می چسبد تا خواننده را با درامی پلیسی «عاشقانه درگیر سازد، چیزی که اگر از همان ابتدا به آن می پرداخت، مخاطبان بی حوصله و کلی سسلکش قید خواندن کتاب را به کلی می زدند.

ادامه ماجرا، قصه‌ای است با تعلیق هیچکامی و از قضا با دستمایه قرار دادن موقعیتی که هیچکاک بسیار دوستش می داشت.

کسی از سر مصلحت و به دروغ خود را شیفته دیگری نشان می دهد، با گذر زمان، فریب رنگ حقیقت گرفته او به راستی عاشق می شود. در اینجا امک کافین، ماجرا، چمدان طلاست.

طلایی که به خاطر عیورش از مرز به انومیل جسی و علامت مصونیت سیاسی اش نیاز می افتد ولی مجبور است با ظاهر به عشق او، طلاها را از کشور بگذراند.

در ثلث نهایی کتاب، خیلی آرام، پوسته بازگوشانه و طنز آلود کنار می رود و نشو و ر، به هوایی و تلخی جهان واقعی غریبان می شود. لثی هر وقت می خواهد چیز وحشت آوری را توصیف کند (به یاد تصور میهمی که از آپیت داره) آن را به سرنوشت یونانی نسبت می دهد و به راستی، حواشی چون تراژدی های محتم و

می فهمی... می خوام... چه...

- می فهمم، لثی، بخواب، بخواب عزیزم، بخواب طفلک ناژم، من هیچ وقت تو رو نمی گذارم برم، هیچ وقت، توپی که اول منو می گذاری، ترس، بخواب بچه ناژم.

- جسی وقتی چارلی پاکر تو ترومیتش می دیدی... مثل این بود که به چیزی می خواد بيفته... یک چیزی بازم می شد... حتی یک چیزی هم نوشته بوک نیست، می فهمی... می خوام...

آره لثی می فهمم چی می خوای بگی.

- به روزی... دو تایی... می ریم اونجا... آره لثی، می ریم می رسیم، بخواب سرت را بگذار اینجا، آره، همین طوری، آها بارگ اله.

اینجا حالا تو تمام زندگی منی.

او اینجا باید خیلی عالی باشه... همون جایی که... نمی دونم کجاست... یک جای دیگه...

می فهمی...

آره لثی، خوب می فهمم می خوای چی می کنی.

آخه آدم که نمی تونه... توی به ترومیت... زندگی کنه... جسی می فهمی.

بعد از تحریر لثی، شرمند ام، گفتم که بند آزادی از قید تعلق مان آب خورده دوره ای که آدم مجبوره مثل همون روانشناس هابنی که از شان وحشت داری، روح رفیقش رو تو جنین چرندانیی تشریح کنه و بفرشه. ختماکار همان «سرنوشت» یونانی است، اسمتم چی بود؟

داشت بادم می رفت، چند روز پیش تو تلویزیون کاری کوپر رو دیدم، بکھو بی هوا خیر مرشد الکی بود، راستی راستی برای خودش

می گشت، از چشمهای شناختش... هنوز به تنه، داشت حال اونهایی رو که بخلاف اصولش عمل می کردن، می گرفت، چته فیلده؟ چون این بار قیافه دشمنانش همیشه نامرأ نو، داشت به مشت سپر ریفور و که بخوری زهره ترکونده بودن و کیف و کنشلون بخش زمین بودا

چوب می زد کاری کوپر هم انگار ملقت نبود، زومه عوض شده... چیزی که تو خوب فهمیدی لثی... لثی عزیز.

ایرج انشار

پیش از تحریر، خداحافظ کاری کوپره از آن کتابهایی است که اگر بخوانید نصف عمرتان برفناست و اگر بخوانید و خوششان بیاید، همه عمرتان...

خوش تر داشتن این نوشته درد دلی باشد با «لثی» و پراش می گفتم حال و روزمان بچقر ماناگاناسکاری است و بند «آقای او قید تعقلان» حسایی آب خورده است، ترس از سانیبتانال بازی و محدودرات درونی و بیرونی باعث شد بی خیال شوم و مثل یک منتقد سربه راه، دل و روده کتاب را برای خوانندگانش محترم بیرون بریزم.

آنها به روانکاری، کمونیسم، ژو پای آمریکایی، جنگ ویتنام و گویا پشت کرده اند. حلقه قلندران برف پرست، همان آمریکایی های فراری مقیم آلب، که زمستان را با کفش های اسکی شان خلوت می کنند و تابستان به میان آدمیان خاکی عروج نموده، هم رنگ جماعت می شوند. آنها روشنفکرانی هستند که ناملی به روشنفکر بودن ندارند، زمین و زمان را دست می اندازند و در جهان مرده شان خوشند.

پا، ژان و سایر رفقای دانشجوی لثی هم نمونه های کم هوشر همان نسلند و دستورشان به براننده انومیل گران قیمتی که تلکه کرده اند، سلو کشان را فاش می سازد:

«براند»
«به قران»
گاز بده، سرعت که به صد و شصت رسید

بزن به یک دو درخت، این یک فرمان جدی است... خودت می توانی بیرون ببری...

لثی در این میان چندان طرفدار کیوبده شدن به درختان نیست، چون آن «هروارید حکمتی» را پشت مطلق کیف کهنه اش نگه می دارد که می گوید:

هایدگر آن حکیم ژرف اندیش امرگ را کار

خر شده پیش

پند او را بگیر نیک به گوش اخروش، تو

ببیر، لیک به هوش

لثی به نحو فریبی شبیه «هاردن» شخصیت ناطورداشت، سانیبت است. هر دو جوانهایی هستند بی شبلی بهله، تنها، گریزان از بازی های دنیا که هر چند باهوشند اما در برابر دیوانه ن چندان تشنگ نو، ترجیح می دهند خود را به حماقت بزنند. چنانکه لثی حتی از حرف زدن می گریزد، به عقیده او دیوار زبان وقتی کشیده می شود که دو نفر به یک زبان حرف می زنند آن وقت دیگر مطلقاً نمی توانند حرف هم بایفهند.

رومن کاری یک سوم ابتدای کتاب را به

لودگی می پردازد، یا شرح وقایع مضحک و هجو

نظریه پردازهای آن دوران دل از تمام کسانی

که خود چون قلندران برف پرستش از جهان

هرچه در او هست مولودند، می ریاید و پس از رکابز

یادداشت

راسته کتابفروش ها

نسر الله حدادی

محل جدید نمایشگاههای کتاب چگونه باید باشد؟

اینگونه که از قران برمی آید، گویا مسئولان شورای شهر، این بار شمشیر را از رو بسته اند، خیال دارند در نمایشگاه بین المللی را برای همیشه «گل بگیرند» و اجازه ندهند در این محل دیگر نمایشگاهی اعم از کتاب، انومیل، پوشاک و غیره برپا شود و این توپیری، از آن توپیری هاینست؟ باید فکر جای تازه بود.

انگار همین مسئولان پس از برپایی نمایشگاه خودرو به سر آمد و نهادید خور از قوه به فعل آوردند و «مطای نمایشگاه را به نقلش بخشیدند» و به رغم گله مستحوی دولت مبنی بر به هم ریختن برنامه های نمایشگاهی، اظهار داشته اند: نمی فهمی!

از قییم «ایام گفته اند» پسر جنگی از پدرش صلاح نمی بیند و خوشد، کار خودش را انجام می دهد و حال که کار به اینجا کشیده، باید در ظاهر امر بود و دید این اسپران جنگی ابراز محل دائمی نمایشگاهها خواند و منتظر فاتحه برگزاری نمایشگاه کتاب را در محل دائمی نمایشگاهها خواند.

چگونه می توان به زمان کافی کرد؟

گریه های معرفتی شده در گوشه و گوشه کار تهران، حکم همه به دار است، نه به بار، و از داند و بیابان و تپه ماهور هستند و آید طه همه آینه اند از قوه به فعل خواهند آمد، باید بود و دید و تعریف کرد.

نه شهرک پر بندنه تپه های عباس آباد و نه لارضی شهاب شهرک رو آورد

درای حداقل امکانات نیستند و راه اندازی چنین پروژه ای در صورت تأمین

بودجه آن، نیاز به زمان کافی دارد.

فرض محال که محال نیست، آمدمین و این محل برش آید، پایه درد عرضه

و فروش کتاب هم خواهد خورد؛ به یقین این محل چندمنظوره خواهد بود و از آنجا که بیشترین توجه به آن در زمان برپایی نمایشگاه کتاب خواهد بود، باید به گونه ای طراحی شود که متناسب با نیاز و مایشون فضای فرهنگی

کشور باشد و در دسترس های مراجعه و گردش در محل فعلی نمایشگاههای بین المللی رانداشته باشد.

هر یک از گزینه های مطرح شده، در صورت ساخت و آمادگی برای

بهربرداری، مشکل دسترسی را به یقین خواهند داشت و در ابتدا شهرک پرند

و سپس شهرک رو آورد و بیشترین نمود را دارند و تپه های عباس آباد هم

به رغم آن که قلیل مترس تر است، باید بود و دید آیا مشکل ترافیک ایجاد نمی کند؟

شهرک رو آورد از طریق دو حاده مخصوص و اتوبان کرج و همچنین

خط راه آهن شهری، مترو، قلیل دسترسی است، آیا هجوم روزانه دوست نا

دوست و جنبه هزار نفر مشکلات ترافیکی ایجاد نخواهد کرد و ظرفیت

مترو آنقدر هست که برای متردین هر روزه آن ایجاد اشکال نکند؟

شهرک پرند، وضعیت بهتری ندارد و این امکانات نیز بخوردار نیست

و تپه های عباس آباد هم بعضاً همین طراست و در نامی این سه نقطه حتی

یک متر فضای مسقف نیز وجود ندارد و هر آنچه که در این فرست تا

اردیبهشت ۸۴- فراهم آید، بعد است باسختگوی نیازهای فرهنگی و

غیر فرهنگی نمایشگاه کتاب باشد.

در این حالت تنها یک گزینه باقی می ماند و آن هم چند تنه کردن

نمایشگاه است و بس، کاری که چند بار پیشنهاد شده و به گونه ای در همین

نمایشگاههای برپاننده، اجرا شده و واکنش جای مثبت و منفی ای را در پی

داشته است.

چندا کردن ناشران کتاب های کتاب آموزشی و ناشران کتاب های

دانشگاهی و همچنین سالن های مخصوص کتاب های کودکان و نوجوانان،

اعراضی کنندگان بسازند.

این بار مسئولان عزم جزم کرده اند که در محل دائمی نمایشگاهها،

دیگر نمایشگاهی برآز دحام برگزار کنند. چه خوب است نمایان امر، اعم

از مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، الحادیه ناشران و کتابفروشان و

هر آنگس که می تواند فکری راهگشا له، معده، به مسئولان شورای شهر و

شهرداری بگوید نمایشگاه چگونه شکل گیرد و ساخته شود، بهتر است.

من نمی دانم آیا سنجختی بین خود، پوشاک، اجیل، کافی، شمع، برق

و... با کتاب هست یا نه، امامی ماتم کتاب کالای فرهنگی است و نحوه عرضه

و فروش آن بایدگر کالاها به خاطر روی آوری برخی از آساده جامعه، فرق دارد.

شاید افر از طبقات مختلف جامعه به به شاک و هوشیار نیاز داشته باشند

که به کافی برای ساختن خانه و به همینگونه برقی برای روشنی و راه اندازی

زندگی و «اجیل، حداقل برای روزهای عید، ولی آیا آزمایشات هم

می خوانند؟

همین امروز به مسئولان گوییم چگونه نمایشگاهی را می خواهیم و

مطمئن باشیم هر گونه تغییر و تحول نتیجه و باینخته به بازار کتاب لحظه

فراوان خواهد زد.



نقاشی ایران از دیرباز تا امروز

به بهانه چاپ سوم کتاب **رویین پاکباز**

بیت دیربازه نقاشی ایرانی، غلبهٔ هنر میثاق‌روا به ذهن‌های آورد… اما باید در نظر داشت که ایران از دیرباز در عرصه‌های مختلف هنر تصویری و تزئینی فعالیت می‌کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که سنت دیوان‌نگاری، سبزه‌چینتر و سنت تصویرگری کتاب بوده است.

رویین پاکباز با این استلال، به چهار فصل از کتاب نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، سامان می‌دهد. این نقاشی ایران را به چهار قسمت تقسیم می‌کند: دوران کهن، دوران میانه، دوران جدید و دوران معاصر. در فصل اول که لنه‌ای نگاه‌گری ایران تا سده هفتم را پذیر می‌گیرد، پاکباز بیشتر به دیوان‌نگاره‌ها و نقش برجسته‌ها استناد می‌کند. اثر حتی‌الکده عناصر بصری دیگری از جمله فرغنه اشاره می‌کند. مفرغنه‌های لرستان یا تأثیرات سوری و مضمونی که از هنر عیلامی گرفته‌اند، نمایانگر اولین مرحله در رنده تحول سنت‌های پیشاتاریخی ایران هستند.

یکی از نکات جالب توجهی که پاکباز به آن اشاره می‌کند، تأثیرپذیری هنر ایران از اقوام دیگر است. به عنوان مثال، وقتی او در مورد دوره ساسانی، به بازتابی خدایان در قالب نقش برجسته اشاره می‌کند می‌گوید: «اگرچه اقتباس غالباً با صورت ظاهری آماش را می‌کرده به نظر می‌رسد سرسوخ فرهنگ غربی عمق بیشتری داشته است. مثلاً، آیا بازتابی هموزام را به حیات انسانی در نقش برجسته‌های ساسانی از پیش‌بینی یونانی رومی نبود؟ به هر حال، تأثیرات غربی بر هنر ساسانی غیر قابل انکار است.»

در فصل دوم پاکباز به دوران میانه می‌پردازد. جسی ابراهیم‌سده همانا هنم تا سده یازدهم، سبب‌نویسنده کتاب نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، استیلاهی معقول‌ه‌ا را مهمی در نقاشی ایران می‌داند. استیلاهی معقول بر ایران، نقطه عطفی در تاریخ نقاشی این سرزمین بوده، او به دو علت چنین نتیجه‌ای را می‌گیرد: «یکی انتقال سنت‌های هنر چینی به ایران که منبع الهام تبارهای برای نگارگران شد، و دیگری

بیت‌نگداری نوعی هم‌زیوری که سنت کار گروهی هنر مردان در کنجخانه کارگاه مسطنتی را پدید آورده به این ترتیب نگارگران ایرانی، برای اولین بار، حالت‌های عاطفی انسان را در نقاشی‌های خود به نمایش گذاشتند. پاکباز که خود از طرفداران هنر پیشرو است، توجه خاصی به مکالم‌الدین یوزادار و او را هنرمندی موق می‌داند. او طراقت کاری و تذهیب را بطور مستقیم از روح الله میرک خراسانی، تیم و معلم خویش فرا گرفته، و قلمرونی طریف و بیانگری عمیق را از طرح‌های مولانا ربی‌الله انوشیروانی، به‌واد در حدود سن بیست سالگی توانسته بود خود را به عنوان یک نقاش بااستعداد معرفی کند.»

در بخش سوم، پاکباز به نقاشی از سده معاصر تا اواخر سده سیزده می‌پردازد و این دوره را چندان درخشان نمی‌بیند. در این دوران شاهد انواع الگوپردازی‌های ناقص از نقاشی طبیعت‌گرای اروپایی هستیم. البته او نقاشان این دوره را به تمامی رد نمی‌کند و از کسانی نام می‌برد که تلاش داشته‌اند تا نوعی سازگاری میان سنت‌های تصویری شرقی غربی برقرار سازند. هادی از جمله الملک‌المک (محمد غفاری)، با این همه پاکباز معادست که کمال‌الملک به‌طور جدی از سنت نقاشی ایرانی فاصله گرفت و همه طبیعت‌نگاری محض رو آورد در بخش چهارم کتاب نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، در مورد نقاشی ایران در سده چهاردهم و تأثیرش از انقلاب می‌خوانیم. در این فصل که به نظر تحلیلی ترین بخش کتاب است، پاکباز نگاهی فزاینده به نقاشی دارد. او به نقاش‌های نوگرایمی‌کسانی که عکاسی صرف را پشت سر گذاشته‌اند و نگاه هنر مندانه‌ای به قیامان دارند، توجه بیشتری دارد. او به آثار علی محمد حدیریان اشاره می‌کند و می‌گوید: «چهره‌های حدیریان عکاسی از مدل نیست، بلکه نقاشی است. او روش هنر کلاسیک گرا را دنبال کرده ولی نقاشی راه اینثال نگشاند است.» هادی دیگر نکات جالب کتاب نقاشی ایران… توجهی است که پاکباز به سهراب سپهری برده، چیزی که دیگر منتقدان نقاشی ایران، کمتر به آن توجه دارند.

نقاشی ایران از…، با اینکه می‌تواند کتابی درسی برای دانشجویان رشته‌های هنری باشد، اما برای مخاطب عام هم خواندنی‌های دارد. خواندنی‌هایی که او را با قسمتی از تاریخ کشورش آشنا می‌کند.

نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، رویین پاکباز، نشر زمین و سپین، چاپ سوم ۱۳۹۳.

گفت و گو با لادن خرمی، طراح لباس و پارچه

طراحی لباس از روی کتاب‌های تاریخی

لادن خرمی در دوره دبیرستان گرافیک خوانده و بعد از آن، در دانشکده دکتر شریعتی، تحصیلاتش را در رشته طراحی پارچه ادامه داده است. او کارهای زیادی در عرصه طراحی پارچه و لباس انجام داده که آخریشان می‌توان به طراحی لباس دوره خمانشی اشاره کرد که با استفاده از کتاب‌های تاریخی صورت یافته است.

خرمی در این گفت‌وگو شرح می‌دهد که کتاب‌های تاریخی چه کمکی به او کرده‌اند.

چطور شد سراغ این دوره تاریخی رفید و منبع و مآخذتان برای کار چه بوده؟

در دانشگاه ما در مورد لباس‌های تاریخ ایران، از جمله لباس خمانشیان درس‌هایی داشتیم. اما من حس می‌کردم که اینها خیلی منطبق با نقش برجسته‌هایی که ما می‌بینیم نیستند. این نقش برجسته‌ها لقب تیرخ هستند و چندتایی هم از رویه‌رو، به همین علت ما هیچ وقت پشت لباس آنها را نمی‌بینیم. یک مجسمه داریوش هم وجود دارد که در شوش کشف شده و الا آن در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود که گفته می‌شود این مجسمه هم به دست مصری‌ها ساخته شده است. هر کدام از این‌ها حرف و حدیث جداگانه‌ای دارند.

در کنار همه اینها، سعی کردم خودم هم به اطلاعات جدیدی دست پیدا کنم. به همین علت کتاب‌های مختلفی خواندم. کتاب‌هایی از زمان داریوش، گوشه‌هایی از تاریخ تمدن نوشته ویل دورانت، امپراطوری خمانشی (مقاله‌ای که دکتر شاپور شهبازی نوشته)، پژوهش‌های خمانشی (مقاله‌ای که نویسندگان غربی در مورد دوره خمانشی نوشته‌اند، جمع‌آوری شده) و مقالات دیگری را در این خصوص مطالعه کردم. در حین این مطالعات بود که به این نتیجه رسیدم، لباس در دوره خمانشی از ابتدائاً انتهای آن دچار تغییر بوده است و این تغییر لباس سبب شده تا نظرات مختلفی در مورد خمانشی‌ها وجود داشته باشد.

کتاب‌های تاریخی، در مورد مسائلی مثل لباس به نکاتی اشاره کرده‌اند. چطور می‌توانیم در مورد سندیشان به یقین برسیم؟

کسانی که در مورد خمانشیان تحقیق کرده‌اند، با باستانشناس بوده‌اند یا مورخ. شما وقتی به نقش برجسته‌های تخت جمشید نگاه می‌کنید نمی‌توانید کاملاً به حقیقت برسید، چراکه آن چیزی که روی سنگ حک شده، یا آنچه روی پارچه وجود دارد، خیلی متفاوت است. نقش برجسته‌ها یک جور انتزاعی هستند. شما، اگر تکاهی به مجسمه‌های یونان باستان بکنید، می‌بینید که آنها چین‌ها و طراقت‌های لباس را با چه دقتی در مجسمه‌ها نشان داده‌اند. در حالی که توی نقش برجسته‌های تخت

رسانه‌ها

کودک و نوجوان

فهاد و نهمین شماره کتاب ماه کودک و نوجوان از آژری از مهدی حجویاری، شهره کاندلی، سیدعلی محمدرضی، روح‌الله مهدی پورعمرانی، مجود برآبادی و…منتشر شد.

فرهنگنامه نویسی قرآن و نیاز جوان امروز، کتیبه‌های خنسی در ادبیات کودکان عربیه، آیا مسند زنده است؟، روزلد نال، در مجال خویش پایان خیر و شر و کتاب‌های کودک و نوجوان فروردین ماه ۱۳۹۳ (لوپیک) نگاه، عناوین برخی از مطالب این شماره کتاب ماه کودک و نوجوان است.



گفت‌وگو با لادن خرمی، طراح لباس و پارچه



دانشجویی ما خیلی از این کتاب استفاده می‌کردیم. اما حالا من خیلی نمی‌توانم لباس خمانشی این کتاب را قبول کنم.

چرا؟

ملاک دیگری که ما داریم، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله است. من قبلاً آن را از نزدیک دیده‌ام. البته آنها که حالت نمایشی دارند و نمی‌توان به اساس آنها قضاوت کرد. این لباس‌ها خیلی به کتاب آقای ضیاءپور نزدیک است. لباس خمانشی الگویی خاصی ندارد. من این لباس را با استفاده از این مدل خود نوشتم.

نکتنه‌ید به چه منظوری این کار را ادامه دادید.

من زیاد تخت جمشید می‌رفتم. این مسأله را با مدیر انجمن (کاتمنی) در میان گذاشتم. اول قرار شد فقط لباس بپوشیم. آقای کاتمنی عکس‌های زیادی از مکان‌های تخت جمشید به من داد. منابع خوبی در اختیار من گذاشت. ما بعد از خواندن کتاب‌ها به یک نتیجه رسیدیم تحت جمشید از این لباس‌ها پیوسته‌اند. لباس‌هایی که خیلی به کاشی‌های لعاب‌داری که در موزه لوور نگهداری می‌شود نزدیک است. در لباس گارد جوانان دوره خمانشی است.

رنگ‌هایش هم مشخص بود؟

بله. طرح و نقش‌هایش هم مشخص بود. توانستیم توی شیراز پیدا کنیم. گفتند مردم از این رنگ‌ها نمی‌پوشند. چون مردم آن را تالاب‌ها و پارچه پیدا نکردند.

توی این کتابها، توانستید هیچ جور لباس تابستانی برایشان پیدا کنید؟

این لباس مرصع و تشریفات است. ممکن است شاهده‌ها لباس‌هایی با جنس بهتر بپوشند. مثل‌های‌های ایرانی پیشی. اما لباس نوع دیگری توی موزه‌سن نمی‌پوشیدند.

نمی‌خواهید سراغ دوره‌های دیگر تاریخ بروید؟

پیشنهاد شده که روی لباس اقوام مختلف ایرانی‌ها در همان دوره کار کنیم. نم‌د این اقوام در عهد نوزدهم تخت جمشید می‌آمدند و نقش و… تحقیق کرده‌اند و حاصل کارشان در هفت جلد، در کتابخانه‌ها موجود است. در دوران

جای‌های دیگری هم از کار شما استفاده می‌کنند؟

یک مسأله خیلی مهم توی ایران وجود دارد و اینکه، متأسفانه حق کپی‌رایت به هیچ وجه در اینجا محفوظ نیست. ما بخشی‌های زیادی به این نتایج رسیدیم ولی هنوز جای کار دارد. این کار بیشتر، پژوهشی است. متأسفانه همه‌ای سادوچو، قصد دارند این را تجاری کنند و اصلاً به حق مؤلف توجه ندارند. برایم خیلی مهم است که این کار خراب نکنند. من به همه آنها جواب می‌دهم. این تحقیق‌را به شکل یک رساله تحویل تخت جمشید می‌دهم و اگر ناشی خواست، محتوا دوست دارم چاپ شود.


یادداشت
میتو فرحبی

اقتباس از آثار ادبی در سینما یکی از راههایی است که می‌تواند به غای محسوس در فیلمنامه‌ها کمک کند. برترین آثار سینمایی عمره تقیپل آثار ادبی به فیلمنامه بودند. تقیپل آثاری که در جهان اعتبار دارد. لاله درصدا گل قلم‌های برنده جایزه اسکار از رمان‌های امین اقتباس شده‌اند. البته اقتباس فقط محدود به رمان نیست بلکه در سینمای ایران از نمایشنامه‌ها و ماجراهای واقعی نیز اقتباس کردو از آنها به عنوان دستمایه‌ای برای نگارش فیلمنامه‌ای قابل توجه و در نتیجه ساخت فیلمی به یادماندنی استفاده کرد.

امروزه بیشتر تهیه‌کنندگان نیز به ساخت فیلم‌هایی که با اقتباس از رمان‌ها ساخته می‌شوند تمایل پیدا کرده‌اند زیرا اثری که تحت عنوان رمان نامیده می‌شود یا حتی ماجراهای واقعی چونه منطقی را صاحب کرده به نوعی ضمانتی را برای فروش بیشتر و نشان دادن نمایشی زیاده‌تر به سانس‌های سینما داراست.

اقتباس از یک منبع و تبدیل آن به فیلمنامه روندی است که باید آن را شناخت چون کوچکترین اشتباه در انتخاب منبع و تبدیل آن به فیلمنامه می‌تواند شکستی تقریباً حیران‌ناپذیر برای عوامل تهیه فیلم اول از همه فیلمنامه‌نویس و بیشتر از همه تهیه‌کننده به همراه بیاورد. موفق‌ترین محصول اقتباس در تاریخ سینما با وجود گذشت سالها، فیلم سینمایی تری‌پرفه‌است که هنوز مورد توجه تماشاچیان است. فیلمی به مراتب بهتر از کتابی و به یادماندنی‌تر که نام نویسنده، کارگردان و بازیگران اصلی خود را وارد کرده.

اگر خیال کنیم که اقتباس به دلیل وجود یک منبع غنی، کار آسانی است اشتباه کرده‌ایم. اقتباس را می‌توان به ترجمه شبیه دانست. اثر که ترجمه شده خوب، ترجمه

اقتباس در سینما از دیدگاه یک فیلمنامه‌نویس

نمی‌توان تماشاگر را به صندلی بست



را می‌خواهد. که به زبان اصلی و زبان مادری خود تسلط کامل داشته باشد و در ضمن به موضوع مورد ترجمه نیز آشنایی و تسلط داشته باشد. برای ترجمه یک دینیته باید زبان شاعر را بدانی، زبان خردت را بدانی و با شعر هم آشنا باشی تا دست به این کار بزنی در غیر این صورت هم اسم شاعر را خوب کرده‌ای، هم اسم خردت و هم اعصاب خواننده را اقتباس موفق هم از این قاعده مستثنی نیست. یک فیلمنامه‌نویس اگر قصد تبدیل یک رمان را به فیلمنامه داشته باشد باید دارای شعور در تشخیص ظرفیت رمان برای تبدیل به یک اثر سینمایی باشد. همچنین باید فیلمنامه‌نویس خوبی باشد که در این راستا بتواند حذف و اضافه کند. سینمای عالی منظر کردن نمایشی نیست چون هیچ کس را نمی‌توان به صندلی بست. یک رمان مفهصدیفصحه‌ای واره ندرت در دو ساعت می‌توان نمایش دادفیس باید از جایی وارد آن شویم و جگهایی را دور بزنیم و باز از جایی که فیلمنامه اقتضا می‌کند از رمان خارج شویم. قرار نیست کلمه به کلمه رمان در فیلمنامه جای بگیرد. چندین صفحه را که در توصیف حالات یک

روزها
بارضا کیانیان، بازیگر

از همه ژانرها کتاب می‌خوانم

دوره کودکی‌اش را به خاطر ندارد، اما بیشتر کتاب‌هایی را می‌خواند که ضروری باشند. مثل علام‌الدین و چراغ جادو. می‌گوید که هرچند کتاب‌های تن‌تن، باکمی فاصله از دوران کودکیم بیشتر شده، اما خیلی دوستشان دارم و همه کتاب‌هایش را دارم.

از کتابتای می‌خواهم تا درباره کتاب‌های مورد علاقه‌اش بگوید می‌گوید: «اولش آنگرنه، نیتسم که عاشق ژانر تخصصی می‌بودم، اما نهایتاً بنام، به اسم نویسنده توجه می‌کنم و از هر ژانر، جادو، چندتایی کتاب هست که مورد علاقه من باشد.»

رضا کیانیان، این روزها کتاب «دا صبح بیدارم» نوشته جعفر مدرس صادقی را خوانده و مجموعه قصه «ایچا، همه آدم‌ها اینجاورن» قصه‌های معاصر

ارامنه و سینمایی ایران



مشهوری می‌پردازد که نقش بسزایی در پشرفت سینمای ایران ایفا کرده‌اند. از شاخص‌ترین چهره‌های این بخش می‌توان به ژرژ هارایان (بازیگر، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تدوینگر)، لوریس چکاوریان (آهنگساز و رویکر متخصص) (متخصص صدا)، اوروز کریم‌مسیحی (کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تدوینگر)، علی باغداریان (فیلسوف‌دار و متخصص امور فنی)، و… اشاره کرد.

بخش چهارم کتاب نیز در برگزیده فهرست اسامی دست‌اندر کاران ارمنی در سینمای ایران است. «ارامنه و سینمای ایران» در ۱۴۴ صفحه مصورانه با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و به بهای ۳۰۰۰ تومان منتشر شده است.

شخصیت می‌نویسد می‌توان به راحتی با یک نگاه، بازیگر لباس، یا حالات چهره شخصیت نشان داد. این تفاوت ادبیات و سینماست. جمله معروف از میکال ژول تفل می‌کنند که می‌توان به آن تکر کرد: میکال از پاسخ به این سؤال که چگونه می‌تواند از دل سنگ زیباترین تئیس‌ها را بیرون بیاورد؟ می‌گوید: «این تئیس‌ها زیبا در دل سنگ آسیر هستند و من فقط هر چه را که زیباتر است می‌تراشم.» پس می‌توان با حذف قسمت‌هایی از رمان با هر منبعی که زبانی یک اثر سینمایی را مخلوش می‌کند به فیلمنامه‌ای کامل، صحیح و بارزتر دست یافت.

باید شخصیت‌ها را در هم ادغام کنیم. پنج فرزند در فیلمنامه تبدیل به دو فرزند می‌شوند که تازه یکی مثلاً در خوراگاه دانشجویی زندگی می‌کند تا کنیز او را بسنیم. باید به اندازه قاب تصویر فکر کنیم. البته در فیلمنامه‌نویسی برخی محدودیت دیگر نیز فیلمنامه‌نویس را مجبور به ایجاد برخی تغییرات در منبع اقتباس می‌سازد و آن فروش فیلم است. نمایش خیلی چیزها در فیلم باعث از دست دادن تماشاچی و در نتیجه شکست فیلم است.

فیلمنامه‌نویسی شغل پرخطرکی است. یک رمان خوب را چند نفر می‌خوانند؛ صد هزارهٔ پانصد هزارهٔ یک یا ده میلیون نفر؟ اما یک فیلم خوب، هم را بشمارد، تعداد سرعام آوراست و هر کجای آن از این تماشاچیان در درون خود یک منتقد می‌رخس و نوشته به نوشته به فیلمنامه نویسنده‌ای که فقط در شرایطی که فیلم را دوست داشته باشند نام او را فراموش می‌کنند!

اقتباس در فیلمنامه‌نویسی مبحث گسترده و قابل گفت‌وگوست که در این فرصت کم و محدود شاید فقط توانستم به چند نکته مهم اشاره کرده باشم.

این سوی صفحه

پاکنویس ، ممنوع

باحسین فرحی کارگردان نمایش مکتب


حسین فرحی، مدیرمسئول نشریه سینما- تئاتر از

مدرسان برجسته تئاتر در دهه های

شصت و هفتاد

محبوب می‌شود. وی که اکنون بعد از ده سال سکوت صحنه‌ای، باز هم طعم اجرا را با نمایش «مکتب» ویلیام شکسپیر مزوم می‌کند. در این باره می‌گوید: «در این مدت به هیچ وجه یکبار نبوده‌ام، بلکه دیده‌گاه‌ها و اعمال نظرهاي مسؤولان اجازه این کار را به من نداده، اما به جایش یک فیلم سینمایی و چند تله تئاتر ساخته‌ام. تدریس و کار مطوعاتی هم انجام داده‌ام.»

وی که پوستر نمایشش نام هیچ مترجمی را تحت نام شکسپیر قرار نداده، در این باره می‌افزاید: «تمام ترجمه‌های مکتب را تقطیع داده‌ام و در این بین ترجمه عبدالرحیم اکبری، بیش از هر ترجمه دیگر مد نظرم بوده.»

مدیرمسئول نشریه «سینما-تئاتر» که روایت مدنی از نمایش مکتب را ارائه داده، می‌گوید: «جان‌طبی و قدرت، موضوعی است که ذهن هر انسان،ی، در هر مقطعی از دگر خود می‌کند. در این نمایش شصت دقیقه‌ای تنها مکتب و لیدی مکتب حضور دارند و در هر حدی حتی خودشان را نینسند بلکه دوبازیگر تئاتر هستند. در این نمایش که در حال تعیین نمایش مکتب در آپارتمانشان می‌باشند، همین مکتب اکنون تنها شاه خانه خود است، آن هم شاهی شکست‌خورده. البته لازم

که من به صحنه برده‌ام. پیش از این می‌خواستم به ذکر است که: «این اولین متن خارجی است که من مخالفت‌های بسیاری با من در واقع تنها این مسؤولان تئاتر هستند که تعیین تکلیف می‌کنند تا خود تئاتری‌ها، وی که از جمله پایه‌گذاران مجله نمایش در اوایل دهه شصت می‌باشند، از میان نمایشنامه‌های فارسی‌انگاری چون روزهای علی نصیریان، «مظلوم ساعتی» و رضا صابری، و پروان‌بند، غلامحسین باجی و مرگ و پاییز اکثر افرادی را پیش از هر اثر دیگری می‌پسند. فرحی که تاکنون کتاب‌هایی چون اطروب یک فریب‌گه، «سفر بیست و یکم»، «پرونده یک آفرجه» و «ده هنرمند» یک رتیب جنجوالی را در کارنامه خود دارد، شعرهای بسیاری را در مطوعات به چاپ رسانده و حتی در عهد جوانی‌اش نیز داستان‌هایی در مجله اطلاعات فرهنگی منتشر کرده است. او اکنون گذشته از نمایشنامه‌هایی چون «شیرین و فرهاد»، «هازم زوی» و «داستان ابراهیم»، مجموعه شعرهایش را هم آماده چاپ دارد. در همین راستا، آخرین کتابی که فرحی خوانده «بهشت خاکستری» عطاالله مهاجرانی بوده که در این رابطه می‌گوید: «علااضاً از مهاجرانی انتظار نداشتم، او واقعاً قصه‌پرداز است. به گمان من او بیش از هر کاری این کاره‌ای است و پس. حسین فرحی که گذشته از تمام مغفله‌هایش در این سال‌ها، دو دوره دبیر جشنواره تئاتر فجر بوده، می‌گوید: «هیچ زمان منظمی برای کتاب نوشتن‌هایش حسی است. اما او هر روز حتماً چند روزنامه را ورق می‌زند. در نهایت اینکه این کارگردان ایرانی نمایش «مکتب» لذت نوشتن را بیش از هر چیز دیگری می‌پسندد. البته حسین فرحی به هیچ وجه متن‌هایش را تاکنونی نمی‌کند و هیچ علاقه‌ای نیز به این کار ندارد. حتی متن‌هایی که چندین بازیگر مجبورند بارها و بارها از زوی آن بخوانند.»



پیوند و بیو

علی آقاقری

امیرحسین شرافت

پروسی و مطالعه در باب ادیان اگرچه از دیرباز مورد اهتمام دانشندان و پژوهشگران بوده است اما در دوران اخیر به دلایل مختلفی این عطف افزون شده و هر روز نیز از پدیده‌های مبارک و امیدوارکننده، اقبال به مطالعات ادیان توحیدی و مکاتب و آیین‌های شرقی در میان حوزویان است. این رویکرد، تأسیس و ایجاد مراکز تخصصی پژوهش‌های ادیان و در نتیجه تربیت صاحبانظران را در حوزه علمیه در پی داشته است. علی موحدیان عطار، متولد ۱۳۳۰ در اصفهان، دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانش‌پژوه دکتر، عضو هیأت علمی مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، از اساتذگان این رشته است.

مطالعات ادیان و امکانات فرهنگی گفت‌وگو با علی موحدیان عطار: قائم‌مقام پیشین مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب

دارم در دانشگاههای ما ادیان را تا سطح دکترابه گونه‌ای غیر گرایشی و ناویژه با عنوان «ادیان و عرفان» می‌خوانند. شما می‌دانید که خود عرفان چه عرض عریضی دارد. حالا فکر کنید بخواهیم آن را با ادیان هم بخواسیم. مسلماً محصول عقیقی به بار خواهد آورد. از طرفی برنامه درسی و سرفصل‌های دروس نیز چنان تنظیم شده است که گوئی نظر به فضای مطالعات ادیان و در پنجاه سال پیش از این دارد. اگرچه اسامید و برنامه‌ریزان این رشته در ایران حق بزرگی به گردن همه ما دارند و هشتاد استادان و پژوهشگرانی که تا حدودی با رویکردها و حیطه‌های جدید در این عرصه آشناییند. اما هنوز کم نیستند. کسانی که مطالعات ادیان را معادل یا تاریخ ادیان یا احیاناً ادیان تطبیقی (Comparative religion) می‌دانند. از طرفی چون به موضوع روش و ورش‌شناسی مطالعه ادیان نیز توجه



از تحركات و چشم‌اندازهای مثبت در عرصه مطالعات ادیان، ارائه رشته‌های تخصصی ادیان و مذاهب در دانشگاهها و برخی مراکز تخصصی است

لازم می‌دول که بدهیم. حتماً همان روش یا رویکرد تاریخی یا تطبیقی را نیز در جای خود به درستی اعمال نمی‌کنیم. حالا تصور کنید بازتاب این مشکل در سطح مطالعات دانشجویی و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری چگونه است.

در عرصه کتاب و نشریات «چطور؟ آیا یا آزادی صلی که در اینجا وجود دارد چشم‌انداز بهتری را نمی‌بیند؟» بنده اصولاً نمی‌خواهم منفی‌بانی کنم و اگر مجال باشد چشم‌اندازهای نویدبخش روشن را نیز در این عرصه خواهم گفت، اما باید بگویم اینجا مشکل مضاعف است. یعنی نه تنها تألیف‌ها که تعداد آنها بسیار اندک است (و ترجمه‌هایی که گزیده و به بازار عرضه می‌شوند نواقف معیار برخوردار از روش‌شناسی علمی، به ریز بودن و اتقان هستند. گرچه آثار انگشت‌شماری نیز در این سال‌ها و حتماً پیش از آن سراخ داریم که سعی کرده‌اند از این جنبه برهند. از طرفی موضوعاتی که پژوهیده یا برای ترجمه گزینش می‌شوند طرح و برنامه مشخص و متناسب با نیازها و خ‌لای‌های جامعه ما را دنبال نمی‌کنند.

چشم‌اندازهای روشنی و امکانات بالقوه و حرکت‌های مثبت در عرصه مطالعات ادیان در کشور کدام هستند؟ پیش از هر چیز باید به امکانات فرهنگی کشورمان اشاره کنم. فرهنگ اسلامی به سرافت طبع خود، و اگر ما مسلمانان بپسندیم و تحمیل کنیم،

ادیان پژوهی را اگر نشوین و ترغیب نکرده باشد، که به زعم بنده کرده است، لاقائل مانع نشده است. اقتضای حقیقت جویی و اهتمام اسلام به حکمت، تعقل استماع افعال و تبعیت از بهترین‌ها و حتی مواردی از پرداختن خود قرآن و سنت به ادیان، همگی امکان فرهنگی‌عظیمی را برای ادیان پژوهی فراهم ساخته است. هر زمان که مسلمانان از فضای روشن‌تر و عالمانه‌تری برخوردار بودند، در این عرصه کوشیده‌اند. گروه عالی این مدعا کتاب تحقیق مالمهندۃ اثر محمد بن احمد ابویحان بیرونی (متوفی ۴۲۰ه‍.ق) است. می‌توان ادعا کرد که این اثر اولین کار آکادمیک شناخته شده در حوزه ادیان پژوهی در جهان است که قدمت حدوداً هزار ساله دارد. جالب است بدانید محصول کار این دانشمند مسلمان ایرانی که بنا بر تحقیق، شیعه نیز بوده است، از ویژگی‌های آثار آکادمیک امروزی و روش‌شناسی متقن برخوردار است و تا به امروز از منابع معتبر در هند و هندوشناسی محسوب می‌شود. این را هم بد نیست بگویم، اولین بار دنیای غرب از طریق زبان فارسی و مسلمانان آثار سنسکرت و متون دینی کهن هندوی و در نتیجه با ادیان هند آشنا شد. نخستین ترجمه‌های متونی مانند اوبایشادها، بهگودگی تاژک و ده، به زبان‌های غربی (شاید بیشتر به زبان‌های چینی و ژاپنی و مانند آن برگردانده شده بود) به همت دار کوشوه شاهزاده مسلمان مغول در هند (۱۶۵۹-۱۶۱۳م) به فارسی و از طریق فارسی به زبان‌های اروپایی صورت گرفت. این در حالی است که ترجمه مستقیم آثار سنسکرت برای اروپایی‌ها حدود دو قرن پس از آن میسر گشت.

مطالعات ادیان و امکانات فرهنگی گفت‌وگو با علی موحدیان عطار: قائم‌مقام پیشین مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب

ادیان پژوهی مثل ماه مه‌فیداست و هم ممکن به هر حال پایدتوحی این عقب‌ماندگی ناروا در درهم‌ریختگی نامطلوبی که به زعم بنده در عرصه ادیان پژوهی تولید و انتقال دانش وجود دارد، بی‌طرف نمودار اگر بخواهیم تجربه ناموفق گذشته در اینگونه امور را تکرار نکنیم و بار این مسؤلیت را بر عهده عدالت و بوجه و مانند آن نگذاریم، کاری که عملاً و عمدتاً با تلاش و تدبیر می‌توان کرد، این است که انجمن‌ها، مراکز یا مؤسسه‌ای که شایستگی‌های این کار را دارند، به صورت ستاد هدایت و برنامه‌ریزی در حوزه مطالعه و پژوهش در ادیان عمل کنند. البته این کار باید بدون هر گونه اعمال فشار و ایجاد حد و حصر برای آن و مانند آن انجام شود. موضوع‌شناسی و ارائه برنامه جامع پژوهشی، تهیه و ارائه متونی در روش‌شناسی مطالعات ادیان و مذاهب و نیز متون درسی و کمک درسی این رشته‌ها و آموزش و به کارگیری نیروهای متخصص و نقد عالمانه و فوق‌آلاری که در این موضوع در این کشور منتشر می‌شود و نیز هدایت و مستقیماً پایان‌نامه‌ها و کمک به دانش‌پژوهان و محققان این رشته صورت گیرد.

اخیراً کتابی از شما با عنوان «آیین هندو» منتشر شده است. قدری درباره این کتاب و دلایل انگیزه‌های شما به عنوان یک دانش‌آموخته حوزه علمیه برای کار در این موضوعات بگویید.

کتاب با ترجمه بخشی از اثری است با عنوان ادیان زنده (Living Religions) که به مدیریت علمی آقای هینگر (Hinger) و توسط محققان متخصص تدوین گردیده است. سایر بخش‌های کتاب نیز در همان زمینه ترجمه است. این کتاب را دقیقاً با

دست یا در برنامه ترجمه است. این کتاب را دقیقاً با همان معیارهایی که ضرورت مراعاتش در ذهن من جا پادآور شده انتخاب کردم. کتاب ادیان زنده و ویژگی عمده دارد: نخست اینکه با روزآمدترین روش‌ها یا رویکردها به مطالعه ادیان پرداخته است. واضح‌تر بگویم، سعی کرده است تا همه رویکردهای ادیان زنده جهان بگیرد. دوم اینکه از میان حیطه‌های مطالعه ادیان بر حیطه یا بعد پیونده و مرمری و عرفی ادیان تأکید بیشتری کرده است. از این حیث توانسته است بخشی از خلأ موجود در این زمینه را پر کند. اما از طرفی آیین هندو هم به خوبی خود خصوصیات دارد که پراختن به آن را حویج می‌کند. اولاً آیین نظام‌های دینی است و برای عموم دین‌پژوهان، مردم‌شناسان، الهیدانان و بیوه‌طالب و محققان حوزه علمیه، آشنایی با آن ضروری‌دارند. بعیرت‌ها و معرفت‌هایی کلی و بسیار مؤثر درباره دین، ادیان شرقی و حتماً این خودمان خواهدبود آشنایی درست، علمی و همه‌جانبه با ادیان، اقی دید ما را گسترش می‌دهد و تعاملات ما را با دیگران واقع‌گرایانه می‌سازد. این را هم اضافه‌کنم که در ترجمه این اثر، بنده بویه خودم تلاش کرده‌ام نمونه‌ای کوچک از یک ترجمه قابل قبول و مطلوب در این حوزه ارائه کنم و البته امیدوارم که چنین بویه باشد. برای مثال، در کار زحمت‌زایدی را تحمل شده‌ام تا شاید در حل این معطل در ترجمه‌های مربوط به حوزه ادیان هند، قدمی هر چند کوچک و ناقص برداشته باشم.

در چند دهه اخیر، مطالعات ادیان در جهان رشد و توسعه قابل ملاحظه‌ای داشته است. این رشد و توسعه را در چه ابعاد و در کدام سنت و سو می‌توان ارزیابی کرد؟

چنین رشد و توسعه‌ای کاملاً ملموس است. از این نظر بنده کاملاً آشنا موقم، اما به نظر من رسد این روند را در دو جهت باید دید: به لحاظ کیفی و به لحاظ کمی. مردم از رشد کمی مطالعات ادیان، اقبال و توجه بیشتری است که به این موضوع می‌شود و شاهد آن، حجیم‌کتاب‌هایی است که همه‌ساله درباره ادیان مختلف و اصولاً موضوعات ادیان چاپ و منتشر می‌شود و نیز روند روز به رشد تأسیس رشته‌ها و گرایش‌های آموزشی و پژوهشی و حتماً مراکز و مؤسسات دولتی و غیر دولتی پژوهشی-تخصصی درباره ادیان و مذاهب در جهان گواه بر این حقیقت است. اما این رشد و توسعه مطالعات ادیان صرفاً کیفی نیست. کیفیت این مطالعات نیز تحول قابل توجهی داشته است. این تحول کیفی را در دو جهت می‌توان ملاحظه کرد: رویکردها و حیطه‌ها، در ناحیه رویکردها اگر بخواهم خلاصه بگویم، جهت و نحوه تقریب به مطالعات ادیان از مفاهیم کاربردی به بنیادین و از فلسفی و کلامی به مطالعات مردم‌شناختی و جامعه‌شناختی و از تاریخی-توضیحی به تاریخی-انتقادی یا تحلیلی و از پدیدارشناسی توضیحی به پدیدارشناسی استعلاعی یا دانش‌شناختی مبل کرده است. و در ناحیه حیطه‌ها نیز شیعه همین تحول را می‌توان مشاهده کرد. زمینه‌ها و موضوعات و زمینه‌هایی که در مطالعه یک دین مدنظر می‌داشتند معمولاً شامل تاریخ پدایی و تحولات دیگری مثل آیین‌ها، شادها، آهید، فتوالم‌ها، عباداتی‌ها و آداب شامل تولد، ازدواج، تدفین و… و نیز ایجاد عرفی و مرمری دین یا به عبارت مسلط ادین در روستا و

نیز موضوعاتی مثل پدیده جلالی وطن دینی یا پراکندگی دین و تحولات و ظهورانی که دین در خارج از حوزه جغرافیایی اصلی پدید می‌کند، نیز می‌پردازد. آیا این روند رشد و توسعه ادیان پژوهی به داخل کشور ما هم سرایت کرده است؟ در چه ابعادی و به کدام سو؟

بله. به نظر من رسد چنین رشد و توسعه‌ای را در یکی و دو دهه اخیر در کشور شاهدیم، اما شاید زیاد بگویم نماند اگر بگویم مانند بسیاری دیگر از زمینه‌های علوم فزونی که ابتدا به صورت جسمی و کمی در کشور توسعه می‌یابند تا شاید زمانی تحول کیفی پیدا کنند. مطالعات و پژوهش در ادیان نیز در کشور ما بیشتر رشد کمی داشته است. تعداد دانشکده‌هایی که در کشور به پژوهش می‌پردازند بیشتر شده و تعدادی مؤسسه و مرکز ادیان پژوهشی با مرطط با مطالعات نیز تأسیس شده است. نیز کتابها و مقالات بیشتری تر این زمینه چاپ و منتشر می‌شود و به نفع مجلات و مؤسسات چاپ و نشر ادینی نیز پیشتر از گذشته شده‌اند. اما به نظر بنده حتماً این مقدار رشد کمی نیز متناسب با اهمیت و قدر و قیمت این رشته نیست. اما به لحاظ کیفی اگرچه نمایان به رویکردها و حیطه‌های جدید در مطالعات ادیان مشاهده می‌شود اما این به هیچ وجه متناسب با پیشرفت‌ها و رشد جهانی این رشته نیست. به لحاظ دانشگاهی، هنوز رشته تخصصی مستقل ادیان در کشور راه‌اندازی نشده است و تا آنجا که بنده اطلاع



چخوف مردان وزیانی خلق کرده‌است که جایزاند اما بی‌خاصیت. اما آنچه خواننده روسی را جلب می‌کند این است که در قهرمانان چخوف نوعی روشنفکر روسی آرمان‌گرا را می‌تواند بی‌شمی موجود غریب و رفت‌گسوزی را بیفتد که خارج این کشور چندان شناخته‌شده نیست. این اولین جملاتی است که کارلن فانی ترجمه و کیشناس شیر به نقل از ناکوف در کتاب ماه انبیاات و فلسفه به مناسبت یکصدمین سالگرد درگذشت چخوف بزرگ بر زبان آورد و خود روشنفکر چخوف‌انسانی بود که هم‌زاری عمیق‌ترین شرافت و نیکویی در حد توان انسان بود و هم به نانوای کمپلیش محسکدار محقق کوند آرمان‌ها و اصولش دچار بود. انسانی شیفته زبانی اخلاقی، دلفهم‌وطنش و خوشبختی جهان اما ناگوار از اینکه در زندگی خصوصی خود کار مفیدی انجام دهد.

فانی چخوف‌جان‌بی‌دای

برای ترجمان‌بارده

وی سیس به روند تاریخی ترجمه آثار چخوف در ایران اشاره کرد و اظهار داشت: در سال ۱۳۳۷ نخستین اثر از چخوف با عنوان عشق رهامی ترجمه شد که حسن طبعیانی ترجمه این اثر را بر عهده داشت. اما طی سال‌های ۲۰۰۰–۱۳۳۲ به‌رغم نفوذ شوروی در ایران خود اصولاً چخوف نویسنده‌ای سیاسی دیده می‌شود و توجه فراز نگرفته، با این حال به‌طور پراکنده برخی از آثار او در ایران هم ترجمه شد، چراکه اصولاً آثار چخوف جایزندی برای مترجمان دارد به‌هر حال ترجمه آثار او به‌طور جدی از حدود سال ۱۹۸۹ آغاز شد و این روند تا به امروز ادامه دارد و به‌طور مستمر ادامه دارد و هیچ نویسنده خارجی آثارش به اندازه او فارسی در نیامده‌است. آن هم به این صورت مدام و مستمر، تنها در سال گذشته حدوده‌ای از او ترجمه شد و سیر ترجمه آثار او هر چند فراز و نشیب‌هایی دارد ولی این طری که ادامه‌جگ قطع نشده‌است. ظاهر آن برای علاقه‌مندان و قطع ناشدنی به او دارد، چرا که در این آغاز مرسوم است که هر از گاهی نویسنده‌ای مورد اقبال قرار می‌گیرد و آثارش در دوره‌ای ترجمه می‌شود اما پس از آن توجه به آن نویسنده کمتر می‌شود یا این سال‌ها دوره چخوف در طی چندین ساله‌ی که از ترجمه جدی آثارش می‌گذرد، شاهد چنین مسأله‌ای نبوده‌ایم، در حدود دو سال ۲۸ مهتدیس کاظم نقصاری نخستین مجموعه مهم از چخوف را ترجمه می‌کند، او یکی از مترجمان برجسته آثار چخوف محسوب می‌شود، او به اثنا هفت داستان از چخوف ویس از آن در میان گزاف راه فارسی در می‌آورد. در آن سال برای اولین بار نمایشنامه کالیگامرغ درباری با توسط بقار آفرین به فارسی ترجمه شد، بلافاصله پس از آن باغ آلبالو با ترجمه بزرگ علوی منتشر شد.

بزرگ‌ترین نویسندگان در حوزه نویسندگان کوتاه

فانی در باب موضوع فعالیت‌های ادبی چخوف گفت: چخوف در حوزه داستان کوتاه بی تردید بزرگ‌ترین نویسنده جهان محسوب می‌شود و هیچ نویسنده‌ای نیست که هم‌اندک او در داستان‌نویسی ابداع و ابتکار به خرج داده‌باشد. ناکوف چخوف را قهرمان نوی ۱۰۰۰ اثر می‌داند و می‌گفت او قهرمان دوری استقامت نیست، چرا که چخوف اصلاً رمان نوشته‌است و داستان بلندی که از او باقی‌مانده، در حقیقت داستان‌های کوتاه‌وی بوده‌اند که بسط یافته‌اند. او نوشتن داستان کوتاه تا او روی‌های بسیاری کرد و بهترین عمیق بر نویسنده‌گان قرن بیستم چخوف در طنز نویسی و داستان کوتاه نویسی در ایران از نویسندگانی مانند داستان‌نویسان ما مستقیم با کیفیت خود از طریق کاری او بهبود داده‌اند. وی به‌رغم کوتاهی از ساختار منگم و خوش‌ترانه‌ی برخوردارند، به‌طوری که حتی داستان‌های می‌صحنه‌آئی او یک اثر کامل محسوب می‌شوند. علاوه بر این طنز آثاری او بسیار در محور توجه‌است. چخوف معتقد بود در پشت هر پاینده مسخره‌ای، حزن و اندوه عمیقی وجود دارد و تنها چیزهای مسخره‌محوروند. این حالت غفلت‌برانگیز و کناری و تزلزلی

شخصیت در آثار چخوف

نشست میراث داستانی و نمایشی چخوف در خانه کتاب برگزار شد

در آثا و کاملاً مشهود است.

فانی درباره نمایشنامه‌های چخوف گفت: چخوف در نمایشنامه‌نویسی اخلاقی ایجاد کرد و این نمایشنامه‌ها بسیار مورد تکیه‌برده‌ای کار خود را آغاز کرد این نمایشنامه‌ها بسیار مورد استقبال قرار گرفتند. پس او آن به نگارش نمایشنامه‌های پرچم‌های روی آورد که هیچ اثری که او در این زمینه خلق کرده از آثار جورالد نمایشنامه‌نویسی جهان محسوب می‌شوند.

برکت در زمینه‌ان‌زیستن با جهان و بر جهان

در ادامه این نشست دکتر بهروز برکت، استادیار دانشگاه گیلان، در بخشی از سخنان خود گفت: در زمینه‌ان‌زیستن با جهان و در جهان نیاید ترین تصمیمه‌ای است که در چخوف دیده می‌شود و شاید بنیاد و راز ماندگاری او نیزه همین امر بازمی‌گردد. این نگاه چخوف دو فایده دارد: نخست آنکه فعالیت‌های دیگر نباید به صنعت و تکنیک‌نمی‌شود، چون نویسنده در مسویر طبعی زندگی بسیاری از این صناعات را احساس می‌کند و به مراب افرایش، قوی‌تر است چرا که از سیر نیاز با تقصیر برخوردار کرده‌است. دیگر آنکه باعث می‌شود بسیاری از محادلات نظری مجال طرح نیابند. این نوع نگاه، یک ویژگی کاملاً اخلاقی را مطرح می‌کند و نویسنده بی آنکه قصد فضل‌فروشی داشته‌باشد، بسیاری از



کارهای لازم را انجام می‌دهد. چخوف در آثارش همواره بر آن بوده که به عمیق‌ترین شکل و وضعیت جامعه‌اش را تصویر کند. هنر در آثار او کاملاً متعهدانه پیش رفته‌است. این نوع درمهندانه‌زیستن با جهان و در جهان سبب می‌شود که برخی از اصداقه به وحدت بر سرند. برای مثال برخی اعتقاد دارند که چخوف وحدتی میان زیبایی‌شناسی و اخلاق ایجاد کرده‌است. او زنده‌فاش، دغدغه‌فای اخلاقی انسانی است پس از سویی به در ادبیات با پر خودی انسانی توجه می‌کند، از آنجا که به ارزش طریقه‌ای ادبی نیز واقف است، به زیبایی‌شناسی اثر هم اهمیت می‌دهد، پس برای یک هنرمند واقعی این دو نگاه هم‌جال بروز می‌یابد.

وی در باب نمایشنامه‌های چخوف تصریح کرد: نمایشنامه‌های چخوف ضمن آنکه تأثیر گذارند و همدلی مخاطب را جلب می‌کنند، اما مخاطب را متوقف نمی‌کنند. چخوف، خواننده را مدام به اندیشیدن می‌خواند. او ضمن توضیح بهترین شرایط و موقیت به خواننده گوشزد می‌کند که این شرایط تغییر پذیر است و علت آنکه از شرایط اسفناز سخن می‌گوید شاید به نوعی نمی‌توان شرایط باشد. وی در باب شخصیت‌های آثار چخوف اظهار داشت: اگر قرار است همه چیز نیسی باشد، شخصیت‌های داستان نباید به معای واقعی‌همه‌گه قهرمان باشند و چخوف در داستان‌هایش قهرمان ندارد. او به تمام شخصیت‌هایش فرصت ارز می‌دهد و همه به نوعی ضعف‌ها و قوت‌های خودشان را دارند، چرا که اساساً در زندگی واقعی هم قهرمان وجود ندارد.

شاعرانکی مبتکرین میراث

دکتر برکت بهترین میراث آثار چخوف را شاعرانگی آنها دانست و اظهار کرد: شعر نمی‌گفت، به رایتلیس خاصی



باشد. شخصیت‌های او غالباً سودایی هستند و محیط اینجا و اکنون را نمی‌بینند و به قصه‌های دور نظر دارند یا در گذشته‌های می‌نماید است و به صورت موهوم است. بعضی از شخصیت‌های او گرچه سودای سر به مناطق دورتری را در سر دارند اما هرگز سفر نمی‌کنند، به هر حال این‌ها که یاد گذشته‌مصورند، نیاز نوع آینه‌دور خودی بسیار تلخ و دردناک با واقعیت دارند، عموماً وقتی آنها به صورت بازمی‌گردند یا خودشان را می‌کنند یا باقی می‌مانند. دکتر حمیدیان در باب قهرمان آثار او گفت: قهرمان چخوف در برابر سوء فطرت و سوء تعبیر محیط قرار گرفته‌اند و قهرمانان محصور در این سوء برداشت‌ها هستند. شخصیت‌های او به‌رغم سودایی بودن، غالباً هنرمند هستند. اما از آنجا که در محیط‌های نامناسب زندگی‌کنند، علم و هنر و فرازگشی شان منتر نمی‌نست. شخصیت‌های اصلی که دست به کار می‌زنند و برای اجتماع خود کاری انجام می‌دهند، در آثار او بسیار کم تعداد هستند. شوخی‌های فاجعه‌آفرین در آثار چخوف حضور زیادی دارند. آثار او لودی‌ترین مسائل شوخی در نظر گرفته می‌شود و بر چکش شوخی‌ترین مسائل جدی گرفته می‌شود.

اخترامی ایجاد شخصیت‌ها و موقعیت‌های طنزآمیز

در ادامه این نشست موهچهر اخترامی، طنزنویس، درباره شیوه زبانی آثار او در زمینه طنز گفت: زبان چخوف زبانی مستعنی از تعریف است. او زبانی بسیار پخته دارد و یکی از مشخصه‌های طنز آن است که بتوان زبان را به خوبی به کار گرفت و چخوف از عهده این امر برآمده‌است. او با قصه‌های طنزآمیز کار خود را آغاز کرد و پس از آن احساس نمود که باید طنز را در خدمت نمایشنامه‌هایش نیز آورد. او ویژگی‌های مهم آثار او ایجاد شخصیت‌ها را موقعیت‌های طنز آمیز است. او وقتی موقعیت را خلق می‌کند دیگر به شیوه رمان‌نویسان آن نیست که در پایان تقریبی ایجاد نموده، بلکه او از همان ابتدا مناسبات را مشخص می‌کند و پس از آن به تعقیب ندهای خاصی می‌پردازد.

او در قصه‌هایش چنان هوش از کان‌ها در جای خود قرار می‌دهد که با شروع داستان دیگر نیازی به حدانه و تعبیر و تفسیر عجیب وجود ندارد و همان چیزی است، خواننده را به تعقیب وامی‌دارد. در قصه‌های بلندتری نیز در چند جمله نخست موقعیت‌هایی را به سرعت خلق می‌کند و بدون هیچ مقدمه‌ای وارد متن می‌شود و هرگز بی‌نی از شخصیت‌ها را آغاز می‌کند. وقتی شخصیت‌ها را طنزآمیز و اشکال‌دار خلق می‌کند، دیگر نیازی به توضیح بیشتر نیست چرا که آنها خودشان طنز آمیز هستند و بی‌نیاز هیچ حیطه‌ای خود می‌باشند. در آثار چخوف شخصیت‌های طنزی به چشم می‌خورد که از آن جمله‌اند: اسفان نیکارو و پرشک‌های متعدد شخصیت‌های او مجموعه‌ای از خصایل و زوایا هستند اما او خواننده را آزاد تا خودش آنها را تشخیص دهد و درباره آنها تصورات

نی‌صمن اشاره به طنز چخوف در داستان کوتاه نویسان کشورهای دیگر، درباره او گفت: ما الگویی برای داستان کوتاه نویسی نداریم، مادم این پرسد چخوفی بود. اندکی نویسناسی برای ما باشد. خصوصاً به این دلیل که او استاد داستان‌های ژورنالیستی است و با وجود اینکه همواره نوشتن طنز‌های سیاسی جدایت خاصی بر او نویسنده دارد اما چخوف مطلقاً این سبک‌رویی نبود. او روسی کرده با طنزهایش آینده را روشن بیند و مجبور است که آینده را روشن بگوید.

اعتقاد داشت، با این حال نوعی نگاه و احساس شاعرانه در بر مایه آثارش احساس می‌شود و زیبایی اثر در اینجاست که این شاعر لنگی مطلقاً دیده نمی‌شود. وی افزود: مخاطب وقتی آثار او را می‌خواند، گمان نمی‌برد که با نویسنده بسیار بزرگی روبه‌روست و بسیار راحت آثار او را می‌خواند می‌انگه دچار رعب از شخصیت و نام نویسنده باشد. این دیده نشدن نویسنده بسیار پاینده نادری است که در آثار چخوف دیده می‌شود و به گفته ریکور غالباً زیبایی در هنر، غیبت زیبایی است.

حمیدیان: متفکری در باب زندگی و جامعه

در ادامه این نشست دکتر سعید حمیدیان در باب بر مایه‌های نمایشنامه‌های بلند چخوف گفت: چخوف اساساً فلسفه به معنای رایج کلمه را دوست ندارد، یعنی آنچه او آن به عنوان تفلسف و فلسفه‌ای نامی می‌شود. چخوف متفکری در باب زندگی و جامعه خود محسوب می‌شود و در برخی از نمایشنامه‌های او، نوعی طنز و تمسخر نسبت به فلسفه دیده می‌شود. او به تغیر اعتقاد دارد و انسان‌ها را موملق می‌کند که برای تغییر بکوشند.

حمیدیان در قسمت دیگری از سخنانش با اشاره به درگیر نبودن چخوف در هیچ یکسبک‌های تفکرتگرش چخوف آنگونه که از نمایشنامه‌های او بر می‌آید، غیر طبعی

و فراطبعی است. شخصیت‌های او از هر طیفی‌ای مورد تمسخر قرار می‌گیرند و تمام طبقات را یکسان طعن می‌کند. او دیدگاه چخوف اصالت و شرافت منحصر به هیچ طبقه و قشر خاصی نیست و هیچ کس نمی‌تواند مدعی آن باشد که حامل ارزش‌هاست. وی در ادامه سخنان خود افزود: آنچه در نمایشنامه‌های او دل‌انگیز است، ایجاد پارادوکسی از تجسم ملام است. ملام بن مایه اصلی نمایشنامه‌های او است. احساس ملام، دل‌زدگی، سیری و خشکنگی نسبت به زندگی، زمینه فراگیر نمایشنامه‌های چخوف است. اما پارادوکس آن در تجسم جذاب ملام نمود می‌یابد. یعنی در آثار او ملام به صورت جذاب‌ترین شکل دیده می‌شود. در مکتب پوچی، ملام به گونه‌ای شخصیت می‌شود که خواننده نیز از آن ملام به همان می‌آید اما ملامی که چخوف تعبیر می‌کند، نی‌تعلیقت برای خواننده جذاب است و خود به خود نوعی احساس همدردی همیشگی خواننده را نسبت به این شخصاس می‌بیند.

میان‌خزنده‌ان‌هیوچی و ابتذال

به هر صورت او پوچی و ابتذال را با هنر منانه‌ترین صورت بیان می‌کند. شخصیت‌های او غالباً افراد مالا‌زده، سودایی و مهملی هستند که تلاش می‌برای گرپروا واقعیت تلخ زندگی‌شان نمی‌کنند. در هیچ‌یک از شخصیت‌های او رفت در طمع به صورت رایج دیده نمی‌شود، چرا که همگی قربانی وضعیت هستند. این افراد کمتر نسبت به دیگران نیاز دارند و اگر هم تعدی نسبت به دیگران می‌کنند در حقیقت به خاطر آن است که آنها قربانیان جامعه و روابط انجمنی هستند. بی آنکه زرقانی در آنها به معنای دقیق کلمه وجود داشته

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

گروه آموزشی ادبیات فارسی - واحد تهران غرب

آقای دکتر، روی میز کار شما مقاله‌ای کوتاه راجع به نیما دیده می‌شود، آیا مشغول کار در مورد نیما هستید؟
نه، من بخشی از یک دانشنامه را در دست دارم که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی آن را تدوین و منتشر می‌کند که یک بخش آن راجع به ادبیات است و ۱۳۰۰۰ عنوان دارد. بخشی که من مشغول کار روی آن هستم مربوط به ادبیات است و از حرف الف تا ی را در بر می‌گیرد. عناوینی که در یک دایرهٔ المعارف می‌آید.

در این زمینه دیگران هم کار کرده‌اند و تا جایی که من اطلاع دارم الان هم چندین مؤسسه، نهاد و چند مجل

فرهنگ‌های هستند.

درست است، البته کلمه کارهای تکراری زیاد انجام

می‌شود، شما هم مقدمه دانشنامه‌ها هم‌سال باید تجدید

نظر بشوید، چون برداشت‌ها با یکدیگر فرق می‌کند.

مثلاً آنچه که راجع به نیما در بیست سال پیش

نوشته‌اند، اگر بخوام همان‌ها را بخوانیم، طبعی

است که در برداشت‌های آن‌ها نیما نخواهیم داشت. فکر

کنید اگر نیما تا امروز زنده بود چقدر تفاوت می‌کرد،

مقداری ژورنالیستی‌تر است. عده‌ای قشر جوان و

تازه‌ای باید به نیما داشت. دوستی‌ان سال دیگر هم که

راجع به نیما مطالعه کنید، باید با نگاهی که چهل سال

پیش‌تر امروز داریم متفاوت باشد، تحول‌اتی را که بعد از

نیما به‌وجود آمد باید مطالعه کنید.

وضعیت ادبیات معاصر را در دانشگاهها چگونه ارزیابی

می‌کنید؟

شاید حداقل پنج - شش ترم ادبیات معاصر

تدریس کردم و یک دوره درسی هم ترمش که هنوز

موفق به پایان آن نشده‌ام. تقریباً از ده‌سال گذشته تا

کنون دانه ادبیات معاصر خیلی وسیع‌تر و گسترده‌تر

از ادبیات قدیم شده است. از نظر کثرت مطالب و

مقاله‌ها، داستان‌نویسی، شعر و نمایشنامه‌نویسی و نقد

ادبی... یعنی انواع ادبی نسبت به دوره قدیم خیلی

بیشتر و گسترده‌تر است. ادبیات معاصر نقش‌های

مختلفی دارد و معمولاً هم باید مدتی از عمر ادبیات

یک‌گذرد و تبدیل به کلاسیک بشود تا دانشگاهها به آن

پردازند.

مسأله دیگر این است که تا نویسنده‌ای زنده باشد،

دانشگاههای ایران به آثارش نمی‌پردازند. منتظرند

نویسنده عمرش تمام شود تا بتوانند درباره او داوری

کنند.

بله، در آن مرحله من می‌شود دربرایش نقادوت

کرد. معمولاً در سرزمین‌های شرقی راجع به افراد زنده

مشکلی می‌شود. اظهار نظر نکرد و آثارش را مورد نقد و

بررسی قرار داد. دیگر گفتگویی ترویج تعریف‌کنند، در غیر

این صورت نویسنده فکر می‌کند تا او از در دشمنی

درآمد.بله.

شما شکل ادبیات معاصر را چه می‌بینید؟

در مقاله ادبیات معاصر سه‌ساله هم وجود دارد، یکی

مسأله تولید آثار است و دیگری نقد و تحقیق در

زمینه آثار ادبی است و بعد هم تئوری‌های آثار ادبی.

اگر تئوری‌های دقیق و پیشرفته‌ای را تنظیم نکنیم، طبعاً

وقتی تئوری نباشد، نقد هم وجود نخواهد داشت. نقد

بر اساس تئوری‌ها به‌وجود می‌آید. اروپایی‌ها که تقریباً

از قرن هیجدهم به این سو تئوری‌های ادبی و به دنبال

آن نقد ادبی را باب کردند. آثارشان در این حیطه کمتر

از آثار ادبی محض نیستند. چون آنقدر تئوری‌ها و نقد

ادبی پیشرفت کرده که خود تبدیل به یک ژانر ادبی

شده است. ولی در کشور ما به دلیل مشکلات بسیار

زیادی که وجود داشت- البته همه هم مشکلات

سیاسی نیست. آنگونه که ابتدا فکر می‌کردیم ضعف

ادبیات ما ناشی از مشکلات سیاسی است- مشکلات

احمد تمیم‌داری متولد ۱۳۲۵ تهران با توشیح رساله‌ای تحت عنوان «شرح قصیده کلامی صاحب بن عباده» فوق

لیسانس ادبیات فارسی گرفت که در سال ۵۸ به‌صورت کتاب منتشر شد. «عرفان و ادب در عصر صفوی» رساله

دکترای وی در دو جلد از سوی انتشارات حکمت به بازار آمد. دکتر تمیم‌داری هم‌اکنون در دانشگاه «علامه طباطبائی

تدریس می‌کند و ترجمه کتاب «ادبیات ایران در انگلیس و آمریکا» از یوحنا را برای چاپ تدارک می‌یابد.

«داستان‌های ایرانی» را از سوی انتشارات حوزه هنری و کتاب «تاریخ ادب پارسی» را توسط انتشارات الهدی

چاپ و منتشر کرده است و بخش ادبیات از کتاب «دانشنامه ایران» را برای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در

دست تألیف دارد.

کتاب‌های چاپی: «دانشنامه ادبیات فارسی» (۱۰ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«داستان‌های ایرانی» (۲ جلد)

«شرح قصیده کلامی صاحب بن عباده» (۱ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«ادبیات ایران در انگلیس و آمریکا» (۱ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

«تاریخ ادب پارسی» (۲ جلد)

روم می‌بینید همان موزه‌خانه است که در سبک خراسانی وجود دارد.

سبک رمانتیک تحت تأثیر سبک عراقی به وجود می‌آید که منشأ آن ترجمه ادبیات فارسی در آن دوران بود. اگر در اروپا مستشرقان نبودند، آثار به هند و ایران مسافرت نمی‌کردند، اگر رنگتکیس هاندرانیخ نمی‌کردند شاید هیچ وقت سبک رمانتیک متولد نمی‌شد.

بعثی ادبیات عراقی که به سرزمین‌های غربی منتقل می‌شوند، تازه خودی می‌شوند که چه شخصیت‌های بزرگی و در چه شرایط سختی به‌وجود آمدند. لذا شاگرد زندگی عارفان و شاعرانی چون سعدی و حافظ را مطالعه کنید می‌بینید که زندگی چندان مرهقی نداشتند. مقارنای سختی محیط‌است که موجب خلایقیت می‌شود. گاهی آرامش محیط باعث خلایقیت می‌شود و گاهی هم عسرتی محیط.

الله در مروه، غلغلهٔ دو طر و در دودیگاه و مروه و سنتی دارد یکی نمی‌آید که در آن زمان *بی از سقوط و شاهنشاه فرام آمدن آزادی می‌گیرد* در چنین نلفضی نمی‌یوان شعر نوشت (با توجه به شعرهای سبیلیک و استعاری که سعدی سرایان مغل قتل نام می‌شوند و مردم شعرها غارت می‌شوند، بعد شعر او نویسدگان به مردم توجه می‌کنند و همه به خاقانها پایب می‌برند، چون مغولان تا حدودی به منابع صوفیانه احترام می‌گذاشتند. یعنی خاقانها تا نوعی امنیت ایجاد می‌کرد. در قیل توجه به شاخخ صوفیانه، در چنین شرایطی موسیقیدگان و شاعران صوفی زیاد می‌شوند و خلافت‌های زبیدی هم در این مقطع به‌وجود می‌آید.

وقتی کسما سبک‌های ادبی در ایران و اروپا را مقایسه می‌کنید، چه دورانی به شخصیت‌هایی را مد نظر دارید؟
پیشتر ادبیات قرن نهمده را مقایسه می‌کنم. الان یک تأثیر را درامد ترجمه می‌کنم که همراه با تحقیق است و از فرق دیدگاه تارق بنیسنه را در می‌گیرد. در این کتاب مدوجه می‌شویید که عوالم ایران پختلور و ادبیات انگلیسی و امریکائیان گذاشته است. شخصه‌هایش یکی ویکتور هوگرت است که اثرش را می‌نویسد یا آثار شیخ فردراندین عطار مقایسه کنید. حافظ، که عمیق‌ترین تأثیر را در ادبیات جهان داشته است و به پیش از پنجاه زیان زنده دنیا ترجمه شده است.



یادداشت

سید علیرضا میرعلی‌نقی

○ نشه است که تیرماه بیاید و به یاد حسینعلی ملاح نیتقیم. اولین پژوهشگری که در زندگی شناختم و نیز اولین فرد از اهل علم و قلم در موسیقی، در زمانی که پژوهش موسیقی اصطلاح نبود اگر آدمی که موسیقی را می‌شناخت و یکی دو سال را به خوبی می‌نوشت و آهنگ می‌ساخت و زبان خارجی می‌دانست و روابط هنری- فرهنگی به کمال داشت، می‌نشست و زندگیاش را با کاغذ و قلم می‌گذراند. آدمی دور از عرف و عجب و غریب شناخته می‌شد.

اما حسینعلی ملاح، هنرمند جوان و گوشای سال‌های ۱۳۳۰، چنین فردی بود. خوشبختی و مادی آداب و منظم در عین سادگی و شریهدوش و گریزان از آنچه که از استعدادی چون او می‌خواست، اگر کدامه سالزد و پلاکه‌های او را پشت موه‌ها پرورنده خدیش دید. ملاح، تنها هنری در چنین پهنه‌ای پیروز د و تحمل کرد. ولی وقت را غنیمت دانست و در حد خود، چیزی به فرهنگ فقیر موسیقی ما اضافه کرد. امکانات زمانه حیات او در حد آرزوهای او نبود. ولی جلور بد جد زمامه، وظیفه او بود که از آن جشن ماهه اصناف و فراموشی نگذند. مظهر زبانی او شرایط مکانی، مقل آثار او را نیز در نظر بگیرند. این امکان ندارد مگر اینکه یادمانه‌ای در صورت‌های و مرثیت او تهیه شود. مردم امروز ملاح، بی‌غور را به نظر رسانند. ما همه اشتقاقی که به این آثار داشته‌ام و به همه استعدادی که خواهران فرخنده استاد (خانمها)، ما مقارن الحسین و گل شهربان، به این دستاورد قلمی بخاروازه خود داشته‌اند، به علت می‌مهری، برخی از معاندان خانگی (اصطلاح شادروان ملاح) این کار انجام شده است.

○ شرح خدمات و آثار قلمی او، سیروزه پیش از این، هنگام درگذشتش (تیر ۱۳۷۰) اکثره به قلم شده و ذکر آنها در این مقاله جایی ندارد. سخن من در این مقاله، برسر کتابی است که انتشار آن در زمان حاضر ضروری و جاری می‌باشد. به نظر می‌رسد، روشاند ملاح، جوهرزاده و داماد استادش، کنللی علی‌نقی خان زوری بود و پیش از پنجاه سال با استاد زوری زبانه و استاد و مدارک و عکس‌ها و خاطرات بسیاری، آنحضرت به فرد - از ایشان به یادگار داشتی. حتی «تازه دست استاد نیز در کتابخانه آرزومند استاد ملاح نگهداری می‌شد که بشیوه منطبقه به شرحی می‌یگی از نوازندگان جوان فروخته شده است.» اما جالی که شایسته بود، این آثار نویسنده در موزه‌ها باشد و نگهداریم. زنده‌ها ملاح چند بار نژد بیده - که در آن سال‌ها تنها معاشر جوانسال در

شما شروع نهفتن ترجمه در ایران را از چه مقطعی می‌دانید؟

نهفتن ترجمه در ایران چندین دوره دارد که دوره اول دوره مأمون عباسی است که آثار یونانی، ایرانی و هندی به زبان عربی ترجمه شده بود و بعد به فارسی برگردانده می‌شود. دوره بعد، دوره صفویان است که آثار ترجمه اغلب از زبان سانسکریت و عربی به فارسی است.

کتابی که در سال ۹۸ تحت عنوان «تاریخ ادب فارسی» منتشر کرده‌اید. سبک‌های ادبی و سبک‌های فکری-ادبی، به عنوان محور اصلی تحقیق انتخاب شده تا تاریخ ادبیات را به دور از دودها و تحولات سیاسی قیود کنید.

این کتاب را هم سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی چاپ کرده است. تاریخ ادب فارسی را بر ستانی مکتب‌های ادبی و سبک‌های ادبی و دوره‌های ادبی و انواع ادبی تدوین کردم یعنی رویدادهای سیاسی را به‌عنوان مبدأ دوره‌های ادبی حذف کردم، به دلیل اینکه تاریخ ادبیات ما به شدت سیاست‌زده است و تحت تأثیر تاریخ سیاسی نوشته شده است و چون دوره‌های سیاسی به نظر نویسدگان، آشوب و بحرانی بوده دامنه ادبیات را هم گرفته است. در حالی که من معتقد هستم تاریخ ادبیات عبارت است از تاریخ شعر، داستان، نمایشنامه و مطوعات، یعنی شما باید به این چهار مقلوه توجه کنید. حالاً هم قلمنامه‌نویسی و تئاترنویسی به این مباحث اضافه شده که در دانشکده‌های ادبیات به این دو موضوع توجه کمتری می‌شود. در این کتاب می‌خواستم تاریخ سیاسی را حذف کنم و نهمدداشتم که حذف کنیم، به دلیل اینکه وقتی در خارج از کشور راجع به تاریخ ادبیات فارسی

حرف می‌زنیم با توجه به گسترش ارتباطات، نمی‌توانیم در بحث ادبیات راجع به معزل بحث کنیم و منتقله‌ها و ستم‌هایی که بر ما تحته آشوب میوه‌اند، این ستم‌ها بر ما رفته ولی ثابت این مسئله‌ها کسی امتیازی به ما و به ادبیات فارسی نمی‌دهد. بلکه این آثار را می‌هنری ماست که باید در دنیا معرفی شوند.

چگونه، چه دورانی به شخصیت‌هایی را مد نظر دارید، پیشتر ادبیات قرن نهمده را مقایسه می‌کنم. الان یک تأثیر را درامد ترجمه می‌کنم که همراه با تحقیق است

دقیقاً همین طور است و من در این کتاب - تاریخ ادب فارسی- برخلاف برخی رواج می‌خواستم کار کنم. **شما تحولات سیاسی را مد نظر می‌دورده‌های ادبی کنار گذاشته‌اید، چه چیزی را جایگزین کرده‌اید؟**

من روی سبک‌ها و مکتب‌ها تکیه کرده‌ام. البته منشأ اکثر من پیشتر نوشته‌های پان ریچکا و هرمان اته بود. به علت اینکه این دو محقق بزرگ تاریخ ادبیات

فارسی را نوشته‌اند و خوششان هم متوجه شده بودند که تذکره‌های ایرانی از اعتبار چندانی برخوردار نیست و کسانی هم که تاریخ ادبیات را نوشته‌اند چون مشکلات سیاسی در این مناطق زیاد بود. به شدت تحت تأثیر رویدادهای سیاسی بوده‌اند. این دو محقق بزرگ یکی بر اساس سبک و دیگری بر اساس آثار یا نوع ادبی تاریخ ادبیات فارسی را نوشته‌اند و به نظر یان ریچکاست که می‌گوید ما باید به مکتب‌های آسیایی در ادبیات توجه کنیم. بنابراین تاریخ سیاسی چون رشته‌ای جدا از ادبیات بود آن را حذف کردم و آمدم نوشتن مثلا مکتب ششانی از دوره این سبنا شروع



اگر در اروپا می‌شناسقان نبودند.

اگر به هندو ایران سفر می‌کردند، اگر انگلیسی‌ها مماندرا

فتح نمی‌کردند. شاید هیچ و فتح سبک رمانتیک متولد نمی‌شد

می‌شود تا آغاز مکتب اشراق و دوره سهروردی ادامه پیدا می‌کند، یعنی از قرن چهارم تا ششم. از قرن ششم که به این سوی ادب ادبیات عراقی و صوفیانه رشد چشمگیری دارد. درست است که سهروردی طرز تفکر را تغییر داد و در واقع مشائبات این سبیلی را با قوف و با دریافت‌های عراقی و روحی آینه‌خیز کرد. اما نه دوره این عربی و مولوی که می‌رسیم دیگر مکتب اشراقی تبدیل می‌شود به مکتب صوفیانه محض و صرف و صرفاً جنبه تصوفش برجسته می‌شود. و فراتر از ادبی ما تحت تأثیر جدید مکتب صوفیانه روحی رواج می‌کند. تاریخ عربی تأثیر کمی از نظر اندیشه در جهان اسلام گذاشته بود. - به‌ویژه در ایران تأثیرش بیشتر بدین جهت است که عربی در ایران، هم در فلسفه مابلسلار و شاکردان ملحدانرا اثر گذاشته و هم غیر مستقیم روی ادبیات عراقی ما تأثیر گذاشته است. متنها چون ما مطالعات

ویمی در این زمینه ما داریم، نمی‌توانیم از دوران سنیای تا حداقل قرن نهم که حدود چهارصد سال می‌شود، ادبیات عراقی و صوفیانه را در آثار ما مختلف و با نگرش‌های مختلف تقسیم بندی و دسته‌بندی کنیم. این کارها را نکرديم. تاریخ ادبیات را که می‌خوانیم به هر شاعر و نویسنده‌ای که می‌رسیم، می‌نویسد اسبک، آثار و احواله را در این بخش چند کتاب را معرفی می‌کنند و بعد می‌نویسند این شاعر در حدیث و قرآن در هم آمیخته و آثار بزرگی بديگ آورده است ... این تعریف‌ها را درباره همه شعرائی کلاسیک به صورت یکسان می‌بینید. بین جامی تا سبزه‌ها در بین آثار عراقی و صوفیانه به نقد مشخص نشده است.

این کتاب را برای چه انشایی تألیف کرده‌اید؟

این کتاب، چون پیشتر برای مستشرقان و معققان خارج از کشور نوشته شده، سعی کردم مکتب مثلیای، مکتب اشراقی، مکتب فلسفی مابلسلار، مکتب اشراق شرح و تحلیل و غنلیدی که در دوران قاجار به‌وجود آمد و بعد هم به مکتب‌های جدید پیروازیم. یعنی دوره‌ها را به مکتب‌های فلسفی تقسیم کردم و بعد به سبک‌هایی که متعلق به این مکتب‌هاست، من هم معتقد هستم هر سبکی که مکتب‌های فلسفی تقسیم کردم و بعد به سبک‌هایی که اسلایدی می‌آید در یک جو فکری و فلسفی است که اسلایدی می‌کند. ارتباط سبک با مکتب‌های فکری ارتباط بسیار دقیق است.

اختلاف نظرهایی که بین این عربی و فخر حکام در ایران وجود داشت، چقدر در عدم گسترش فلسفه این عربی در فلسفه و ادبیات فارسی نقش داشت

در مورد این عربی دو مسئله تصور وجود دارد: گروهی معتقدند این عربی بزرگ‌ترین صوفی فلسوف بوده که روی ادبیات عراقی ما تأثیر انگیزاننده داشت. خوبی در آن دوران حکام می‌شود که آن جو صوفیانه است. در میان شاعران و متفکران بزرگ، دو جنبه برای این عربی حدود سیصدساله و سفیر نوشته شده است. کسانی از علمای بزرگ اسلام و از علمای عهده مثل کتبی‌ها که به این مسائل توجه نمی‌کردند، گروهی هم افکار و اندیشه‌اشی توجه نداشت می‌گردد. اگر هم نقطه ضعف اصلی داشته، آن را ناپدید می‌کنند. این معظوم من این است که اگر این معضله آید، نوشته‌ها فقط در این عربی در ادبیات فارسی به‌وجود می‌آید.

سردرصد تأثیر پیشتری می‌گذاشت، مثلا یک شخصیت بزرگ مثل شیخ سیدخلد آملی است. مقوله میرکه در آمل هست خیلی از ایرانی‌ها نمی‌دانند. این شرح حدود هفت جلد کتاب روی آثار این عربی مدهی چندجدا آن را چاپ کرده‌اند. یک جلدش هم یادم می‌آید در زمان زوشوگر کربن چاپ شده بود. کتی قاضی کاشانی با اسباب‌المسلم، احمد طریقی، در پایان اگر حرف گفته‌اید، همه سبک‌های ادبیات عربی را پیشتر ایرانیان بودند که توسعه دادند. به خاطر اضافه به فرهنگ ایرانی، نکته مهمی هم که می‌خواستیم بگوییم این است؛ چون مسائلیای، زبان پهلوی و اوستایی را به مردم نمی‌آموختند. در مدارس هم آثار اوستایی و پهلوی از ترویج نمی‌کردند. بعد از ورود اسلام این زبان از بین رفت. چون مدرسان این زبان بسیار کم بودند و نوعی زبان رمزی (هوزاری) به‌وجود آوردند که آن زبان را به دربار مسائلیای آوردند و متفکران ایرانی در این زبان هم فریخته شدند. آثارهای اندیشمند در آن مقطع دوزخانه کار می‌کردند. این برای ما انفجار است که متفکران ایرانی در زبان کار می‌کردند. چرا باید همه آثار ایرانی را که به زبان عربی است، به عرب‌ها ببیشیم و خودمان ضد عربی باشیم و عرب‌ها هم این آثار را از آن خود بدانند و نظراتش بگذارند که این سبیا عرب بوده، حواجه نصیر عرب بوده و عراقی عرب بوده (اگر ما یا این رفتار سهم خودمان را از این بین ببریم، چون ما روی این زبان کار کردیم و آثار زیادی خلق کردیم، اگر کسی حوصله خواندن زبان عربی ندارد اشتباه می‌کند. این افکار و آثار ایرانیان است که به زبان عربی بیان شده است.

به یاد کتابی که هرگز منتشر نشد



محققشان بوم-عنوان کردند که روایت خوششان از سرگذشت هنرموسیقی ایران در سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۵۰ را نوشته‌اند و بخش اعظم آن به مکتب زبیری و پیران او (خالقی، فروتن‌راد، مطاق ...) اختصاص داد. نویسنده در تمام این سال‌های پرحادثه موسیقی ایران، عضو مؤثر و فعال و بینا و نویسا بوده است. از گستر حسین موسیقی ملی تا خوشان موسیقی ملی را در گستر بزرگ رادیو و مجلاتی چون رادیو ایران و موسیقی رادیو موزیک ایران و موسیقی افلاک همراه زینا ابومالی نویسنده او. شاید تنها نویسنده‌ای باشد که در حد داستا دروح الهه خالقی برای روایت کردن تاریخ آن دوره صالح و صادق بوده است. وی جلد سوم سرگذشت موسیقی در ایران، (قبل از استاد ملاح، به اشغالی استاد خالقی) را در سال‌های منوچهر موسیقی بعد از انقلاب نوشته و با هزینه شخصی خود (در شرایطی که تمام حقوق‌های او از ادارات ... قطع نشد، و در شرایط مالی ناسامدی به سر می‌برد) به چاپ رساند. ولی علی‌رغم احوالاتی که از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۶۰ منی بر چاپ این کتاب گرفته بود، هنگام اظکال بزرگ، خروج از چلبانه در دستمان همان سال، کاغذ با کارتنکی سوزولان وقت و کرامت آنها از موسیقی مانجه شد. بر افاضه دستور، حسین کزوت تمام نسخه‌های موجود آن را صادر کردند. به‌راستی، حدود پنج هزار جلد کتاب ظنور، خورد و خیمبر شد. تنها کتاب نسخه آن در دست شخص استاد ملاح بود که نویسنده آن را در کتابخانه اشان دیده و ورق زود بود و خیمبر شدن کتاب غصه‌ای بود که تا آخر عمر گریبان ملاح را رها نکرد.

به‌زعم نگارنده، ارزش این کتاب از سایر آثار او بیش بود. حتی شاید بیش از کتاب اشبح موسیقی (۱۳۱ غزل از حافظه که هنوز هم یک دیدگاه، ولی نظره‌ای باقی پیش از یک فرد)

○ تاریخ موسیقی معاصر ما همیشه از یک دیدگاه، (ولی نظره‌ای باقی پیش از یک فرد) روایت شده است. تعدد تألیفات و نوع نگاهها به یک دوره یا مقوله خاص تاریخی، (هنگمناشی محققان و مورخان آینده است. این نگرش هرچه جدی‌تر می‌شود، حوزه تاریخ دقیق‌تری خواهد داد. می‌تک نگرش مرحوم ملاح نیز در بنیاد و نهاد خود مطقات از نگرش مرحوم خالقی و ستیا به نسبت ولی نگرش خالی افلاک‌ناتی است که منحصر به شخصی‌الو و حافظه فروخته‌است. درست است، بدان‌ها به تصادفی‌تیکو از کتب فارسی‌به در آید و برخی به فرهنگ مکتوب موسیقی ما بیفزاید.



یادداشت

مهدی آل ابراهیم

داستان علمی تخیلی



انسان خیال‌پرداز است، در هر سن و موقعیتی که باشد، شایدون گفت که بدون رویا و خیال دیگر انسان نیست و نمی‌تواند بدون آن زنده باشد. نوع و کیفیت و کمیت ممکن است در هر فرد نسبت به فرد دیگر متفاوت باشد ولی در اصلش نمی‌توان تردید داشت، همین رویاهای خیال‌هاست که تاریخ بشریت را ساخته‌اند، خواه مستقیم و خواه غیر مستقیم، خواه خوب و زیبا و خواه بد و زشت، در طی گذر این تاریخ آنری هم در تمام حوزه‌ها به وجود آمده‌اند که فرهنگ اقوام را ساخته‌اند و شانسانه یک قوم یا یک ملتند. آثار ادبی هم از دستاوردهای مستقیم و بدون واسطه همین خیال‌پردازی‌هاست.

داستان‌ها و افسانه‌های که سینه به سینه و نسل به نسل منتقل شده‌اند و در طی زمان تغییر یافته‌اند، گرفته تا آثار مکتوبی که کمتر دچار تغییر شده‌اند، همه و همه زوئی از ذهنی متولد شده‌اند و در ذهن دیگران نمود کرده‌اند و در آن به زندگی خود زنده داده‌اند. گاهی هنر همان آرزوها، خواسته‌های خود یا قوسم را تصور کرده است و گاهی بازها را آن‌ها همه انسان‌ها از همین جاست که ماندگاری و نفوذ آن هر چقدر هم نباشد اگر شمر حافظ سالها می‌ماند و حمله فردوسی و اشعار مطهر و مولانا زبان و کشور نمی‌شناشد. از آنجاست که دغدغه انسانها است و به زبان آنها و برای آنها.

داستانها و افسانه‌ها، مانند شعر، آلتی که از آرزوهای بشری می‌گویند جهانی شده‌اند و ماندگار. گاهی این آرزوها عمومی‌اند و گاهی ملئی.

میل به پرواز و هزران چیز دیگری که زندگی را برای او دیگران ساده‌تر و شیرین‌تر می‌کند، از خیال‌پردازیست که اگر در قالب داستان درآید و این داستان را بسند و آفته به دیگر محصول ذهن یعنی دانش و فناوری شود، محصولی پدید می‌آید که به آن داستان علمی تخیلی می‌گویند. گاهی این داستانها ساده‌نگارانه و کودکانه‌اند و گاه پیچیده و در زمان خود غیرقابل درک. پرواز به وسیله چهار عقاب که به طمع ران گوسفندی خنثی را به هوا می‌برند، در فضا با پرواز یک فالچپ پرنده از نکات فنی و تخصصی و در عین حال قابل باورتری استفاده می‌کند و در همین مثال سفر در زیر دریا با یک زیردریایی در فضا با سفر در تکم یک تنگه با خیالپردازی شروع کردیم و زبان انسان به خیالپردازی را یادآور شدیم و حال می‌گوییم به غیر از تاریخ و فرهنگ، دانش و فناوری، هم از این توانایی سود می‌برد هم به آن سود می‌رساند.

آثار زیادی در حوزه ادبیات علمی تخیلی خلق شده‌اند و حلقان آنها خود چیزی از یاد شده‌اند. وقتی ژول ورن یک کلبه توریب انسان را در سطح ماه پیاده کرد، فقط زوئی خود را برای دیگران نوشت تا آنها هم با او هم‌راز شوند، امروز دیگر برای ماسفر به موزای زمین رویانست و هر روز چیز دیگری را در رویاهای خود می‌جویم.

ادبیات علمی تخیلی و خالقتش وابسته به دانش هستند و بدون علم و دانش در یک جامعه شاهد وجود این دو نخواهیم بود، به همین دلیل است که بهترین آثار و نویسندگان را در دوره‌های بعد از انقلاب‌های علمی و صنعتی می‌بینیم.

آنها در جایی به وجود آمده‌اند و می‌آیند که اسباب خلق آنها فراهم باشد.

خیال‌پردازی آفته به علم گاهی در جهت خدمت به آند و گاهی خلاف جهت آن.

اگرچه به خاطر سرعت تغییرات ورشد علم بشر، دیگر به ندرت می‌توان شاهد آثاری همچون اویسنه ۲۰۰۱ بود ولی در عرض هر روز می‌توان نویسندگان زیادی را پیدا کرد که نشئه به رشته علم می‌زنند.

در کشورهایی مانند ما که از جریان تولید علم عقب مانده‌اند نباید چشم‌عقل ظهور آثاری بزرگ و بی‌ظنیر در این حوزه بود، ولی این نکته دلیل بر این نیست که نباید فعالیت کرد یا از تلاش‌های گوناگون حمایت نکرد. این آثار باید به وجود آمدن ذوق و شوق و هیجان در خواننده خود می‌شدند و اگر مستعد باشند، امروزه با سوی فن‌گرایی و به واقعیت تبدیل کردن رویاهایشانند. تأثیر داستان علمی تخیلی بر جوانان و نوجوانان به حدی است که در کشورهای توسعه یافته برنامه‌های ملوئی برای تربیت و حمایت از نویسندگان و ناشران اینگونه آثار به وجود آمده‌است.

در ایران نیز چندینی است که یک نگاه فردیاتی به نام دفتر ادبیات توسعه به حمایت و معرفی نویسندگان و آثار آنها مشغول است. فعالیت چنین نهادهایی علاوه بر اینکه باعث رونق بازار کتاب‌های علمی تخیلی می‌شود موجب کاره‌گیری تدریجی صداعلم نویسانی که علم را فقط دستمایه فرار می‌دهند تا به آن نیازند می‌شود.

ادبیات علمی تخیلی بی‌ارتباطی رویاهای فکرات انسانها نبوده آنهاست و کمترین دستاوردش ایجاد تکنجاری در نسلی است که قرار است علم را دستمایه توسعه کشور کند.

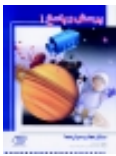
عبدالرضا جغتایی سال ۱۳۷۰، کتاب *آدن* آدم و را که یک داستان علمی تخیلی درباره آینده انسانها و رابطه‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای است، منتشر کرد. آن موقع وقتی کتاب را می‌خواندی نسبت به آینده‌ای که پیش‌رو داری کمی هراسان می‌شدی ولی به خودت دل‌داری می‌دادی (که‌ای بابا کو تا آن موقع).

دوازده سال بعد او بازم هم به سراغ کتابش رفت و آن را دوباره بازنویسی کرد و این بار آن را به صورت یک کتاب الکترونیکی با قالب PDF منتشر کرد. اگرچه رسم نیست که یک نویسنده داستان خود را با همان نام و همان موضوع دوباره ویرایش کند و حتی آن را بازنویسی کند ولی خوب دیگر کار از کار گذشته‌است و ما با آخرین ویرایش کتاب که آن را می‌توانید در آدرس http://sharif.edu/~civilinfo/faculty/joghataie.htm پیدا کنید، سر و کار داریم.

هدم نقد کتاب نیست ولی چند نکته کوچک به نظر رسیده که ذکرش شاید برای نویسندگان دیگر یا خود ایشان مهم باشد (البته فقط از دیدیک خواننده ساده آثار علمی تخیلی).
۱. فکر می‌کنم یک داستان علمی تخیلی از نظر ساختاری تفاوت چندانی با داستان‌های دیگر نداشته باشد. اگر از سگ بیان داستان بگیریم، عناصر دیگری که قصه را می‌سازند در اینجا هم باید حضور داشته باشند و نباید فدای عنصر علم و فناوری شوند. خواننده نباید خود در دنیایی از عبارات‌ها و توصیف‌های فنی دقیق از پدیده‌ای

ستاره‌ها و سیاره‌ها

پروش و **پاسخ** (۴ ستاره‌ها و **ساموهای** **راین** **گروه**، **ترجمه**، **بابک امین غرضی** و **شادی حامدی** آفرینندهان شرکت انتشارات **فنی تهران** قیمت ۸۰۰ تومان.



این کتاب شامل اطلاعاتی درباره ستاره‌ها، سیاره‌ها، ویژگی‌های ظاهری آنها، گازها و مواد تشکیل دهنده و شرایط زیست محیطی در فضا به صورت تعدادی پرسش و پاسخ است. در فهرست آن عنوان‌های رنگه به آسمان، آماشای ستاره‌ها، تریب‌های بزرگی از گاز، کهکشانات‌ها، منظومه شمسی و… مشاهده می‌شوند.

به اعتقاد نگارنده کتاب، آسمان شب به عنوان زیباترین منظر طبیعت است که که اخترشناسی، دانش شناخت آسمان شب از کهن‌ترین دانش‌های بشر خوانده می‌شود. همچنین شناخت این علم از ۵۰۰سال پیش شروع شده است که تمدن‌های اولیه در کاروان‌های سوایقی از رصدهای خود به جا گذاشته‌اند.

در بخش اخترشناسان کجا کار می‌کنند؟ و صدخانه‌های بزرگ، محل رصد ستاره‌ها تعریف شده که در زیر کیندهای آنها تلسکوپ‌های بزرگی جای دارند. گفتنی است کتاب ستاره‌ها و سیاره‌ها، گاهی ساده به آسمان شب و اجرام زیبای آن دارد که برای گروه سنی ۷ج، نگارش شده است.

کتاب

داستانی از آینده

که آن را نمی‌شناسد و ضرورتی هم در فناوری آن ندارد تنها بماند. برای او دنبال کردن خط داستان دل‌نشین‌تر و سرگرم‌کننده‌تر از اصول کارکرد یک فناوری نوین است.

۲. ادبیات داستانی فارغ از محل تولدش، همیشه سعی کرده است بیشترین ارتباط و تأثیرگذاری را بر خواننده داشته باشد و اگر غیر از این بود صعب بود. وقتی خواننده تواند ارتباط لازم را با فضا و شخصیت‌های داستان برقرار کند، دیگر نمی‌توان اثر را داستان نامید. به همین دلیل فکر می‌کنم آقای جغتایی باید به شخصیت‌پردازی و ترسیم فضا‌احسبت بیشتری می‌داد.

۳. چه اشکالی به وجود می‌آید اگر شخصیت‌های داستان ایرانی بودند. شاید دلیل آورده شود که چون زادگاه و محل رشد و نمو دستمایه داستان خارجی هستند پس باورپذیرتر شوند ولی آیا دغدغه و نگرانی نویسنده از آینده فقط به آنها مربوط می‌شود یا کل بشریت را نشانه گرفته است. کتاب که نگران می‌شود.

۴. داستان علمی تخیلی جایگاه تدریس اصول علمی و فنی نیست و همانطوری که درند یک گفته، خواننده به دنبال چیز دیگری است. اگر ژول ورن سینت هزار فرسنگ زیر دریا سفر می‌کند به دنبال حل مسائل فنی یا تالیوس نیست می‌شود.

دو کتاب از میراث مکتوب

... **از مجموعه تاریخ و جغرافیا**
مجموعه آثار حاجی عبدالله خان قراقرزلو امیر نظام مدالی، عنوان کتابی است که با مقدمه، تصحیح و تعلیقات عابدت الهی مجیدی منتشر شده است.

عبدالله خان قراقرزلو از رجال دوره قاجار است و اثر حاضر که شامل ۸گزارش است، می‌تواند بخشی از زوایای مهم اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر قاجار را روشن کند.

این کتاب چهاردهمین مجلد از مجموعه تاریخ و جغرافیاست که نشر میراث مکتوب منتشر می‌کند.

امراء الحرمین و پانزدهمین جلد از مجموعه تاریخ و جغرافیا این ناشر است که دربرگیرنده دو مجلد از سفرنامه مکه ایوب سیری پاشا از فضلالی دولت عثمانی در قرن چهاردهم هجری قمری است.

میرزا عبدالرسول منشی از مترجمان دارالترجمه ناصری به دستور ناصرالدین شاه این اثر را از

ترکی به فارسی برگزانه‌اند است.

کتاب حاضر که به تاریخ و جغرافیای مکه اختصاص دارد، به اهتمام جمشید کیان‌فر منتشر شده است.

نجوم‌فون پنجم

دوره‌سه المنجیح» نوشته شهسودان بن ابی‌الخیر رازی از متجان بنام سده پنخ هجری است که آن را به درخواست حکیم علی بن ابراهیم کرمانی در سال ۹۶۶ق. به زبان فارسی نوشته است.

در این کتاب به تفصیل درباره نجوم و احکام آن سخن رفته است و از ویژگی‌های آن می‌توان به نشر میانه سده پنجم هجری اشاره کرد.

این کتاب دوازدهمین مجلد از مجموعه علوم و فنون این ناشر است.

منتشر شد



و آن را به ذهن کنجکار خواننده وامی‌گذارد. او فقط در این سفر پیش‌بینی می‌کند (البته خوب پیش‌بینی می‌کند) و سعی می‌کند تا آنجا که ممکن است عیالش را باورپذیرتر کند. از سوی دیگر داستان علمی تخیلی افسانه دنیو سفید و سیاه هم نیست که فقط استعاره و خیال‌بند و پس، به همین دلیل نویسنده چنین آثاری کاری سخت پیش‌رو دارد.
۵.کنکه آخر به نحوه انتشار و معرفی کتاب مربوط می‌شود که به نظر می‌رسد آقای جغتایی کمتر به آن اندیشیده است.

کار ایشان خیلی سوزنازه و بی‌نظیر است (البته در ایران) که کتابی را نویسی و بعد آن را رایگان در دسترس همه قرار دهد. ایشان نشان داده‌اند که به دنبال فرهنگ‌سازی هستند و برای این کار از هزینه کردن حاصل فکر و قلم خود واهمه ندارند. ولی آیا اگر این کتاب در چند سایت معتبرتر و عمومی‌تر منتشر می‌شود یا حداقل آگهی می‌شد بهتر نبود؟

کتاب *آدن* (آدم) اگر چه تا حدودی کتابی سخت است ولی ارزش خواندن دارد. به همین دلیل پیشنهاد می‌کنم یک بار هم که شده آرام‌نظر کنید و در همین جامایلوام هم جغتایی اثر بعدی خود را با توجه به تجربه گذشته خود زیاتر و روان‌تر بنویسند و می‌دانم که می‌تواند چون در بخش‌های مختلف همین کتاب هم دیدهای این توانایی به وضوح به چشم می‌خورد.



کتابفروشی خیام بیزن ترفی، تصنیف و ترجمه سه نام و سه اتفاق، یادگار خاطرات بسیار، برای بسیاری از اهالی فرهنگ و اهالی شعر و ادبیات موسیقی.

پیش از قدیمی ترین کتابفروشی های تهران و از ناشران خوش سابقهٔ شادروان محمدعلی ترقی، فرزند کتاب در ایران، کارکنان و یادگار کتابهای فارسی از هند به ایران، کار شده در موضوع کتاب، این تاریخ و پیشینه واردات کتاب های باارزشی چون دوره دوره جدید واقع شده‌اند.و چاپ دوره چهارجلدی «حسب سیرره فرهنگ اندراج در هفت جلد، فرهنگ قدسی در پنج جلد، تجدید چاپ دوره مجله یادگار در پنج جلد، دیوان صائب، دیوان حزین، دیوان رومی الدین ایزدپناهی، دیوان کلبه، و…»

و در کتاب شادروان محمدعلی ترقی، حسین استادامپوزن ترقی پس از است که عهدگار سادامانجشنیدن به کار «خیام» بوده و حالاسلامت در شاه‌آبادسایق (خیامان جمهوری حاله) کتابفروشی خیام تعطیل است. و حال و وضع این نشر سابقه،نامعلوم، وای کتاب نامعلوم، که در یک مصاحبه که در مردی در حدیقه کتاب چاپ شده بود، به زیرکی مصاحبه‌گری در دوره گذشته که از ترازی امروز خیام، بوده برده‌اند. و این یعنی جلد کتاب گندی، کافه نادری، آن هم به هوای «سکاسکی اهلی ظریفی، که این کافه نادری» امروز، موسمیبه ترانه‌هایی از نائل پریشاد و خمدادرومنی نامم که تاکنون کشیدان بیزن ترفی، چه به سر نهادند، و خواهد آمد. خیاراند. شعر و واقفیت همه کتابفروشی ها و انتشاراتی های ما را ختم به خیر کن، آمین! و هزار آمل!

ترانه و تصنیف فاخر یکصدسال اخیر و عهد نام عزیز که

سرگرد

Sohail_mahmood@yahoo.com

حسین مجیدی

آتشی بودم بر جا ماندم

هواوه می‌درخشد، عارف، بهار، رهی، اسماعیل ثواب صف، مبینی گرم‌شاهی، و همین استاد ما،جواب بیزن ترفی، و نه تنها ترانه‌های روان و صمیمی و راست، که بایدبر زبان جاری شود، بلکه گریز از فداقی، شاعرانه، و در عرصه موسیقی ملی ما، این ترانه‌ها و تصنیف‌ها جاودانه‌اند. مثل این:
چو مجنون گریه از عشق‌انگشته نشسته گمباید
سنگتکه زامی برم به خجله کعبه‌و با این گریه‌گام، گریه‌ام از عهدیاده‌هستی
امر و محبب‌ام‌انتهایم، و یادآتش، از کاروان جادمانده، و یاد زنده‌تاهل دانشین
آمد سوی چین و من در همه سال‌های جوانی‌ام
گواه، که استادم شادروان مهرداد اویسیا، تصفیه‌پرداز و هنرشناس بزرگ معاصر هرگاه سخن از تازندگی پیش می‌آمد، از استاد تهرانی و استادشهانز به اجباب یاد می‌کرد.و هر گاه صحبت از ترانه و تصنیف می‌شد، حتماً از رهی یاد می‌کرد و بیزن ترفی، که این دو بزرگوار، آری و بخشیده‌اند به ترانه و تصنیف، و حافظه فریخته مردم، با این زیبایی‌ها عجبین شده، که شادروان رهی و استاد ما بیزن ترفی، دست ترانه را گرفتند و پدیدهٔ تا پام شعر آوردند، و رویه که الان ترانه هم نام و نام چندتا ترانهٔ اسی‌دهنده، از آلت‌هٔ آگری بخوامیم برای ترانه موسیقی، یاپ چوشان و ازین قائل شویم.باید آرزیه پیمنی و ایرج عشق عطشی و منوچ و چند عزیز دیگر به این نوع و گونه هم اکتفای بخشید.ام‌آن‌خوشیم که آن حال و هوای ترانه ملی و ایرانی، با آثار باارزین قیصر امین‌پور و ساعدی‌تبری، هنوز زیاده است، و جاری یاد و جاری تر.

۰۰۰

روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، و دوست گرامی ام آقای علمی است، که کتاب «لا پشت دیوارهای خاطره» را به هضم و چند نشانه‌بروزی ما، سرشار می‌سازد که بیزن ترفی یک نام احترام برانگی است، و حرف‌ها و خاطرات آبرویی همه نمایشگان شعر و موسیقی گرمی است.

و اولین سوآلم این که چرا بیان این خاطرات به اختصار برگزار شده؟ که بیزن ترفی شاعر و ناشر و از موسیقی، زندگی‌اش و خاطراتش، بسیار پیش از اینهست، چه در حوزه کتاب، چه در حوزه شعر، و چه در حوزه موسیقی، و به یاد کتاب ازنده تصفه شده، می‌افتم، اثر «بازارش حضرت استاد اسماعیل ثواب صف» که ما حوصله‌های افزونی و با شرح و بسط و جزئیات بیشتر تألیف شده، و در حد خود، جامع است، و شاید بتوان گفت یک نمونهٔ سوره‌وار شرایط فرهنگی و اجتماعی چند دهه اخیر، وای کتاب استاد ما، بیزن ترفی، به همین «لا پشت دیوارهای خاطره» بسنده نکند، که در عرصه کتاب و چاپ و نشر و شعر و موسیقی، گمنامی‌هایش بیش از اینهست. اگر هم حوصله نوشتن کم است، جوازتراهی شاعر و روزنامه‌نگار و اهل موسیقی، آسین هستی بالا بزنند، یعنی رخصت بخواهند و بروند و بنشینند و خاطرات استاد را به روایت و زبان خود استاد است، و ضبط کنند، و بعد هم فقط و ترتیبی به آنها بدهند، و به سامان برسانند که این کار غنای افزونی می‌بخشد به دانش ما درباره هنر شعر و موسیقی و زندگی اشعاران و موسیقی‌دان‌های پنج دهه اخیر، این مصاحبه‌ها و گفت‌وگوها که بخشی از تاریخ شفاهی موسیقی و ترانه ما خواهد شد، می‌تواند از حضور دوستان و یاران سال‌های جوانی ترفی باشد، که خود جرقه‌هایی خواهد بود، برای آنکه خاطرات و یادگارا از زیر جاکتسر فراموشی و پاید، تخلیه و تسویه، و بسیاری از لحظه‌ها را از ویسی کنند، و دل‌های ما را گرمی بخشند، و به‌عنوان یک دوستدار و ازادفکر، آثار کتاب استاد بیزن ترفی دوست‌ترام که «لا پشت دیوارهای خاطره» را احمد، اول خاطرات ایشان بدانم.

یا همه



سید امیرحسین عابدی

پروفیسور و دکتر سید

امیرحسین عابدی، افسینه نویسنده مطرح و از چهره‌های ترویختهٔ صاحب‌جامع فرهنگی و ادبی کشور هندوستان است، وی در سال ۱۹۴۲م تا ۲۰۰۰ش در شهر غازی‌پور ایالت اترپرادش به دنیا آمد. تحصیلات ادبیاتی را در شهر لکهنو و فیصلنات را در بنارس به پایان رسانید. سپس وارد دانشگاه گزراته و به دریافت دکتری از این دانشگاه فارسی تکل شد. پروفیسور عابدی در سال ۱۹۶۵م تا ۱۳۳۲ش در دانشگاه سنت استیفن، ایسسه به دانشگاه دهلی شروع به تدریس کرد.

پروفیسور عابدی برای تقویت بحث علمی خود و درک محضر استادان صاحب‌نام به ایران سفر کرد و در سال ۱۹۵۵م تا ۱۳۳۲ش در دوره دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران، شد نام و تحصیل کرد. وی پس از اتمام دوره دکتری به هند برگشت و در دانشگاه دهلی به تدریس زبان فارسی و اردو پرداخت.

وی در سال ۱۹۵۸م تا ۱۳۳۷ش سرپرست مجلهٔ آنگد شد. در سال ۱۹۶۹م تا ۱۳۴۰ش همکاری که کردی زبان و ادبیات فارسی، در دانشگاه دهلی برآمد. پروفیسور عابدی با زنده‌اشفتگی، ریاست مجلهٔ فارسی و عربی دانشگاه دهلی تصوب شد. پروفیسور عابدی، علاوه بر تدریس در دانشگاه هندوستان، ریاست کمیتهٔ مطالعات فارسی و عربی در سازمان مرکزی تعلیمات ریاستی دهلی را هم بر عهده داشت. ایشان همچنین در هیأت مشورتی مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فارسی کارشناسی ارشد ایالت بهار هند و نیز در هیأت مطالعات فارسی دانشگاه‌های بنارس، بنگال گورنمنته، پهلپال، خلیفهٔ سید، دله و پنجاب عضویت داشت. در سال ۱۹۷۲م تا ۱۳۵۰ش و در سال‌روز آزادی هندوستان از طرف رئیس‌جمهور وقت آن کشور از استاد عابدی به پاس خدماتش در گسترش زبان و ادب فارسی در هند تقدیر شد.

مجمین در سال ۱۹۷۵م تا ۱۳۴۶ش حکومت ملی هندوستان، جایزهٔ سابعنه کارشناسی را به ایشان اعطا کرد. مستاز را به پروفیسور عابدی اعطا کرد. سرچام، در سال ۱۹۶۶م تا ۱۳۷۵ش در مسیادین المللی استادان زبان فارسی سران هند که در اجدهٔ نامهٔ بزرگوار می‌شد، عنوان چاپ‌رایز فارسی، به پروفیسور عابدی داده شد. یکی از کتاب‌های دکتر عابدی است که در یاد وفوفات ایشان کتاب‌های دیگری چون گزارش حال، جوگ نشنت، داستان پدیمان، تاریخ سلاطین سفویه، دیوان اسرار، عصمت‌نامه و تصوف در هند، را تا به حال قدیم ملت‌های فارسی زبان کرده است. ضمن آثار و معاصر فرهنگی ایران در تیرماه ۸۰۱ به پاس خدمات علمی پروفیسور امیرحسین عابدی از ایشان تقدیر کرد.

صاحب امتیاز:
عنان کتاب ایران

مدیر مسؤول: احمد محمد جمعی

سردبیر: علی اصغر رمضان‌نژاد

انتساب: رئیس بخش فرهنگی سفارت ایران در زیمبابوه ضمن اشاره به تاریخ روابط فرهنگی میان ایران و زیمبابوه گفت: هرودی در شورای امورهای ملی زیمبابوه برنامه‌های ویژهٔ هنرمندان دو کشور مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

چام‌چم آن‌لاین: آمریکایی‌ها کمتر از همیشه کتاب می‌خوانند. در سال ۲۰۰۲ میلادی تنها ۲۷ درصد از افراد بالغ آمریکایی کتاب اعم از شعر، نمایشنامه یا رمان می‌خواندند که این رقم ۷ درصد نسبت به خوانندگان کتاب در سال ۱۹۹۲ میلادی کاهش یافته است.

یاد

سیدعلی میرحیا مسعود

یادی از ابراهیم مهرزاد

من مرگ تو را

باور نمی‌کنم

و مرگ عشق‌های قدیمی را

مرگ گل همیشه بهاری که می‌شکفت

در قلب مای منتصب ما



«احمد مصدق، منظومه رشک تو بهار»

نام مهرزاد مسایری بود یا روشنائی سرای کاشفی، سرایی که با مهربانی مریدی از تاجیکستان دیدنیان روزگار، همیشه روشن و پذیرای عاشقان عالم کتاب بود.

از مرحوم اصحاح ابراهیم مهرزاد سخن می‌گویم. مریدی که چندین دهه عاشقان کتاب را از تمامی خرصه‌ها به خود جلب نمود. مریدی که عاشق کتاب بود، ناشری محترم، فریخته و مهربان.

کیوجه مساجد صاحب را که ادامه می‌دهی به سرایی برمی‌خواری که از اولین مساعط روز، با روشنائی مریدی چون آفتاب شما را به خود فرامی‌خواند، با خود و نشاط شما را به جیرهٔ مهر سراسر خود دعوت می‌کند، برایش فرقی نمی‌کند، به قصد خرید آمده باشی یا نه، چرا که نور ادرافتنه، چرا که صدای او یا صدای تو آشناست. مرحوم صاحب ابراهیم مهرزاد از بنیانگذاران نشر و از کتابفروشان نخستین در ایران به شمار می‌رود. احترام ویژه و منحصر به فردی برای کتاب قابل بود.

اختیار کوتاه

مردم سالاری، خانه و خوشی یافتی، شاعر متمدنی فرهاد و شیرین، ناظر و منظور و خلدبرین به همت ادار، کل میراث فرهنگی استان یزد در شهرستان باقی مرمت و بازسازی شد.

ایوان: دکتر فتح‌الله گنجبایی نویسنده، محقق، دین یزوه و عضو دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به دلیل علاقهٔ قلبی در دستر بیماری است.

شوق: قدیمی ترین دست نوشته «محمدین زکریای رازی، شمیمیان ایرانی قرن ۱۱ میلادی که در سال ۱۹۹۵ از عراق به سرتقت رفته بود، در انگلیس کشف شد.

چام چم، نوزدهمین جشنوارهٔ ملی قرآن دانشجویان کشور در رشته‌های ترجمه، تفسیر، قرأت، ترتیل و حفظ از ۲۵ مردادماه سال جاری با همکاری ۹ سازمان و وزارتخانه در تهران برگزار می‌شود.

سیرت، روز، بیست و دومین جشنوارهٔ فرهنگی و هنری دانش آموزان سراسر کشور در چهار رشته قرآن و نهج البلاغه، آذان و اسکام، هنری و ادبی در مراکز استان‌های خراسان اردبیل، همدان و چهارمحال و بختیاری از سوم تا بیست و هشتم مردادماه برگزار می‌شود.



بیمه ولد اثر فریتس مایر

میراثاوی بیوردی به موجب کتاب بیمه، ولد اثر فریتس مایر را ترجمه کرده بودم که انتشارات سروش آن را چاپ کرده و در همین روزها به بازار می آید. این کتاب البته می باید در ازم نامشیکه چاپ منشر می شد که الان چند ماهی هم از ازم نامشیکه گذشته و هنوز به بازار نیامده. این کتاب را از زبان آلمانی به فارسی برگردانده ام البته فریتس مایر فیلا کتاب البرسید اولخیزه را نوشته بود که من آن را ترجمه و منشر کرده ام.

می دانید که چهار ولد پدر جلال الدین محمد مولوی است و کتاب بیمه، ولد در مورد عرفان خاصی و چهار ولد و سرگذشتش و مهاجرتش از بلخ به آسیای صغیر به همراه مولانا و خانواده است. کتاب در حقیقت در دو بخش نوشته شده. یک بخش مربوط به عرفان اوست که در هیچ جا نوشته و گفته نشده بود. فریتس مایر با مهارت تمام با تحقیقات و مطالعه روی کتاب معارف که یادداشت های چهار ولد باشد و کتاب شدی و... در یافت های خود را در همین کرده و پژوهش بسیار جرائدی و مستندی تدارک دیده است. بخش دیگری کتاب سرگذشت، چهار ولد است که ارتباط آن زمایش با خوانمشاهیان و حرکت او پیش از حمله مغول به سمت ترکیه و استقرارشان در قونیه را شرح می دهد. این کتاب را فریتس مایر در سال ۱۹۸۷ تألیف کرده بود.

کتاب دیگری که در دست ترجمه دارم سلسله معنات و پژوهش های فریتس مایر است که بسیار عمیق و جامع می باشد که درباره مسائل مختلف در چهارچوب تألیف شده که چند اول راجع به تصرف عرفان است. جمله دوم راجع به مسائل کلامی و دینی علوم در زمینه زیان و آسب فارسی و جمله چهارم در مورد آداب و رسوم فارسی است.

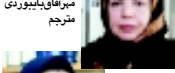
این مجموعه از آثار مهم علمای محسوب می شود که همکاران مایر به مناسبت ششادین سالگرد تولدش جمع آوری و چاپ کرده اند. من تصمیم گرفتم این مجموعه را توسط پژوهشگاه علوم انسانی راسته به وزارت علوم و آموزش عالی منشر کنم. این مجموعه را با نام سنگ نهای معارف اسلامی منشر می کنم. جمله اول هم تا پایان سال منشر می شود. مایر با استفاده از منبع خطی دست به پژوهش می روزه و بیشتر با مبنای عربی و متون فارسی قدیم کار می کرده است. چهار ولد نادر که در جایی دیده نشده بود. از جمله رساله تزیین آلبانی کشیدم. من اما رساله را هم ترجمه فارسی چون یکی از رسالات مهم کتبی محسوب می شود. البته به همراه تفسیر مفصلی که به مناسبت جشنواره روز فکری از استان مازان را نوشته است. این یک نمونه از مطالب این مجموعه است. راجع به اسامی چاپ راجع به عزیزانی و... معنات بسیار جالبی دارد.

نقاشی ایران در قرن دوازدهم هجری

آیین آفدانشلو، نقاش و نویسنده، الان کتابی زیر چاپ داریم، اما در دست نگارش و آماده سازی دارم که چند جلد کتاب خواهد شد. اولی نقاشی ایران در قرن دوازدهم هجری است. این یک کتاب تألیفی است و درباره تفسیر نگارگری ایران به نقاشی اروپایی است. بعضی درباره دورانی است که نگارگری سنتی ایران تحت نفوذ و تأثیر شدید غربی قرار می گیرد. این کتاب همراه با عکس و نقاشی همان دوره است. در این کتاب تاریخ و نقاشی و نگارگری را می گویم و علل و عوامل این دگرگونی را شرح می دهم. این کتاب در حدود ۲۵۰ الی سیصد صفحه خواهد شد و حوزه اندیشه هنر اسلامی به عنوان ناشر آن را منشر می کند. کتاب بعدی هنر فاجاری است. هنر فاجاری درباره سیر تحول هنر قرن سیزدهم ایران است و در حقیقت با کتاب قبلی ادامه پیوسته ای از تاریخ هنر ایران است. دوازدهم تا سیزدهم را می سازند. این کتاب هم یک اثر تألیفی است. همراه با نقاشی های از این دوران



آیین آفدانشلو نقاش و نویسنده



میراثاوی بیوردی مترجم

رقیه بیزادی محقق و مترجم

که حوز دینه اندیشه اسلامی آن را چاپ می کند. این کتاب درباره نقاشی و درباره معماری است. منظور از هنر که می گویم هنر جسمی است. منظور سوم کتاب تاریخ هنرمندان کاشانه است. این کتاب یک کار تحقیقی است از پیش از تاریخ تا دوران معاصر که به سهراب سپهری ختم می شود. می دانید که کاشان در تاریخ هنر ایران اهمیت بسیاری دارد. چون یک کلنگ هنری فوق العاده مهم دارد که در طول تاریخ هنرمندان بسیاری را به جامعه ایران معرفی کرده است. با اینکه کاشان هیچ وقت پایتخت کشور نبوده ولی مکتب هنری بسیار بسیار درخشان است. از خاندان غفاری بزرگی از این مکتب برخاسته اند. از خاندان غفاری گرفته تا کمال الملک و سپهری و خیلی های دیگر. من برای نوشتن این کتاب منابع متعددی داشتم بزرگی برای آن بخش که مربوط به هنر پیش از تاریخ می شود. مثلا نقاشی روی ظروف سفالی و بعد نقاشی در محراب ها و نمونه های

سال ۱۳۹۴

متعددی که سراغ داریم. هنر نقاشی در کاشان به اسم سبک کاشان معروف نیست اما خاندان های مستند مثل خاندان طاهر و خاندان غفاری که اینها تسل در تسل کار کردند و سبک و شیوه خاصی خودشان را دارند و در این کتاب به این موارد اشاره شده است. این کتاب با بنیاد کاشان به عنوان ناشر، چاپ و منشر می کند و به نظر از این سن سه کتاب، همین کتاب تاریخ هنرمندان کاشان، به احتمال خیلی زیاد زودتر منشر می شود. اما برای چاپ نقاشی های خود هم جلد دوم را تدارک دیده ام که شامل بسیاری از آثار جدید من می شود. جلد اول این نقاشی ها با عنوان «بزرگدینه نقاشی ها» توسط نشر هنر ایران چاپ و منشر شده بود. اما جلد دوم این کتاب را با سرمایه گذاری چند شخص حقیقی منشر می کنم. این کتاب نود و هفت از نقاشی های دوران قاجاری را دارد ولی عمدتاً نقاشی های از سال ۱۳۷۰ به بعد را شامل می شود.

آینه بامداد

آینه بامداد شناخته شده ای است از احمد شاملو که وسیله جواد محلی گردآوری و تألیف شده است توسط انتشارات دیگر چاپ و منشر می شود.

کلیلهای طلایی: شرح ملبیوت: عنوان کتابی است تألیف پاریک فرست، ترجمه مریم مقدسی که مباحث مطروحه در کتاب در حوزه ملبیوت و روانشناسی مدیریت، نقش برنامه ریزی در بهبود سیستم اداری و بازرگانی شرکت ها و سازمان ها است که انتشارات جیحون آن را چاپ کرده است.

جشن های آتش و میرکان

جشن های آتش و مهرگان عنوان کتابی است به قلم هاشم رضی، این کتاب قسمتی از کتاب گاه شماری و جشن های ایران باستان است که انتشارات بهجت پیش از این منشر کرده بود.

پارادایم شناسی علوم انسانی

پارادایم شناسی علوم اجتماعی، عنوان کتابی است تألیف پاریان فی که به قلم مرتضی مردهپور ترجمه شده است. کتاب حاضر در اصل به فلسفه علم و خصوصاً علوم اجتماعی پرداخته و روش های تحقیق متداول در علوم اجتماعی و انسانی را مورد بررسی قرار داده و با بررسی جدید به پدیده چند فرهنگی در علوم اجتماعی پرداخته است که پژوهشگاه مطالعات راهبردی این اثر را در دست چاپ دارد.

تظریه ارزش مارکس

تظریه ارزش مارکس، تألیف ایزابلج روبین به ترجمه حسن شمس آوی است که به بررسی یکی از تئوری های اقتصادی مارکس در خصوص ارزش و چگونگی ایجاد آن می پردازد و نشر مرکز اقدام به چاپ آن کرده است.

سقراط و مسیح

سقراط و مسیح عنوان کتابی است تألیف ژرژ آنداس ترجمه عباس اسلمیان که به بررسی و سیر اندیشه های سقراط و مسیح و جریان محاکمه آنان می پردازد و انتشارات معین چاپ آن را به عهده گرفته است.

مفاتیح تفکر

مفاتیح تفکر، عنوان کتابی است تألیف دیوید بودرول و کریستین لکزامی است. این رمان سرگذشت یک تفکر با بازیگر با تئویم آلمانی در نیمه قرن بیستم است که انتشارات جامی اقدام به چاپ آن کرده است.

تاریخ سینما

تاریخ سینما، عنوان کتابی است تألیف دیوید بودرول و کریستین تانسون ترجمه ویریت صافاریان که در اثر این به بررسی علمی و تخصصی وضعیت سینما و تاریخ تحول آن در سطح بین المللی می پردازد. انتشارات مرکز اقدام به چاپ این کتاب کرده است.

بازمخوان (کلمات الهام بخش)

کتاب بازمخوان (کلمات الهام بخش)، مجموعه ای است از جملات نثر و پریمعا از مشاهیر و بزرگان جهان که توسط قاسم احسانی کناری گردآوری شده و انتشارات علمی اقدام به چاپ آن کرده است.

کتاب های ارزش مارکس

تظریه ارزش مارکس، تألیف ایزابلج روبین به ترجمه حسن شمس آوی است که به بررسی یکی از تئوری های اقتصادی مارکس در خصوص ارزش و چگونگی ایجاد آن می پردازد و نشر مرکز اقدام به چاپ آن کرده است.

سقراط و مسیح

سقراط و مسیح عنوان کتابی است تألیف ژرژ آنداس ترجمه عباس اسلمیان که به بررسی و سیر اندیشه های سقراط و مسیح و جریان محاکمه آنان می پردازد و انتشارات معین چاپ آن را به عهده گرفته است.

مفاتیح تفکر

مفاتیح تفکر، عنوان کتابی است تألیف دیوید بودرول و کریستین لکزامی است. این رمان سرگذشت یک تفکر با بازیگر با تئویم آلمانی در نیمه قرن بیستم است که انتشارات جامی اقدام به چاپ آن کرده است.

تاریخ سینما

تاریخ سینما، عنوان کتابی است تألیف دیوید بودرول و کریستین تانسون ترجمه ویریت صافاریان که در اثر این به بررسی علمی و تخصصی وضعیت سینما و تاریخ تحول آن در سطح بین المللی می پردازد. انتشارات مرکز اقدام به چاپ این کتاب کرده است.

کتاب نخب کاشانی ۱۰۰۱ روال... مجموعه نخب کاشانی ۵۵۰۰۰ روال... تهران - خیابان انقلاب اسلامی - بین خیابان لوریمیان و دانشگاه - ساختمان فروردین - طبقه دوم - کد پستی: ۱۳۱۵۶۹۲۵۱۹ - صندوق پستی: ۵۶۹ - تلفن: ۰۲۱-۴۲۹۰۱۲۰۳ - فکس: ۰۲۱-۴۲۹۰۲۲۵۸ - www.mirasnaksh.com - info@mirasnaksh.com